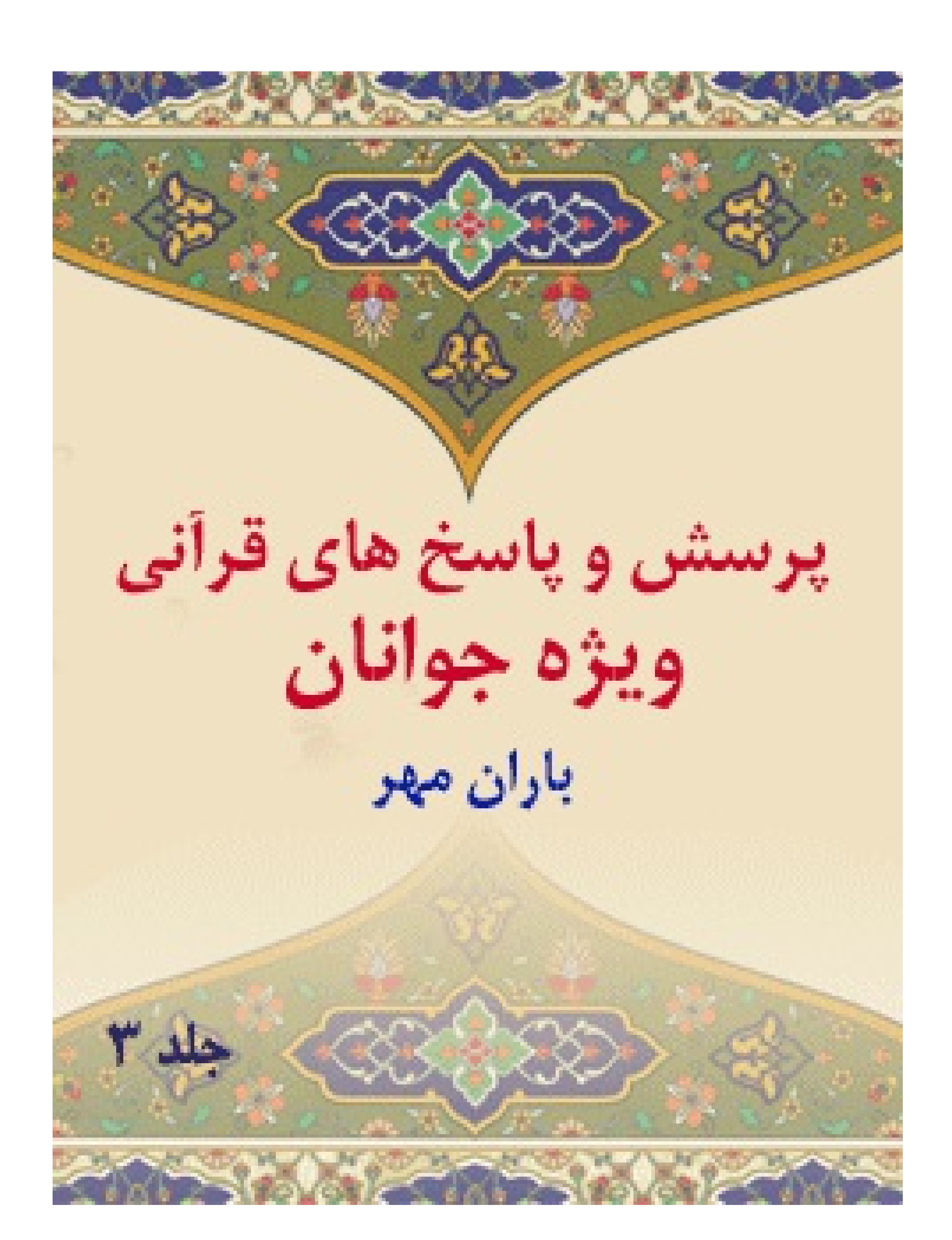


پرسش و پاسخ های قرآنی
ویژه جوانان
باران مهر
جلد ۳


بسم الله الرحمن الرحیم

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان

نویسنده:

محمدعلی رضایی اصفهانی

ناشر چاپی:

انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، جلد۳ (باران مهر)

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : باران مهر/جمعی از پژوهشگران ؛ زیر نظر محمدعلی رضایی‌اصفهانی.

مشخصات نشر : قم: انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری ۱۷۳ ص.

فروست : پرسش‌های قرآنی جوانان؛ ۳

شابک : ۱۵۰۰۰ ریال ۹۶۴-۹۶۳۳۷-۰-۷

یادداشت : پشت جلد به انگلیسی: The Quranic questions of youth

یادداشت چاپ قبلی: انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۴ (بدون فروست).

یادداشت :چاپ سوم

یادداشت :کتابنامه: ص. [۱۶۹] - ۱۷۳؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع:قرآن-- پرسشها و پاسخها

شناسه افزوده:رضایی اصفهانی محمدعلی ۱۳۴۱ -

رده بندی کنگره BP۶۵/۲/ب۱۴ ۱۳۸۵

رده بندی دیویی ۲۹۷/۱۰۷۶

شماره کتابشناسی ملی:۱۱۵۴۹۹۶

درآمد

قرآن کریم نوری است که بر اندیشه‌ی بشر تابید و راه انسان‌ها را روشن ساخت، این کتاب منبع عظیم معرفتی و سفره‌ای الهی است «۱» که می‌تواند نسل‌های بشر را از زلال معرفت خویش سیراب سازد.

این کتاب به مقام دانش و دانشمندان ارج می‌نهد و عالمان و جاهلان را مساوی نمی‌داند، «۲» بلکه با اشارات متعدد به مباحث کیهان‌شناسی، زیست‌شناسی، رویان‌شناسی و روح و روان انسان بلکه با اشاره به مسائل فرا روانشناسی، حسّ کنجکاوی و پرسشگری انسان را تحریک می‌کند و زمینه رشد علوم را فراهم می‌سازد.» پرسش کلید دانش است، «۴» و ذهن پرسشگر ارجمند است، و وظیفه دانشمندان استخراج پاسخ از منابعِ قرآن، حدیث، عقل و علوم تجربی و ارائه آن به تشنگان حقیقت است.

از این رو چندین سال است که جمعی از پژوهشگران حوزه و دانشگاه گردهم آمده و با تأسیس «واحد پاسخ به پرسش‌های نور»، و ارسال پرسش نامه به مناطق

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۰

مختلف، به گردآوری پرسش‌ها و ارائه پاسخ پرداخته‌اند و اینک بخشی از این پرسش و پاسخ‌ها را در این مجموعه گردآوری و ارائه می‌کنند.

بنده که چند سال با این عزیزان همراهی داشته‌ام، شاهد تلاش علمیِ همراه با تعهد آنها بوده‌ام، که در حد توان کوشیده‌اند پاسخ‌های مناسب و متین ارائه کنند و به طور نسبی موفق بوده‌اند.

امیدوارم خدای متعال این خدمت علمی و قرآنی را از همه‌ی ما بپذیرد و در پرتو قرآن و اهل بیت علیهم السلام پاداش نیک عطا فرماید!

در ضمن از خوانندگان محترم درخواست داریم که ما را از راهنمایی خویش محروم نفرمایند و از جوانان عزیز می‌خواهیم که اگر پرسش‌هایی دارند، به آدرس ما ارسال فرمایند.

والحمد للّٰه‌رب العالمین

محمدعلی رضائی اصفهانی

قم- ۲/ ۱۱/ ۱۳۸۳

-

آدرس: قم، خیابان معلم، معلم ۹، جنب هتل یثرب، کوچه شهید محمدحسن احمدی، کوی نور، پلاک ۹۱

تلفن، پیام‌گیر، نمابر: ۷۷۳۹۰۰۲- ۰۲۵۱ ص. پ: ۴۱۶- ۳۷۱۸۵- قم

...:...

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۱

فصل اول: مبدأشناسی

اشاره

۱. شک در مورد خدا نقطه‌ی آغاز یا توقف؟

۲. آیا خداوند بزرگ روح است یا جسم او را چگونه پیش خودمان مجسم کنیم؟

۳. از منظر قرآن و حدیث چگونه مؤمنین در ایمانشان با هم تفاوت دارند؟

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۳

۱. شک در مورد خدا نقطه‌ی آغاز یا توقف؟

۱. پرسش:

۱. شک در مورد خدا نقطه‌ی آغاز یا توقف؟

آیا اگر انسان در مورد خدا شک کرد و فکر کرد، مرتکب گناه می‌شود یا خیر؟

لطفاً کمی در مورد این تفکر و شک توضیح دهید؟

پاسخ:

مقدمه

انسان برای جستجوی حقیقت دارای حالتی به نام «حس کنجکاوی» می‌باشد. این حس یک «محرک درونی» است که با هر چیزی تماس پیدا کند نظرش جلب می‌شود و می‌خواهد آن را بفهمد و درک کند. همین جاست که مسئله‌ی «شک» مطرح می‌شود یعنی در برابر انسان یک سلسله مجهولات قرار می‌گیرد که نمی‌تواند به آنها علم پیدا کند این را شک می گویند.

منشأ شک:

ما دو نوع نیاز داریم:

۱. نیاز عقلی: که به خاطر قرار گرفتن عقل در برابر مجهولات است و حس حقیقت جویی، او را به دنبال حل مجهولات می کشاند و شک عقلی نمایانگر این نیاز است.

۲. نیاز قلبی: بشر در برخی موارد با وجود دلیل‌های فراوان عقلی، قلباً مطلب

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۴

را نمی‌پذیرد و گاهی تردید می کند. احساس نیاز قلبی انسان در برخی پدیده‌ها با ویژگی‌های خاص نمایانگر می‌شود.

مانند این که با صدها دلیل ثابت شده است که شخص مرده، قدرت هیچ کاری را ندارد و نباید از او ترسید، ولی هنوز در انسان ترس وجود دارد و باور عقلی به قلب او راه نیافته است؛ در حقیقت «عقل» او مطمئن است ولی «قلب» او هنوز مطمئن نشده است.

در رابطه با قسم اول یعنی نیاز عقلی، که شاید منظور شما از سوال فوق این قسم باشد؛ عرض می‌کنیم که «شک»، هم خوب است و هم خوب نیست.

- شک، خوب است چون انسان وقتی متولد می‌شود با یقین و ایمان متولد نمی‌شود زمانی که بالغ می‌شود با یقین و علم بالغ نمی‌شود. یقین چیزی است که باید برای انسان پیدا شود اما تا انسان شک نکند به سوی یقین رانده نمی‌شود.

شک برای بشر خوب است اما نه اینکه هدف خوب و منزل خوبی باشد. بلکه دالان و محل عبور خوبی برای رسیدن به علم و یقین است تا انسان از این دالان عبور نکند به آن سرمنزل بسیار عالی، که یقین نام دارد نمی‌رسد.

مثال: ممکن است به ظاهر، درد دندان بد باشد اما در عین حال خوب است؛ زیرا وقتی دندان درد گرفت، انسان به دندان پزشک متخصص رجوع می کند و به علت وجود درد پی می‌برد و از فساد آن دندان و دندان‌های مجاور نیز جلوگیری می کند. حالا اگر درد نبود ما از فساد و خرابی پنهانی دندان بی‌خبر می‌ماندیم، و بقیه دندان‌ها هم خراب می‌شدند. شک نیز چنین موقعیتی در مورد باورهای انسان دارد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۵

قرآن کریم وقتی دعوت می کند به اینکه، رشته‌ی تقلید از گذشتگان را از گردن باز کنید؛ یعنی در آنچه که از پدران و مادران و محیط خودتان فراگرفته‌اید و به آن باور دارید تردید کنید. قرآن که می گوید: در این باورها تردید کنید منظورش این نیست که تردید خوب است. بلکه تردید کنید تا بتوانید تحقیق کنید و به یقین برسید. زیرا انسان تا زمانی که در دانسته‌های خود شک نکند از راهی که می‌رود بر نمی گردد، و به دانسته‌های خود «دلخوش» می‌باشد همانطور که اگر درد دندان نباشد انسان به دندان فاسد خود

دلخوش می‌باشد.

و از این رو قرآن از زبان مردم می‌گوید: ما گذشتگان و اسلاف خودمان را بر یک طریقه‌ای یافته‌ایم و دنبال همان عقاید و باورهای پدران خودمان می‌رویم.

(زخرف/ ۲۳)

و در جای دیگر می‌فرماید: ممکن است پدران اینها اهل تعقل و هدایت نبوده باشند [باز هم باید از پدرانشان پیروی کنند]. (بقره/ ۱۷۰)

- اما شک بد است چون علامت نبودن علم و آگاهی است، و نشان می‌دهد که انسان به هدف اصلی که یقین است نرسیده است و در راه سرگردان مانده است. با این حال باید تلاش کند و خود را به یقین و سرمنزل مقصود برساند.

در رابطه با قسم دوم یعنی «نیاز قلبی» باید گفت: بعضی از انسان‌ها در مورد وجود خدا و وحدانیت باری تعالی و اعتقاد به عالم غیب سوالاتی دارند که موجب شک آنها شده، که هر چه زودتر باید به افراد آگاه و متخصص در این باره رجوع کنند وخود را از درد این «شک ابتدایی» نجات دهند و از فاسد شدن بقیه‌ی باورها و عقاید جلوگیری کنند؛ و عقل خود را از دلایل عقلی سیراب کنند، و بعد

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۶

نوبت به «عمل» می‌رسد که اگر انسان اعمال و رفتار خود را مطابق عقاید و باورهای خود مدیریت کند و به دانسته‌های خود عمل کند، نور تقوا همه‌ی وجود او را فرا می‌گیرد و اگر شکی هم وجود داشته باشد در پرتو تقوا بر طرف می‌شود.

چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «تقوا پیشه کنید تا خداوند به شما علم عطا کند.» «۱»

و اگر تقوا نباشد و نافرمانی شود کار آنها به شک در مورد خداوند و شرک و کفر می‌انجامد.

چنانکه قرآن می‌فرماید: «سپس عاقبت کسانی که کارهای زشت انجام دادند، تکذیب آیات الهی شد.» «۲»

خلاصه آنکه باید ببینیم که شخص در قبال شک بوجود آمده چه می‌کند؟ اگر شک را چراغ قرمز قرار دهد برای توقف و درجا زدن، این شک تخریب کننده عقائد و بد است، و اگر شک را چراغ سبزی قرار دهد برای عبور و بالا بردن سطح آگاهی، نه تنها گناه نیست، بلکه سبب کمال انسان نیز می‌باشد.

در پایان راهکارهایی را در این باره پیشنهاد می‌کنیم:

۱. اگر شک پیدا شد سعی کنیم در اسرع وقت با سوال کردن از متخصصین فن، آن را رفع کنیم. زیرا باقی ماندن شک در ذهنِ انسان، موجب نابودی ایمان، و بوجود آمدن شک‌های دیگر است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۷

۲. با تفکر در خلقت آسمان و زمین و نظم آنها و تفکر در مورد انسان، سعی کنیم اعتقادات خود را در مورد خداوند استحکام بخشیم و با تذکر و یادآوری نتائج تفکرات؛ خود را به درجه‌ی یقین، روز به روز نزدیک کنیم. در روایات اهلبیت و بویژه در قرآن کریم، به طور متعدد، به تفکر در آمد و رفتِ شب و روز و دقائق و لطائفی که در شب و روز است توصیه شده است. «۱»

۳. انجام عبادت همراه با دقت و با خلوص نیت، موجب می‌شود باورهای ما تقویت شود و به درجه‌ی یقین برسیم. قرآن کریم می‌فرماید: «وَاعْبُدْ رَبَّکَ حَتَّی یَأْتِیَکَ الْیَقِینُ» «۲» ۴. و در پایان باید عرض کنیم همانطور که وسوسه‌های شیطانی و نافرمانی خدا و تعلقات مادی و بی‌تقوایی و ... باعث ایجاد زنگار بر قلب و قساوت قلب می‌شود؛

رعایت تقوا

ذکر خدا

و قرائت و تدبر در قرآن

و شرکت در مجالس اهلبیت علیهم السلام

و مجالست با علما

و همنشینی با دوستان عاقل و با تقوا و ...

باعث جلای قلب و در نتیجه بر طرف شدن شک و رسیدن به یقین می‌شود. «۳»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۸

معرفی کتاب:

۱. چهل حدیث حضرت امام خمینی رحمه الله

۲. ده گفتار شهید مطهری رحمه الله

۳. مجموعه مقالات شهید مطهری رحمه الله

۴. اخلاق در قرآن آیت‌اللّه مصباح یزدی

علاوه بر کتاب‌های فوق برای جستار بیشتر مراجعه فرمایید به:

۱. قلب سلیم شهید دستغیب رحمه الله

۲. مبانی شناخت استاد محمدی ری‌شهری

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۹

۲. آیا خداوند بزرگ روح است یا جسم، او را چگونه پیش خودمان مجسم کنیم؟

۲. پرسش:

۲. آیا خداوند بزرگ روح است یا جسم، او را چگونه پیش خودمان مجسم کنیم؟

پاسخ:

این پرسش به دو بخش تقسیم می‌شود:

۱. خداوند جسم است یا روح؟

۲. چگونه خداوند را تصور کنیم؟

در پرسش اول: بحث ما در مورد موجودی است که خالق هستی می‌باشد و بدون هر گونه عیب و نقص است، و به طور کلی هیچ یک از نشانه‌های مخلوقات را ندارد و از طرفی تمام کمالات و ارزش‌های والا را دارا می‌باشد.

نشانه‌های مخلوق بودن عبارتند از:

۱. وابستگی به شرائط:

یکی از نشانه‌های مخلوق این است که در بوجود آمدن و همچنین در ادامه‌ی حیاتش، نیازمند شرائط و ویژگی‌های خاصی است. با دقت در تک تک پدیده‌های عالم ماده، این نکته‌ی مهم قابل مشاهده است. یک گل را در نظر بگیریم که برای بوجود آمدن، نیازمند شرائط خاص خود (کاشتن دانه یا قلمه زدن) می‌باشد، همچنانکه در ادامه‌ی زندگی نیز نیازهای جدید دارد. شبیه همین مطلب را در انسان‌ها و حیوانات نیز می‌بینیم. اما خالق و پروردگار عالَم، خالق و بوجود آورنده‌ی شرائط است وخود هیچ‌قید وشرطی ندارد چون غنی وبی‌نیاز محض است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۲۰

۲. تغییر و دگرگونی:

بی‌شک موجودی که در شرائط مختلف، تغییر و دگرگونی می‌یابد و حالات و کیفیات جدیدی را کسب می‌نماید، در بدست آوردن و تحصیل این حالات گوناگون و جدید، احتیاج به علتی غیر از خود دارد، چرا که خود بخود این تغییر و دگرگونی هرگز در او حاصل نمی‌شود.

۳. محدودیت:

موجودی که از نظر زمانی، مکانی یا غیر آن محدود باشد بدین معنا که در تمام حالات از حدود و مرزبندی‌های خاص تبعیت می‌کند، مثلًا اگر موجودی مادی است از حدود زمان و مکان برخوردار می‌باشد پس در مکانی هست و در مکان دیگر نیست و در یک زمان هست و در زمان دیگر نیست؛ و اگر موجودی مجرد (مثل روح) باشد همچنان از حیث وجودی محدود می‌باشد به این معنا که وجودش در پرتو وجود علت موجود است و به اصطلاح، وجودش «عین ربط و تعلق» است.

با یک مثال مطلب روشن می‌شود: لامپی که در اختیار ماست و روشن است تا زمانی نور می‌دهد که از طرف منبع، به آن برق داده شود، اما به محض این که برق قطع شود، نور هم از بین می‌رود پس این نور یک «وابستگی وجودی» به برق دارد که «محدودیت» آن محسوب می‌شود.

حال موجودیت همه‌ی موجودات جهان این چنین است و در سوره‌ی فاطر در این مورد می‌خوانیم: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» «۱»

با این حساب خدای جهان نه «جسم» است و نه «روح» چون دانستیم

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۲۱

که اگر جسم یا روح باشد (به معنایی که ما درک می‌کنیم) دیگر مقام خالقیت را ندارد و مخلوقی از مخلوقات است. پس خدا موجودی از موجودات است که هیچ قید، شرط و نقصی ندارد و محدود به آنها نیست و تمام کمالات را در سطح بالا دارا می‌باشد.

اما در جواب اینکه: چگونه خدا را تصور کنیم؟

باید عرض کنیم که علم ما بر دو قسم می‌باشد:

۱. گاهی انسان به موجودی علم پیدا می‌کند که دارای حدود و قیود می‌باشد، که در این صورت بوسیله‌ی حواس خود، تصویری از آن می‌گیرد و در ذهن خود مجسم می‌کند. مثل تصویری که از یک انسان می‌گیریم. اگر دقت کنیم می‌یابیم که داشتن تصویر ذهنی از یک شیء، زمانی ممکن است که آن شی دارای «حدود و قیودی» باشد تا بتوان از آن تصویری در ذهن بیاوریم.

۲. گاهی انسان می‌خواهد به موجودی علم پیدا کند که از همه جهت مطلق است و هیچ حد و مرزی در وجود و کمالات ندارد، همچنانکه قابل درک حواس نیست تا بتوان آن را به صورتی در ذهن حاضر نمود و لذا هر چه در ذهن بیاوریم ساختگی است و حکایت از واقعیت ندارد. و قرآن کریم می‌فرماید: «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ»؛ «۱» «هیچ چیز همانند او نیست و او شنوا و بیناست!» و در آیه دیگر می‌فرماید: «لَاتُدْرِكُهُ الأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ»؛ «۲» «چشم‌ها او را نمی‌بینند؛ ولی او چشم‌ها را می‌بیند و او بخشنده (انواع نعمت‌ها، و با خبر از دقائق موجودات) و آگاه (از همه چیز) است.»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۲۲

در این آیه‌ی کریمه عدم امکان مشاهده‌ی خداوند با چشم ظاهر مورد توجه قرار داده شده است و حتی در برخی از احادیث که ذیل این آیه‌ی کریمه است می‌فرمایند: «شما شهرهایی را که داخل نشده‌ای و ندیده‌ای را بوسیله قوه‌ی واهمه می‌توانی تصور کنی در حالی که با چشم ندیده‌ای اما خداوند متعال را با خطورات قلبی و قوه‌ی واهمه نمی‌توان درک کرد و تصور نمود.» «۱»

و بالاتر این که در حدیثی آمده است: «حقیقت شناخت خداوند و توحید این است که هیچ تصوری از او در قوه‌ی واهمه نداشته

باشی.» «۲»

در حدیث دیگری حکایت شده: «هر چه را شما در دقیق‌ترین توهمات خود آنرا مشخص کنید که او خداست، او خدا نیست، او مخلوق و ساخته و پرداخته‌ی ذهن شما است. شاید مورچه‌های ریز تصورشان این باشد که خداوند مانند خود آنها دو شاخک (ولی بزرگ‌تر) دارد.» «۳»

از امام علی علیه السلام در مورد خداوند متعال نقل شده: «الذی لایدرکه بُعدُ الهمم و لاینا‌له غوصُ الفطن» «۴»

«همت‌ها هر اندازه دورپروازی کنند او را نمی‌یابند، و زیرکی‌ها هر اندازه در ژرفای دریای اندیشه فرو روند به او نائل نمی‌گردند.»

نکته‌ی قابل توجه این که: این گونه نیست که انسان نتواند هیچگونه معرفتی به خداوند داشته باشد زیرا انسان با ترکیب یک سلسله از مفاهیم کلی و انتزاعی می‌تواند شناختی را در مورد او پیدا کند چنانکه شخصی که هرگز شهر بزرگی

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۲۳

مثل نیویورک را ندیده و می‌خواهیم آن شهر را برای او توصیف کنیم می‌گوییم نیویورک آبادی است لکن نه از این آبادی‌ها، کوچه دارد نه از این کوچه‌ها، خانه دارد نه از این خانه‌ها.

در مورد خداوند می‌گوییم: خداوند موجود است، علم دارد، قدرت دارد، حیات دارد ولی نه از این علم‌ها و نه مثل این قدرت‌ها و نه مانند این حیات‌ها و زندگانی‌ها.

نتیجه: تصور خداوند به معنای اینکه آن ذات متعالی را بتوانیم در ذهن خود به تصویر بکشیم یا با قوه‌ی واهمه آنرا تصور کنیم اشتباه است اما معرفت پیدا کردن به خدا از راه شناخت اجمالی صفات او ممکن است از این رو در قرآن کریم و روایات و ادعیه‌ای «۱» که از اهلبیت روایت شده خداوند را با صفاتش به ما معرفی کرده‌اند تا نسبت به او از طریق شناخت صفاتش معرفت پیدا کنیم.

معرفی کتاب

۱. اصول فلسفه و روش رئالیسم علامه طباطبائی

۲. اصول اعتقادات استاد محسن قرائتی

۳. مبانی خداشناسی استاد محمدی ری‌شهری

۴. التوحید شیخ صدوق

۵. الالهیات فی مدرسهٔ اهل‌البیت علیهم السلام استاد علی ربانی گلپایگانی

۶. توحید (سلسله جهانبینی) استاد مطهری

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۲۴

۳. از منظر قرآن و حدیث چگونه مؤمنین در ایمانشان با هم تفاوت دارند؟

۳. پرسش:

۳. از منظر قرآن و حدیث چگونه مؤمنین در ایمانشان با هم تفاوت دارند؟

در حقیقت این پرسش دو بخش دارد که هر بخش را به طور جداگانه پاسخ می‌دهیم:

بخش اول: درجات ایمان از منظر آیات قرآن چیست؟

پاسخ:

طبق آیات قرآن کریم ایمان افراد دارای درجات مختلفی می‌باشد و دارای شدت و ضعف است که در آیه‌ی ۶۳ سوره‌ی مبارکه‌ی آل‌عمران بطور واضح به این مطلب اشاره شده است.

درجات ایمان بر طبق آیات قرآن عبارتند از:

۱. اولین مرتبه‌ی ایمان همان «ایمان ضعیف» است چنانکه در آیه‌ی ۱۰۶ سوره‌ی یوسف بدان اشاره شده است. از این آیه نتیجه می گیریم که: «ایمان تنها این نیست که انسان اعتقاد به وجود خدا داشته باشد بلکه یک موحد خالص کسی است که غیر از خدا معبودی به هیچ صورت در دل و جان او نباشد و فقط بنده‌ی خدا باشد. «۱» پس اولین درجه‌ی ایمان، «ایمان مخلوط به شرک» است. «۲» که

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۲۵

از آن مرتبه ایمان با عنوان «اسلام» نیز تعبیر می‌شود «۱» یعنی همین که انسان تنها شهادتین را بر زبان جاری کند.

۲. اما دومین مرتبه‌ی ایمان که اواسط درجه‌ی ایمان است باورهای بدور از تردید و دودلی است همانطور که خداوند در آیه‌ی ۱۵ سوره‌ی حجرات به آن اشاره فرموده است و نشانه‌هایی را هم برای این مؤمنین ذکر می کند «آری نخستین نشانه‌ی ایمان عدم تردید و دودلی در مسیر اسلام است، نشانه‌ی دوم جهاد با اموال و بخشش است و نشانه‌ی سوم جهاد با انفس یعنی جان نثاری است.»

بدین ترتیب اسلام به سراغ روشن‌ترین نشانه‌های ایمان رفته است: ایستادگی و ثبات قدم، و عدم شک و تردید از یک سو و ایثار مال و جان از سوی دیگر؛ زیرا چگونه ممکن است ایمان در قلب راسخ نباشد در حالی که انسان از دادن مال و جان در راه محبوب مضایقه نکند. «۲» پس جمله «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ» مؤمن بودن را منحصر در کسانی می‌داند که به خدا و رسول او ایمان دارند سپس می‌فرماید: «ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا» یعنی پس از اینکه ایمان به خدا و رسولش آوردند دیگر در حقانیت آن‌چه ایمان آورده‌اند شک و تردید نکنند و در آخر می‌فرماید: «وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ» مؤمنین واقعی کوشش می کنند تا تکالیف مالی و بدنی اسلامی خود را انجام دهند. «۳»

۳. آخرین درجه‌ی ایمان باورهای بدون تردید و شک است که به همراه

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۲۶

کشف و شهود (یعنی دیدن بوسیله‌ی چشم دل) و محبت کامل به حضرت آفریدگار می‌باشد و شاهد این مطلب آیه‌ی ۵۴ سوره‌ی مائده می‌باشد که صفات این افراد را چنین شرح می‌دهد: «اول اینکه آنها به خدا عشق می‌ورزند و جز به خشنودی او نمی‌اندیشند هم خدا آنها را دوست دارد، هم آنها خدا را دوست دارند و در برابر مؤمنان خاضع و مهربان، و در برابر دشمنان و ستمکاران سرسخت و با قدرتند. و چهارم اینکه جهاد در راه خدا بطور مستمر از برنامه‌های آنهاست و آخر اینکه در راه فرمان خدا و دفاع از حق از ملامت و سرزنش هیچ ملامت کننده‌ای نمی‌هراسند.» «۱» از این مرتبه‌ی ایمان به درجه‌ی یقین نیز تعبیر می‌شود. «۲»

بخش دوم پرسش: درجات ایمان با توجه به روایات اهلبیت علیهم السلام

در روایتی از امام رضا علیه السلام نقل شده است: «الایمان فوق الاسلام بدرجهٔ و التقوی فوق الایمان بدرجهٔ و الیقین فوق التقوی بدرجهٔ و ما قُسِّم فی الناس شئٌ اقل من الیقین.» «۳» ترجمه: ایمان یک درجه بالاتر از اسلام است، و تقوا یک درجه بالاتر از ایمان است، و یقین یک درجه بالاتر از ایمان است و چیزی کمتر از یقین بین مردم تقسیم نشده است.

برای این که معنای این روایت به خوبی معلوم شود روایات دیگر که اسلام و ایمان را معنا کرده‌اند را در اینجا می‌آوریم:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۲۷

اسلام: ازپیامبر صلی الله علیه و آله نقل‌شده: «الایمان اقرارٌ وعملٌ والاسلام اقرار بلاعمل.» «۱» یعنی ایمان بیان شهادتین و عمل در راستای آن است ولی اسلام بیان شهادتین ولی بدون عمل می‌باشد.

در حقیقت اسلام یک امر ظاهری و حد و مرز قانونی یک مسلمان را بیان می کند. [که جان و مال و ... محفوظ باشد ...] ولی ایمان مساله‌ای مهم‌تر و مربوطِ به باور قلبی می‌باشد.

ایمان: و در روایتی دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد ایمان توضیح بیشتر می‌دهند:
الایمان معرفهٔ بالقلب و قول باللسان و عمل بالأرکان. «۲» یعنی: ایمان باور و معرفت قلبی می‌باشد و همین باور را باید بر زبان جاری کند، و با اعضا و جوارح خود در راستای ایمان و اعتقادات خود عمل کند.
در حقیقت آیاتی که در قسمت اول سوال مطرح شد مواردی را که انسان با ایمان باید به آن ایمان داشته باشد (خدا و رسول و ...) و مواردی که باید به آن عمل کند (جهاد با مال و جان) را بیان کرده بود. «۳»
تقوی: هر چه انسان بیشتر بر انجام تکالیف خود (انجام واجبات و انجام ندادن حرام‌ها) دقت کند و به هنگام گناه خود نگهداری کند ایمان او افزایش می‌یابد و به مقام تقوا می‌رسد.
یقین: بعد از تقوا نوبت به یقین می‌رسد.
پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۲۸
و در روایتی از حضرت علی علیه السلام می‌خوانیم: «۱» یقین بر چهار رکن پا برجاست:
۱. توکل (اعتماد بر خدا)؛ ۲. تفویض (واگذاری امور به خدا)؛ ۳. تسلیم فرمان‌های الهی شدن؛ ۴. رضا (بعد از صبر بر مشکلات، خشنودی نسبت به قضا و قدر الهی)
نتیجه: مقام اول انسان در دین از «اسلام» شروع می‌شود و بعد به ایمان می‌رسد و بعد به تقوا و بعد به یقین می‌رسد و در هر مرحله انسان وظایف و تکلیف‌هایی دارد. هر چه انسان به وظایفش [که در آیات و روایات آمده بود] بیشتر و بهتر عمل کند از درجات بیشتری از ایمان برخوردار می‌شود و این شدت و ضعف و کم و زیاد بودن ایمان در اصحاب پیامبر هم وجود داشته است از این رو در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده: «سلمان» در درجه‌ی «دهم» ایمان «ابوذر» در درجه‌ی «نهم» ایمان و «مقداد» در درجه‌ی «هشتم» ایمان بود. «۲»
منابع جهت مطالعه بیشتر:
۱. تفسیر نمونه؛ ذیل آیات فوق.
۲. تفسیر المیزان؛ ذیل آیات فوق.
پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۲۹

فصل دوم: جهان‌شناسی

اشاره

۱. آفرینش جهان و زمین چگونه بوده است؟
۲. غیر از دنیا چه جهان‌های دیگری وجود دارد؟
۳. مقصود از عالم ذر چیست؟
۴. با توجه به عالم ذر، آیا انجام تکالیف و بندگی ما لازم است؟
پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۳۱

۱. آفرینش جهان و زمین چگونه بوده است؟

۱. پرسش:

۱. آفرینش جهان و زمین چگونه بوده است؟

پاسخ:

چگونگی پیدایش جهان از اندیشه‌هایی بوده که همیشه فکر بشر را به خود مشغول کرده است.

قرآن کریم در آیات متعددی به تفکر در خلقت آسمان و زمین دعوت می‌کند و گاه در مورد پیدایش آسمان و زمین اشاراتی دارد.

دانشمندان کیهان‌شناس نیز در این مورد نظریاتی ابراز کرده‌اند و بعضی صاحب‌نظران خواسته‌اند با انطباق آیات قرآن با برخی از این نظریات علمی، «اعجاز علمی قرآن» را اثبات کنند که این مطالب قابل نقد و بررسی می‌باشد.

مفسران و صاحب‌نظران در این مورد به این آیات توجه کرده‌اند:

۱. «... سپس به آفرینش آسمان پرداخت در حالی که بصورت دود بود؛ به آن و به زمین دستور داد: «به وجود آیید (و شکل گیرید): ... آنها گفتند ما از روی طاعت می‌آییم (و شکل می‌گیریم).» «۱»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۳۲

۲. «آیا کافران ندیدند که آسمان‌ها و زمین به هم پیوسته بودند و ما آنها را از یکدیگر باز کردیم و هر چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم؟ آیا ایمان نمی‌آورند؟» «۱»

در مورد پیدایش جهان چند نظریه در بین کیهان‌شناسان جدید وجود دارد که یکی از این دیدگاه‌ها که از سوی اکثر اخترشناسان به عنوان بهترین نظریه موجود تلقی می‌شود نظریه «مهبانگ» (انفجار بزرگ) است که به دانشمند روسی «ژرژگاموف» نسبت داده شده است. خلاصه این دیدگاه آن است که حدود ۲۰ بیلیون سال پیش تمام ماده و انرژی موجود در جهان در نقطه‌ای بسیار کوچک و فشرده متمرکز بوده است. این نقطه کوچک و بی‌نهایت چگال و مرکب از ماده- انرژی منفجر شد و به فاصله چند ثانیه پس از انفجار این آتشگوی، ماده- انرژی با سرعتی نزدیک به سرعت نور در همه سو منتشر شد، پس از مدت کمی (احتمالًا چند ثانیه تا چند سال)، ماده و انرژی از هم تفکیک شدند و تمام اجزاء گوناگون جهان امروز، از دل این انفجار نخستین بیرون ریخته‌اند. «۲»

در تفسیر نمونه ذیل آیه اول، (فصلت/ ۱۱) اینطور آمده است:

جمله «هی دخان»: «آسمان‌ها در آغاز به صورت دود بود.» نشان می‌دهد که آغاز آفرینش آسمان‌ها از توده گازهای گسترده و عظیمی بوده است و این با آخرین تحقیقات علمی در مورد آغاز آفرینش کاملًا هماهنگ است. هم اکنون نیز بسیاری از ستارگان آسمان به صورت توده فشرده‌ای از گازها و دخان هستند.

همچنین تفسیر نمونه در ذیل آیه دوم (انبیاء/ ۳۰) سه تفسیر در مورد «رتق»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۳۳

و «فتق» (پیوستگی و جدائی) آورده است که ما یکی از آنها را نقل می‌کنیم:

به هم پیوستگی آسمان و زمین اشاره به آغاز خلقت است، که طبق نظرات دانشمندان، مجموعه این جهان به صورت توده واحد عظیمی از بخار سوزان بود که بر اثر انفجارات درونی و حرکت، تدریجاً تجزیه شد و کواکب و ستاره‌ها از جمله منظومه شمسی و کره زمین بوجود آمد و باز هم جهان در حال گسترش است. «۱»

۳. «او کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز (شش دوران) آفرید و عرش (قدرت) او بر آب قرار داشت.»» کلمه «ماء» معنای معمولی آن «آب» است اما گاهی به هر شیء مایع «ماء» گفته می‌شود، مانند فلزات مذاب و امثال آن.

از آنچه در تفسیر کلمه «ماء» آمد چنین استفاده می‌شود که در آغاز آفرینش جهان هستی به صورت مواد مذابی بود (یا گازهای فوق‌العاده فشرده که شکل مواد مذاب و مایع را داشت) سپس در این توده‌ی آبگونه حرکات شدید و انفجارات عظیمی رخ داد و

قسمت‌هایی از سطح آن پی در پی به خارج پرتاب شد. این اتصال و به هم پیوستگی به جدائی گرائید و کواکب و سیارات و منظومه‌ها یکی بعد از دیگری تشکیل یافتند. «۳»

۴. «وَالأَرْضَ بَعْدَ ذلِکَ دَحَاهَا» «۴»

زمین را بعد از آن گسترش داد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۳۴

«دحا» از مادهٔ دَحو (بر وزن محو) به معنای گستردن است. بعضی نیز آن را به معنای تکان دادن چیزی از محل اصلیش تفسیر کرده‌اند و چون این دو معنا لازم و ملزوم یکدیگرند به یک ریشه باز می‌گردد.

به هر حال منظور از «دحو الارض» این است که در آغاز، تمام سطح زمین را آب‌های حاصل از باران‌های سیلابی نخستین فراگرفته بود این آب‌ها به تدریج در گودال‌های زمین جای گرفتند و خشکی‌ها از زیر آب سربرآوردند و روز به روز گسترده‌تر شدند تا به وضع فعلی درآمد (و این مسأله بعد از آفرینش زمین و آسمان روی داد). «۱»

۵. «وَهُوَ الَّذِی مَدَّ الأَرْضَ» «۲»

او کسی است که زمین را گسترش داد.

و در ذیل این آیه آمده است: شاید «مد الارض» اشاره به همان مطلبی باشد که دانشمندان زمین‌شناسی می‌گویند که تمام زمین در آغاز زیر آب پوشیده بود سپس آب‌ها در گودال‌ها قرار گرفت و خشکی‌ها به تدریج از آب سر برآوردند و روز به روز گسترده شدند تا به صورت کنونی درآمدند.

۶. «وَالأَرْضَ مَدَدْنَاهَا» «۳»

و زمین را گستراندیم.

«مدد» در اصل به معنای گسترده ساختن و بسط دادن است و به احتمال قوی در اینجا اشاره به سربرآوردن خشکی‌های زمین از زیر آب است. زیرا می‌دانیم در آغاز سطح کرهٔ زمین بر اثر باران‌های سیلابی زیر آب پنهان بود و سالیان درازی بر این منوال گذشت، باران‌های سیلابی فرو نشستند، آب‌ها در گودال‌های زمین

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۳۵

جای گرفتند و خشکی‌ها به مرور زمان از زیر آب نمایان گشتند این همان چیزی است که در روایات اسلامی به عنوان «دحو الارض» معروف شده است. «۱»

بررسی و نتیجه‌گیری:

معلوم است که هر کدام از این آیات ممکن است به مرحله‌ای از تحولات و شکل‌گیری آغاز خلقت جهان اشاره داشته باشد. ظاهر آیات قرآن در مورد آغاز خلقت که از «دخان» شروع شده است، با نظریه مشهور خلقت جهان یعنی نظریه مهبانگ تا حدود زیادی همخوانی دارد و در نقاطی با هم مشترک است. یعنی از ظاهر قرآن و علم بر می‌آید که جهان در ابتدا از گازهای داغ تشکیل شده است. اما آیات قرآن در مورد عناصر دیگر نظریه مهبانگ (مثل انفجار اولیه) مطلب صریحی ندارد. با توجه به «تعدد نظریه‌ها در مورد آغاز خلقت» و «عدم اثبات قطعی آنها» در حال حاضر نمی‌توان هیچکدام را به صورت قطعی به قرآن نسبت داد بلی اگر بگوئیم احتمال دارد که مقصود از دخان همان مراحل گاز بودن جهان باشد و ... اشکالی ندارد.

اگر روزی نظریه مهبانگ به صورت قطعی اثبات شود این مطلب «اعجاز علمی قرآن» را اثبات می‌کند چرا که نوعی رازگوئی علمی قرآن کریم است. اما این مطلب به صورت کنونی آن، بیش از یک هماهنگی شگفت‌انگیز ظاهر قرآن و علم نیست. «۲»

اما در مورد آیات دیگر (آیات دوم تا ششم) قرآن صریحاً به پوشیده بودن

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۳۶

سطح زمین از آب اشاره نکرده است و همانطور که گذشت مفسران با کلمه‌ی احتمال نظرات دانشمندان را با آیات قرآن تطبیق داده‌اند نه به صورت قطعی و حتمی.

معرفی کتاب:

۱. تفسیر نمونه ذیل آیات ذکر شده و همچنین ذیل آیات ۹ الی ۱۲ سوره‌ی فصلت و ذیل آیه‌ی ۵۴ سوره‌ی اعراف.

۲. کتاب پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضائی‌اصفهانی، ج ۱.

۳. کتاب قرآن و طبیعت، گذشته و آینده جهان، دکتر عبدالکریم بی‌آزار شیرازی.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۳۷

۲. غیر از دنیا چه جهان‌های دیگری وجود دارد؟

۲. پرسش:

۲. غیر از دنیا چه جهان‌های دیگری وجود دارد؟

پاسخ:

از زاویه‌های مختلف جهان‌های متفاوتی تصور می‌شود «۱» و ما با توجه به آیات قرآن کریم و روایات اهلبیت علیهم السلام سه تقسیم بندی ارائه می‌کنیم که قلمرو هر کدام از همدیگر جداست:

اول: عالم ذر- عالم دنیا- عالم برزخ- عالم آخرت:

۱. عالم ذر:

جهانی که پیش از دنیا بوده و خدا از بندگان خود بر توحید اعتراف گرفت که در پاسخ پرسش بعدی مطالب بیشتری در این مورد بیان می‌شود.

۲. عالم دنیا:

عالمی است که بعد از عالم ذر قرار دارد و محلی برای آزمایش انسان است؛ به طوری که موفقیت در این آزمایش‌ها توشه‌ای برای آخرت او به حساب می‌آید. به عبارت دیگر «دنیا مزرعه‌ی آخرت است» و محلی برای کاشتن و مراقبت کردن است تا در آخرت محصول آن برداشت شود.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۳۸

۳. عالم قیامت:

قیامت- یوم الحسرت- یوم الدین- یوم الحساب و ساعهٔ و ... اسامی «۱» متعددی هستند که خداوند در قرآن از آن نام برده و منظور همه‌ی این اسامی، همان عالم قیامت می‌باشد.

در قرآن آمده در آستانه‌ی آن روز خورشید تاریک می‌شود، ستارگان رو به خاموشی می‌روند کوه‌ها همچون پنبه زده می‌شوند «۲» و ... سپس در صور اسرافیل دمیده می‌شود و همگی می‌میرند و با دمیدن دوباره‌ی حضرت اسرافیل، همگی زنده می‌شوند و در صحنه قیامت حاضر می‌شوند. آری در این روز است که هر کس می‌داند چه چیزی برای خود آماده کرده است. «۳» و در این روز است که انسان تک تک اعمال خود را مشاهده می‌کند و می‌بینند که هیچ عمل کوچک و بزرگی از قلم نیفتاده و همگی در پرونده‌ی اعمال او ثبت شده است. «۴»

۴. عالم برزخ:

توضیح: واژه برزخ به معنای چیزی است که ما بین دو چیز دیگر واقع می‌شود. (حائل بین دو شئ)

از این رو به عالمی که بین عالم دنیا و قیامت واقع شده است عالم برزخ می گویند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۳۹

عالم برزخ از دیدگاه قرآن

برخی از آیاتی که به وجود عالم برزخ اشاره دارند عبارتند از:

۱. «و به کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند، مردگان نگویید؛ بلکه [آنان زندگانند، ولیکن (شما با درک حسی) متوّجه نمی‌شوید.» «۱»

۲. « (ای پیامبر) هرگز مپندار کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند، بلکه [آنان زنده‌اند، [و] در پیشگاه پروردگارشان روزی داده می‌شوند!» «۲»

۳. «باشد که من در آنچه ترک کرده‌ام، [کار] شایسته‌ای انجام دهم.» (در پاسخ او گفته می‌شود:) هرگز چنین نیست! این سخنی است که او (فقط) گوینده آن است؛ و فرا روی آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته می‌شوند.» «۳»

۴. «عذاب آنها (: آل فرعون) آتش است که هر صبح و شام بر آن عرضه می‌شوند: و روزی که قیامت بر پا شود (می‌فرمایند) «آل فرعون را در سخت‌ترین عذاب‌ها وارد کنید.» «۴»

عالم برزخ از دیدگاه روایات

از نظر روایات در کتب معروف شیعه و اهل تسنن روایات فراوانی است که با تعبیرات مختلف از جهان برزخ و خلاصه جهانی که میان این عالم و عالم آخرت قرار دارد سخن می گوید:

۱. در حدیث معروفی می‌خوانیم که علی علیه السلام هنگام مراجعت از جنگ صفین

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۴۰

وقتی که نزدیک کوفه کنار قبرستانی که بیرون از دروازه قرار داشت رسید، رو به سوی قبرها کرد و فرمود: «۱»

«ای ساکنان خانه‌های وحشتناك و مکان‌های خالی و قبرهای تاریك! ای خاك نشینان! ای غریبان! ای تنهایان! ای وحشت زدگان! شما در این راه بر ما پیشی گرفتید و ما نیز به شما ملحق خواهیم شد، اگر از اخبار دنیا بپرسید به شما می گویم خانه‌هایتان را دیگران ساکن شدند. همسرانتان به نکاح دیگران درآمدند، و اموالتان تقسیم شد. اینها خبرهایی است که نزد ما است نزد شما چه خبر؟!

سپس رو به یارانش کرد و فرمود: «اگر به آنها اجازه سخن گفتن داده شود حتماً به شما خبر می‌دهند که بهترین زاد و توشه برای این سفر پرهیزگاری است.»

دوم: عالم انسان‌ها- عالم جن‌ها- عالم فرشتگان:

۱. عالم انسان‌ها:

وجود انسان «۲» مجموعه‌ای است از «روح» و «جسم» و دارای دو بعد: «مادی و معنوی» می‌باشد که اگر این انسان تحت تربیت رهبران الهی قرار گیرد در

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۴۱

سیر صعودی از فرشتگان برتر می گردد. و از ملك پران شود و آنچه در وهم ناید آن شود.

و اگر شاگردی رهبران الهی را نپذیرد و چون گیاهی خود رو رشد کند و شهوات خود را آزاد بگذارد و در میان هوس‌ها غوطه‌ور شود، در سیر نزولی از حیوانات هم پست‌تر می‌شود.

و با اختیار و اراده‌ی خود یکی از این دو راه را انتخاب می کند. «۱»

به هر حال جهان انسان‌ها با وجود زندگی فردی و اجتماعی و خانوادگی یکی از جهان‌های پیچیده هستی است.

۲. عالم جن‌ها:

«جن» به معنای موجودی است که از حس انسان پوشیده است. بعضی از دانشمندان از آن‌ها تعبیر به نوعی از «ارواح عاقله» می‌کنند که مجرد از ماده می‌باشد (البته تجرد کامل ندارد زیرا چیزی که از ماده آفریده شده، مادی است ولی نیمه تجردی دارد چرا که با حواس ما درک نمی‌شود، و به تعبیر دیگر یک نوع جسم لطیف است.) «۲»

برای جن ویژگی‌هایی در قرآن کریم «۳» ذکر شده که برخی از آن‌ها را می‌آوریم:

۱. موجودی است که از شعله آتش آفریده شده است. (الرحمن/ ۱۵)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۴۲

۲. دارای علم و ادراک و تشخیص حق از باطل می‌باشد. (آیات مختلف سوره‌ی جن)

۳. دارای تکلیف و مسئولیت است. (آیات سوره‌ی جن و الرحمن)

۴. گروهی از آن‌ها مومن و صالح و گروهی سرکش و کافرند. (جن/ ۱۱)

۵. دارای حشر و نشر و معادند. (جن/ ۱۵)

۶. برخی از آن‌ها دارای قدرت زیادی هستند. (نمل/ ۳۹)

۷. آنها قدرت انجام برخی کارهای مورد نیاز انسان‌ها را دارند. (سباء/ ۱۲- ۱۳)

۸. خلقت آن‌ها روی زمین قبل از خلقت انسان‌ها بوده است. (حجر/ ۲۷)

یادآوری: از آیات قرآن بدست می‌آید بر خلاف آنچه بین مردم مشهور است که جنیان را «از ما بهتران» می‌نامند، انسان نوعی است بهتر از جن، به دلیل اینکه تمام پیامبران الهی از انسان‌ها برگزیده شدند و آن‌ها به پیامبر اسلام که از نوع بشر بود ایمان آوردند؛ و از طرفی سجده‌ی شیطان «۱» بر آدم واجب شد، در حالی که شیطان از جن بود و این دلیل فضیلت نوع انسان بر جن می‌باشد. «۲»

۳. عالم فرشتگان:

آیات فراوانی از قرآن کریم درباره‌ی صفات، ویژگی‌ها، وظایف و مأموریت‌های ملائکه سخن می‌گوید و حتی قرآن، ایمان به ملائکه را در ردیف ایمان به خدا و انبیاء و کتب آسمانی قرار داده است. (بقره/ ۲۸۵) و این دلیل بر اهمیت این موضوع است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۴۳

اینک برخی از ویژگی‌های ملائکه که در قرآن آمده را بر می‌شماریم: «۱»

۱. فرشتگان موجودات عاقل و باشعورند و بندگان گرامی خدا هستند. (انبیاء/ ۲۶)

۲. آنها سر بر فرمان خدا دارند و معصیت نمی‌کنند. (انبیاء/ ۲۷)

۳. آنها وظایف مهم و متنوعی از سوی خدا بر عهده دارند از جمله:

گروهی حاملان عرشند. (حاقه/ ۱۷)

برخی مدبرات امرند. (نازعات/ ۵)

گروهی فرشتگان قبض ارواحند. (اعراف/ ۳۷)

بعضی مراقبان اعمال بشرند. (انفطار/ ۱۰- ۱۳)

عده‌ای حافظان انسان از خطرات و حوادث می‌باشند. (انعام/ ۶۱)

گروهی مأمور عذاب و مجازات اقوام سرکشند. (هود/ ۷۷)

گروهی امدادگران الهی نسبت به مؤمنان می‌باشند. (احزاب/ ۹)

و بالاخره گروهی مبلغان وحی و آورندگان کتب آسمانی برای انبیاء می‌باشند. (نحل/ ۲)

۴. آنها دارای مقامات مختلف و مراتب متفاوت و همیشه در حال تسبیح و تقدیس خداوند هستند. (صافات/ ۱۶۴- ۱۶۶ و شوری/ ۵)

۵. با این حال انسان براساس استعداد تکاملی که دارد از آن‌ها برتر است تا آنجا که همه‌ی فرشتگان به خاطر آفرینش آدم به سجده افتادند و آدم معلم آنها گشت. (بقره/ ۳۰- ۳۴)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۴۴

پرسش: با این ویژگی‌هایی که برای فرشتگان ذکر شد آنها موجوداتی مجرد یا مادی‌اند؟

با این اوصاف، نمی‌توانند از این ماده‌ی کثیف عنصری باشند ولی مانعی ندارد که از اجسام لطیفی آفریده شده باشند، اجسامی مافوق این ماده معمولی که ما با آنها آشنا هستیم.

اثبات «تجرد مطلق» برای فرشتگان حتی از زمان و مکان و اجزاء، کار آسانی نیست، و تحقیق در این موضوع نیز فایده‌ی زیادی در بر ندارد. مهم آن است که ما فرشتگان را به اوصافی که قرآن و روایات مسلم اسلامی توصیف کرده بشناسیم و آنها را صنف عظیمی از موجودات والا و برجسته‌ی خداوند بدانیم بی‌آنکه مقامی جز مقام بندگی و عبودیت برای آنها قائل باشیم. آنها را شریک خداوند در خلقت یا عبادت بدانیم که این شرک و کفر محض است. «۱»

سوم: عالم امر- عالم خلق:

برخی نیز با توجه به آیات قرآن از یک زاویه، عوالم را به بخش «عالم خلق» و «عالم امر» تقسیم می‌کنند: «۲» که با تعبیرات عالم ماده و عالم ماوراء ماده یا با تعبیر عالم مُلک و ملکوت از آن یاد می‌کنند.

در برخی آیات به عالم ملکوت اشاره شده «۳» و آمده که ملکوت به حضرت ابراهیم علیه السلام نشان داده شد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۴۵

البته‌ی ملکوت معمولًا به معنای حکومت و مالکیت الهی و جهان فرمانروایی است. در مقابل عالم مُلک، که عالَم مادیات و فرمانبران است عالمی که از عالم ملکوت بر آنها فرمان صادر می‌شود. «۱»

خلاصه:

دانشمندان علوم مختلف از دیدگاه خاص خود عوالمی را تصور می‌کنند: و ما با توجه به آیات قرآن کریم و روایات اهلبیت در این باره سه تقسیم‌بندی انجام دادیم:

اول: عالم ذر، عالم دنیا، عالم برزخ، عالم آخرت.

دوم: عالم انسان‌ها، عالم جن‌ها، عالم فرشتگان.

سوم: عالم امر، عالم خلق.

منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. تفسیر نمونه ذیل آیات فوق.

۲. تفسیر المیزان ذیل آیات فوق.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۴۶

۳. مقصود از عالم ذر چیست؟

۳. پرسش

۳. مقصود از عالم ذر چیست؟

پاسخ:

آیاتی از قرآن کریم به پیمانی که خداوند از انسان‌ها گرفته، اشاره کرده است، اما مهم‌ترین این آیات که مفسران نیز به تبیین و توضیح این پیمان پرداخته‌اند آیات ۱۷۲- ۱۷۴ سوره‌ی اعراف می‌باشد.

مهم‌ترین پرسش که در اینجا مطرح است این است که این «ظهور» و «بروز» کی واقع شده؟ وبه چه‌صورت انجام گرفته است؟ وخلاصه منظور از «عالم ذر» چیست؟

در پاسخ به این سؤال و شرح عالم ذر و تفسیر آیه فوق حداقل شش قول وجود دارد که هر کدام را جمعی یا بعضی از دانشمندان اسلامی پذیرفته‌اند:

۱. نظر محدثین و اهل ظاهر، که گفته‌اند: همانگونه که در بعضی از احادیث آمده فرزندان آدم تا پایان دنیا، به صورت ذرات کوچکی از پشت آدم خارج شدند، و فضا را پر کردند- در حالی که دارای عقل و شعور و قادر بر تکلم و سخن گفتن بودند- خداوند آنها را مخاطب قرار داد، و از آنها سؤال کرد: آیا من پروردگار شما نیستم؟ (اَلَسْتُ بِرَبِّکُمْ؟) و همگی در پاسخ گفتند: آری (بَلی) و به این ترتیب پیمان نخستین بر توحید گرفته شد، و خود انسان‌ها شاهد خویشتن بودند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۴۷

۲. منظور از عالم ذر، و تفسیر آیه فوق این است که ذرات نخستین وجود انسان، یعنی نطفه، از پشت پدران به رحم مادران انتقال یافت، و به تدریج در عالم جنین به صورت انسان کاملی درآمد، و در همان حال خداوند قوا و استعدادهائی به او داد که بتواند حقیقت توحید و آئین حق را درک کند، و این فطرت توحیدی را در وجود او عجین ساخت.

این تفسیر را گروهی از مفسران مانند صاحب «المنار» و «فی ظلال القرآن» انتخاب کرده‌اند و از بسیاری از مفسران دیگر نقل کرده‌اند.

۳. منظور از «عالم ذر» همان «عالم ارواح» است، یعنی در آغاز، خداوند ارواح انسان‌ها را قبل از اجسادشان آفرید و مخاطب ساخت و از آنها بر توحید خویش اقرار گرفت.

این تفسیر را از بعضی از روایات استفاده کرده‌اند.

۴. این پرسش و پاسخ در میان گروهی از انسان‌ها و خداوند به وسیله پیامبران، به زبان قال واقع شده؛ زیرا گروهی از انسان‌ها بعد از تولد و کمال عقل، دلایل توحید و یکتاپرستی را به وسیله انبیا شنیدند، و به آن پاسخ مثبت دادند و «بَلی گفتند.

این تفسیر را مرحوم «سید مرتضی» به عنوان احتمال دیگری در توضیح آیه فوق ذکر کرده است، «ابوالفتوح رازی» نیز این تفسیر را به عنوان یک احتمال در تفسیر خود آورده است.

۵. این سؤال و جواب، با همه‌ی انسان‌ها، با زبان حال، صورت گرفته، آن هم بعد از بلوغ و کمال عقل؛ زیرا هر انسانی بعد از رسیدن به کمال عقل و ملاحظه‌ی

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۴۸

آیات صنع پروردگار در آفاق و انفس، به یکتائی او با زبان حال اعتراف می کند.

گوئی خداوند با ارائه این آیات، از آنها سؤال می کند: «اَلَسْتُ بِرَبِّکُمْ»؟ (آیا من پروردگار شما نیستم؟) و آنها با زبان حال می گویند: «بَلی و گفتگو با زبان قال، شواهد و نظائر فراوان دارد.

این تفسیر را مرحوم «شیخ طوسی» در «تبیان» از «بلخی و رُقانی» نقل می کند.

۶. مرحوم علامه طباطبائی قدس سره در «المیزان» می‌فرماید: آنچه از آیات مختلف قرآن استفاده می‌شود این است که وجود اشیاء

این عالم، دارای دو جنبه یا دو صورت است: صورتی به سوی دنیا دارد و حکمش این است که تدریجاً از «قوّه» به «فعل» و از «عدم» به سوی «وجود» می‌آید، در آغاز ناقص است سپس کامل می‌شود، و سرانجام فانی شده، به سوی پروردگار باز می‌گردد؛

و صورتی به سوی خدا دارد و اشیاء جهان از نظر این بعد الهی، اموری هستند غیر تدریجی، و فعلیت محض، بی‌آنکه دارای قوه یا نقصی باشند و منتظر فعلیت.

و به تعبیر دیگر: موجودات، دارای دو نوع وجودند، یک وجود جمعی در نزد خدا که در قرآن به عنوان ملکوت از آن یاد شده، و دیگر موجودات پراکنده که با گذشت زمان تدریجاً ظاهر می‌شوند.

به این ترتیب عالم انسانیت دنیوی مسبوق به عالم انسانیت دیگری است که در آنجا هیچ موجودی محجوب از پروردگار نیست، و با شهود باطنی او را مشاهده کرده و به وحدانیت او اعتراف می‌کند.

این بود مجموعه نظرهایی که ذیل آیه مورد بحث مطرح است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۴۹

که البته برخی از آنها با هم منافاتی ندارد و قابل جمع هستند و ممکن است به برخی از آنها نیز اشکالاتی وارد باشد.

ولی اعتقاد بیشتر محققان از جمله آیهٔاللّه مکارم شیرازی بر این است که این سوال و جواب به زبان حال بوده، نه به زبان قال. از این رو تفسیر پنجم نسبت به بقیه قوت بیشتری دارد. «۱»

منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. تفسیر موضوعی پیام قرآن، جلد سوم.

۲. تفاسیر نمونه، المیزان و ... ذیل آیات ۱۷۲- ۱۷۴/ اعراف.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۵۰

۴. با توجه به عالم ذر، آیا انجام تکلیف و بندگی ما لازم است؟

۴. پرسش:

۴. با توجه به عالم ذر، آیا انجام تکلیف و بندگی ما لازم است؟ آیا این تفکر صحیح است که بگوییم چون در عالم ذر خداوند در مورد انسان‌ها به نتیجه رسیده و دنیا را فقط به این دلیل آفریده که ما بفهمیم، (مانند معلم و دانش‌آموز و امتحانات آخرترم) پس آیا این درست است که بگوییم ما اینها را قبول داریم پس دیگر نیازی به این بندگی‌ها در دنیا نیست؟

پاسخ:

برای پاسخ به این پرسش، اول باید دید «هدف خلقت انسان» چه بوده و این که اصلًا چرا خدا انسان‌ها را خلق کرد؟

و بعد با توجه به «هدف خلقت»، ببینیم آیا اعتقاد به عالم ذر کافی است یا خیر؟

نگاهی گذرا به هدف خلقت در قرآن

برخی آیات، هدف آفرینش را «آزمایش و امتحان» «۱» انسان‌ها معرفی کرده‌اند.

بعضی آیات، هدف آفرینش را پیدا کردن «علم و آگاهی» «۲» از قدرت خدا می‌دانند.

و آیاتی نیز هدف آفرینش را «عبودیت و بندگی» «۳» معرفی کرده‌اند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۵۱

برخی آیات، هدف آفرینش را رسیدن به «رحمت الهی» «۱» عنوان کرده‌اند.

با دقت در هدف‌هایی که قرآن و روایات برای آفرینش بیان کرده‌اند درمی‌یابیم که شاید به ظاهر، این هدف‌ها با هم مختلف باشند

ولی در واقع هر کدام مقدمه‌ای برای دیگری است، یعنی «علم و دانش» و «امتحان و آزمایش» هدف‌هایی هستند که در مسیر «عبودیت» قرار می‌گیرند و «رحمت واسعه» خداوند نتیجه‌ی این عبودیت است که به «قرب الهی» منتهی می‌شود.

حال با توجه به این مقدمه، به پاسخ می‌پردازیم:

پیمان ما با خداوند در عالم ذر

طبق آیه ۱۷۲ سوره‌ی اعراف به این صورت است که ما در عالم ذر به پرسش خداوند که فرمود: «اَلَسْتُ بِرَبُّکُمْ» (آیا من پروردگار شما نیستم) پاسخ دادیم «بَلی . یعنی قبول داریم که تو پروردگار و آفریننده‌ی ما هستی (سرچشمه‌ی هستی تویی).

اما سخن در اینجاست که فقط «گفتن» و جواب مثبت دادن، «ملاک» نیست، بلکه خداوند به انسان فرصتی داده و او را در میدان انواع آزمایشات و امتحانات قرار داده تا معلوم شود که او در پایبندی به توحید چقدر استقامت دارد.

و جوابی که در عالم ذر به خداوند داده است این «معلوم شدن»، برای ما انسان‌هاست و اما برای خدا به این معنا نیست که خداوند نمی‌داند، بلکه خداوند در مورد انسان‌ها و همه موجودات همه چیز را می‌داند و این موضوع به بحث علم در مرحله ذات و یا همان علم ذاتی خداوند مربوط می‌شود و چون خداوند

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۵۲

عالم به کل مخلوقات و احوال مخلوقات از ازل تا ابد است می‌توان پذیرفت که خداوند می‌داند چه تعداد از انسان‌ها بهشتی، و چه تعداد جهنمی هستند.

بعلاوه و مهم‌تر از همه این که، اگر خداوند براساس علم خودش، بهشتیان را به بهشت و جهنمیان را به جهنم ببرد و اصلًا در این دنیا نیاورد و فرصت انجام عمل خوب و یا بد را به آنها ندهد، خلاف حکمت خود و هدف خلقت انسان عمل کرده است و ممکن است جهنمیان به خداوند شکوه کنند که: «چرا به ما فرصت انجام عمل ندادی؟ چه بسا عمل خوب انجام می‌دادیم و بهشتی می‌شدیم» که این شکوه و خواسته آنان هم حق است.

اما بعد از مقدمات فوق جواب اصلی پرسش را این طور بیان می‌کنیم که درست است که در نزد علم ذاتی پروردگار مقصد انسان‌ها و بلکه تمام موجودات مشخص شده است اما این یک بُعد قضیه است و بُعد دیگر آن اعمال و رفتار ما انسان‌هاست که می‌تواند بهشت و یا دوزخ را برای ما رقم بزند، این دو بُعد، در به مقصد رسیدن انسان، همراه هم هستند.

و همان طور که از آیه استفاده می‌شود این دنیا همان جایی است که خداوند به ما فرصت عمل و بندگی داده تا انسان‌ها به پرسش خداوند در عالم ذر البته در «غالب عمل» که بسیار مهم‌تر و فراتر از «گفتن» و اعتقاد پیدا کردن است جواب مثبت دهیم. و لباس «عمل» به قامت «قول» خود بپوشانیم.

به عبارت دیگر این «عمل و بندگی» در کنار «اعتقاد صحیح» است که انسان را بهشتی و یا جهنمی می‌کند، و این دنیا محل عمل است تا این که هر انسانی با عمل خود به سرمنزل مقصود برسد و نهایتاً به کمال قُرب الهی رهنمون گردد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۵۳

اگر فقط صرفِ اعتقاد پیدا کردن و آن هم در عالم ذر باشد که انسان در آنجا هیچ راه کمال نپیموده و تلاشی برای رسیدن به خدا نکرده است و انتظار این که به بهشت برود، خیالی بیش نیست. چنین شخصی به مانند کسی است که به واجب بودن نماز اعتقاد دارد و می‌داند که در سایه نماز بقیه‌ی اعمال و واجبات هم مقبول درگاه خداوند واقع می‌شود، اما این شخص نماز نمی‌خواند و از به‌جا آوردن آن روی گردان است چنین شخصی هیچ گاه نباید آرزوی بهشت را بکند.

چرا که بهشت را به «بهاء» دهند نه به «بهانه»! و بهاء همان عمل صالح و نیکوست.

منابع جهت مطالعه بیشتر:

همان منابع ذیل پرسش قبل.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۵۵

فصل سوم: انسان‌شناسی

اشاره

۱. آفرینش آدم و حوا چگونه و از چه چیزی بوده است؟

۲. هدف آفرینش انسان چیست؟

۳. اختلاف طبقاتی انسان‌ها چرا؟

۴. تفاوت بین بندگان چرا؟

۵. بلاها، لطف یا کیفر الهی؟

۶. آیا اعمال پدر و مادر در نسل‌های بعد اثر دارد و این تاثیر با عدالت سازگار است؟

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۵۷

۱. آفرینش آدم و حوا چگونه و از چه چیزی بوده است؟

۱. پرسش:

۱. آفرینش آدم و حوا چگونه و از چه چیزی بوده است؟

پاسخ:

بر اساس آیات متعدد قرآن کریم، آدم و حوا، که والدین ما محسوب می‌شوند از خاک و آب و یا، به عبارت بهتر از گِل، خلق شدند.

در برخی آیات می‌خوانیم: «فَإِنَّا خَلَقْنَاکُم مِن تُرَابٍ» «۱» در برخی دیگر آمده: «وَهُوَ الَّذِی خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَراً» «۲» و در برخی دیگر «هُوَ الَّذِی خَلَقَکُم مِن طِینٍ» «۳» آفرینش حضرت آدم و حوا از آب و خاک و یا همان گل صورت گرفته و اگر می‌بینیم که در قرآن، این معنا در مورد همه‌ی انسان‌ها بکار رفته، ممکن است به خاطر موارد زیر باشد:

الف: ممکن است منظور از آب چنین باشد:

۱. نطفه که به صورت مایع موجود است؛

۲. همان آبی که با خاک مخلوط می‌شود؛

۳. یا به خاطر اینکه بیشتر حجم بدن ما از آب تشکیل می‌شود. گفته‌اند که از آب خلق شده‌ایم. «۴»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۵۸

در ذیل آیه‌ی ۴۵ از سوره‌ی نور آمده است اولین موجودی که خلق شد، آب بود و سایر موجودات از آب آفریده شدند. «۱»

ب: ممکن است منظور از خاک چنین باشد:

۱. در آیات، به منشأ دور آفرینش اشاره شده نه منشأ نزدیک آن، یعنی مبدأ تمام غذاهایی که می‌خوریم از زمین است و زمین نیز خاک است. آنچه می‌خوریم تبدیل به نطفه می‌شود و در خلقت بکار می‌رود.

۲. یا اینکه آدم علیه السلام از خاک آفریده شد و ما فرزندان اوئیم پس منشأ ما نیز خاک است. «۲»

و جالب این است که صاحبنظران گفته‌اند: تمام عناصر موجود در بدن انسان (آهن، کلسیم و ...) در خاک نیز موجود است.

معرفی کتاب:

برای مطالعه کتب زیر معرفی می‌شود:

۱. جلد اول معارف قرآن آیت‌اللّٰه مصباح یزدی، فصل انسان‌شناسی؛

۲. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن دکتر محمدعلی رضائی‌اصفهانی؛

۳. تفاسیر قرآن مانند تفسیر نمونه: ذیل آیات اشاره شده به خلقت آدم.

۲. هدف آفرینش انسان چیست؟

۲. پرسش:

۲. هدف آفرینش انسان چیست؟

پاسخ:

پاسخ این پرسش از سه دیدگاه «آیات»، «روایات» و «عقل» قابل بررسی است:

الف: آیات: قرآن با تعابیر گوناگون «هدف از خلقت» را چنین بیان می‌کند:

۱. بعضی از آیات، هدف آفرینش جهان هستی را «آزمایش و امتحان» انسان‌ها معرفی می‌کند «۱» مانند:

«الَّذِی خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَیَاةَ لِیَبْلُوَکُمْ أَیُّکُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» «۲» «آن که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک از شما بهتر عمل می‌کنید.»

۲. برخی آیات هدف آفرینش جهان هستی را پیدا کردن «علم و آگاهی» از قدرت خدا می‌داند (و به عبارت دیگر، «معرفت و شناخت» به اینکه خداوند بر هر چیزی تواناست و علم و آگاهی او به همه چیز احاطه دارد.) مانند:

«اللَّهُ الَّذِی خَلَقَ سَبْعَ سَماوَاتٍ وَمِنَ الأَرْضِ مِثْلَهُنَّ یَتَنَزَّلُ الأَمْرُ

بَیْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَی کُلِّ شَیءٍ قَدِیرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِکُلِّ شَیءٍ عِلْمَاً» «۱» «خداوند همان کسی است که هفت آسمان را آفرید، و از زمین نیز همانند آنها را؛ فرمان او در میان آنها پیوسته فرود می‌آید تا بدانید که خداوند بر هر چیز تواناست و اینکه علم او به همه چیز احاطه دارد.»

۳. بعضی دیگر از آیات، «رحمت الهی» را هدف آفرینش معرفی می‌کند، مانند:

«وَلَوْ شَاءَ رَبُّکَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا یَزَالُونَ مُخْتَلِفِینَ إِلَّا مَن رَحِمَ رَبُّکَ وَلِذلِکَ خَلَقَهُمْ» «۲» «و اگر پروردگارت می‌خواست، همه‌ی مردم را یک امّت (بدون هیچ گونه اختلاف) قرار می‌داد؛ ولی آنها همواره مختلفند؛ مگر کسی را که پروردگارت رحم کند؛ و برای همین (پذیرش رحمت)، آنها را آفرید.»

۴. برخی آیات هدف آفرینش جن و انسان را «عبادت» معرفی می‌کند مانند:

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالإِنسَ إِلَّا لِیَعْبُدُونِ» «۳» «من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند)»

ب: احادیث: در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم که امام حسین علیه السلام در

برابر اصحابش چنین فرمود: خداوند بزرگ بندگان را نیافریده مگر به خاطر اینکه او را بشناسند، هنگامی که او را بشناسند [بندگی او و] عبادتش کنند و هنگامی که [عبادت و] بندگی او کردند از بندگی غیر او بی‌نیاز می‌شوند.

روایات دیگری نیز از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که در آنها هدف خلقت را بیان می‌کنند. «۱»

خلاصه و نتیجه‌گیری:

با توجه و دقت در هدف‌هایی که قرآن و روایات برای آفرینش بیان نموده‌اند، در می‌یابیم که شاید به ظاهر، این هدف‌ها با هم مختلف هستند ولی در واقع، هر کدام مقدمه‌ای برای دیگری است. هدف همان عبودیت و بندگی است و «علم ودانش» و «امتحان و آزمایش» هدف‌هایی هستند که در مسیر «عبودیت» قرار می‌گیرند و «رحمت واسعه خدا» نتیجه این عبودیت است. بنابراین «عبودیت» اوج تکامل یک انسان و «قرب» او به خداست یعنی هدف خلقت تکامل انسان و نزدیک شدن به خداست.

ج: هدف آفرینش از دیدگاه عقل:

بدون شک هر فرد عاقل و حکیمی که کاری انجام می‌دهد هدفی برای آن در نظر دارد، و از آنجا که خداوند از همه، عالم‌تر و حکیم‌تر است پس باید هدفی از خلقت جهان و انسان داشته باشد، و از طرف دیگر، هنگامی که انسان به جزء جزء اعضاء خود می‌نگرد برای هر یک هدف و فلسفه‌ای می‌یابد، نه تنها برای اعضائی همچون قلب، مغز، عروق و اعصاب، بلکه اعضائی همانند ناخن‌ها،

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۶۲

مژه‌ها، خطوط سرانگشتان، گودی کف دست‌ها و پاها هر کدام حکمتی دارد که امروز همگی شناخته شده است.

چقدر ساده اندیشی است که ما برای آفرینش هر کدام از این اعضاء هدف قائل باشیم، ولی آفرینش مجموع آن یعنی وجود انسان را بی‌هدف بدانیم.

که چنین حقایقی به یک انسان خداپرست و مؤمن اطمینان می‌دهد که آفرینش او، هدفی بس عظیم داشته که باید بکوشد و با نیروی عقل و علم آنرا بیابد.

به هر حال ایمان به حکمت خداوند از یکسو، و توجه به فلسفه‌های اجزای وجود انسان از سوی دیگر، ما را مطمئن می‌سازد که در آفرینش انسان هدفی بزرگ وجود دارد. حال این هدف بزرگ چیست؟

با چند مقدمه این هدف مشخص می‌شود:

۱. ما همیشه در کارهای خود هدفی داریم که این هدف معمولًا دفع کمبودها و نیازهای ما است حتی اگر به دیگری خدمت می‌کنیم یا دست گرفتاری را می‌گیریم، ... آنها نیز نوعی کمبود معنوی ما را بر طرف می‌سازد و نیازهای مقدسی از ما را برآورده می‌کند. و چون در مورد صفات و افعال خدا، غالباً گرفتار مقایسه با خویش می‌شویم، گاه ممکن است این تصور به وجود آید که خداوند چه کمبودی داشت که با خلقت ما بر طرف می‌شد؛ و اگر در آیات قرآن می‌خوانیم هدف آفرینش انسان عبادت است، می‌گوئیم: «او چه نیازی به عبادت ما دارد؟» ما چون محدود هستیم و نیازمند، همه‌ی افعال و رفتار و گفتارمان برای کمبود نیازهای خودمان می‌باشد، ولی خداوند نامحدود و غنّی و بی‌نیاز است،

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۶۳

پس هدف افعال او در غیر وجود او باید باشد. او چشمه‌ای فیّاض و مبدئی نعمت آفرین است، که موجودات را در زیر چتر حمایت خود می‌گیرد و آنها را پرورش داده، از نقص به کمال می‌برد، و این است هدف واقعی عبودیت و بندگی ما؛ و این است فلسفه‌ی عبادات و نیایش‌های ما که همگی کلاس‌های تربیت برای تکامل ماست.

من نکردم خلق تا سودی کنم بلکه تا بربندگان جودی کنم به این ترتیب نتیجه می‌گیریم که هدف آفرینش ما «پیشرفت و تکامل

هستیِ» ما می‌باشد. اساساً اصل آفرینش یک گام تکاملی عظیم است، یعنی چیزی را از عدم، به وجود آوردن و از نیست، هست کردن و از صفر به مرحله عدد رساندن است.

۲. اگر هدف خلقت، تکامل انسان‌هاست چرا خداوند از آغاز، بندگان را کامل و تکامل یافته نیافرید تا همگی در قرب او جای گیرند؟

در جواب باید گفت: تکامل انسانی چیزی نیست که به اجبار آفریده شود، بلکه راه، طولانی و پر پیچ و خم است که انسان‌ها باید با پای خود آنرا طی کنند و با اراده و تصمیم و افعال اختیاری خویش طرح آن را بریزند.

اگر دست او را بگیرند و به اجبار ببرند، نه افتخار است و نه تکامل؛ (و اگر خدا این کار را می‌کرد با مختار آفریدن انسان منافات داشت.)

مثلًا اگر از کسی به اجبار و با زور سرنیزه، مبلغ زیادی برای ساختن یک مسجد بگیرند این عمل، هیچ اثر اخلاقی و تکامل روحی برای او ندارد.

با همه‌ی این توضیحات پاسخ این پرسش هم داده می‌شود که اگر خداوند

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۶۴

بندگان را برای عبودیت آفریده است، پس چرا گروهی، راه کفر را پیش می‌گیرند، بعضی گناهکار و بعضی مؤمن می‌شوند؟

پاسخ: کسانی که این سؤال را می‌کنند در حقیقت اراده‌ی «تکوینی» و «تشریعی» خداوند را با هم اشتباه کرده‌اند، زیرا هدف، عبادت اجباری نبوده بلکه عبادت و بندگی توأم با اراده و اختیار است.

خداوند اراده کرده است که انسان را «برای عبادت» خلق کند. (اراده تکوینی)

ولی از طرفی او را با اختیار آفریده است و قرآن و انبیاء را فرستاده تا او را راهنمائی کنند. (اراده تشریعی)

و این خود انسان است که با اختیار راه خوب را انتخاب می‌کند یا راه بد را.

به این ترتیب خداوند این انسان را برای اطاعت و بندگی آماده ساخته و هر گونه وسیله را اعم از عقل، و عواطف و قوای مختلف را از درون، و پیامبران و کتب آسمانی و برنامه‌های تشریعی را از برون، برای او فراهم نموده است. و این امکانات برای مؤمن و کافر یکسان است ولی مؤمن از امکانات خود بهره‌برداری نموده و کافر ننموده است.

مثال: هنگامی که گفته می‌شود: «من این مسجد را برای نماز خواندن مردم درست کرده‌ام.» مفهومش این است که آن را آماده برای این کار ساخته‌ام، نه اینکه مردم را به اجبار به نماز وادارم!

اما پاسخ اینکه خداوند ما را برای عبادت آفرید، منظور از این عبادت چیست؟

منظور از این عبادت و عبودیت خدا، نماز و روزه و رکوع و سجودِ تنها نیست، بلکه عبودیت اظهار آخرین درجه خضوع در برابر معبود است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۶۵

عبودیت نهایت تسلیم در برابر ذات پاک اوست،

عبودیت اطاعت بی‌قید و شرط و فرمانبرداری در تمام زمینه‌هاست.

و بالاخره عبودیت کامل آن است که انسان جز به معبود واقعی یعنی کمال مطلق نیندیشد، و جز در راه او گام برندارد و هر چه غیر اوست، فراموش کند حتی خویشتن را. و خواسته‌های او را برخواسته‌های خویش مقدم سازد.

و این است هدف نهائی آفرینش بشر، که خدا برای رسیدن به آن میدان «آزمایشی» فراهم ساخته و «علم و آگاهی» به انسان داده و نتیجه نهائیش نیز غرق شدن در اقیانوس «رحمت» اوست.

پس خداوند احتیاج به عبادت ما ندارد بلکه انسان‌ها به عبادت او نیاز دارند تا به ساحل تکامل و به دامن رحمت الهی برسند.

منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. تفسیر نمونه ذیل آیات فوق

۲. هدف زندگی شهید مطهری

۳. انسان کامل شهید مطهری

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۶۶

۳. اختلاف طبقاتی انسان‌ها چرا؟

۳. پرسش:

۳. اختلاف طبقاتی انسان‌ها چرا؟

چرا بعضی از مردم محروم ونیازمندند؟ و به عبارت دیگر چرا خداوند انسان‌ها را آفریده که بعضی فقیر زندگی کنند؟

پاسخ:

برای پاسخ نظر شما را به آیات شریفه‌ی زیر جلب می‌کنم:

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» «۱» «و قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی و کاهش در مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها، آزمایش می‌کنیم؛ و بشارت ده به استقامت کنندگان.»

و در جای دیگر قرآن آمده است: «إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيراً بَصِيراً» «۲»

«بیقین پروردگارت «روزی» را برای هر کس بخواهد گشاده یا تنگ می‌دارد او نسبت به بندگانش آگاه و بیناست.»

و در سوره‌ی نحل می‌فرماید: «وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ «۳» ...» «خداوند بعضی از شما را بر بعضی دیگر از نظر روزی برتری داد (چرا که استعدادها و تلاش‌هایتان متفاوت است).»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۶۷

از این آیات کریمه به دست می‌آید که:

۱. رزق و روزی انسان‌ها به اراده خداست و به هر که بخواهد و شایسته بداند می‌دهد.

۲. فقر و فقیر بودن یا ثروتمند بودن یکی از وسایل آزمایش و امتحان خداوند می‌باشد.

که بندگانش را بوسیله آن آزمایش می‌کند به این ترتیب که شخص فقیر را با فقرش آزمایش می‌کند که آیا شکرگزار هست یا خیر؟ و آیا برای بر طرف کردن فقرش از راه صحیح و شرعی تلاش می‌کند یا از راه‌های حرام و غیرشرعی برای رفع فقرش تلاش می‌کند؟ و دیگر انسان‌ها را هم، در ارتباط با فقیر [که چه نوع رفتاری با او دارند] امتحان می‌کند.

۳. نکته‌ی دیگر اینکه بدون شک اختلافی که در میان انسان‌ها از نظر بهره‌های مادی و درآمدها وجود دارد بخش مهمش مربوط به تفاوت استعدادهای آنهاست، این تفاوت استعدادهای جسمانی و روحانی که سرچشمه‌ی تفاوت در کمیت و کیفیت فعالیت‌های اقتصادی می‌شود بهره‌ی بعضی را بیشتر و درآمد بعضی را کمتر می‌کند.

۴. همانطور که یک درخت اجزائش از نظر استحکام و سستی با هم فرق دارند، کارآمدی اعضای یک جامعه هم باید فرق داشته باشد، اگر همه‌ی انسان‌های جامعه هم شکل و هم ذوق و هم فکر و همسان از هر نظر باشند، آن نظام حفظ نمی‌شود بنابراین وجود تفاوت در استعدادها و آنچه لازمه‌ی این تفاوت است، برای حفظ نظام جامعه و حتی برای پرورش استعدادهای مختلف، لازم و

ضروری می‌باشد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۶۸

۵. وسعت و تنگی رزق در افراد انسان (بجز موارد استثنائی یعنی از کار افتادگان و معلولین) بستگی به میزان تلاش و کوشش آنها دارد و اینکه می‌فرماید: «خدا روزی را برای هر کس بخواهد تنگ و یا وسیع می‌دارد»، این «خواستنِ» خداوند، هماهنگ با حکمت اوست، و حکمتش ایجاب می‌کند که هر کس تلاشش بیشتر باشد سهمش فزون‌تر و هر کس تلاشش کم‌تر باشد محروم‌تر گردد.

به همین دلیل قرآن، بهره‌ی انسان را متناسب با سعی او می‌شمرد و صریحاً می‌گوید: «وَأَن لَّيْسَ لِلْانسَانِ إِلَّا مَا سَعَى «۱»

«و اینکه برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست.»

از این رو خداوند می‌فرماید: «روزی» را به هر کس که بخواهد و شایسته بداند می‌دهد، لذا خود انسان باید تلاش کند تا در حلقه‌ی شایستگان قرار گیرد که در برخی آیات، بعد از سعی و تلاش بعضی، از راهکارهای شایسته شدن برای کسب رزق وسیع و علت گرفتاری را چنین معرفی می‌کند، به عنوان مثال:

نقش ایمان و تقوا: «و اگر اهل آبادی‌ها، «ایمان» می‌آوردند و «تقوا» پیشه می‌کردند برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم؛ ولی (آنها حق را) تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم ...» «۲»

نقش تقوا: «... و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند؛ و او را از راهی که گمان ندارد «روزی» می‌دهد و هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می‌کند ...» «۳»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۶۹

نقش انفاق: «اگر به خدا قرض الحسنه دهید [یعنی انفاق کنید،] آن را برای شما مضاعف (دو یا چند برابر) می‌سازد. و شما را می‌بخشد ...» «۱»

۶. البته باید توجه داشته باشیم که اسلام، خواهان اختلاف طبقاتی نیست.

اختلاف طبقاتی یعنی طبقه‌ی استثمار کننده و طبقه‌ی استثمار شونده، که این خود یکی از عوامل فقیر شدن گروهی و ثروتمند شدن گروه دیگر می‌شود و آنچه موافق و هماهنگ نظام آفرینش است تفاوت استعدادها و تلاش‌ها و کوشش‌ها است نه اختلاف طبقاتی.

معرفی کتاب:

۱. تفسیر المیزان، تفسیر آیاتی که در پاسخ آمد.

۲. تفسیر نمونه، تفسیر آیاتی که در پاسخ آمد.

۳. کتاب عدل الهی، از شهید مطهری، بخش مربوط به تبعیض‌ها و تفاوت‌ها و شرور.

۴. درس‌هایی از اصول عقائد اسلامی، ج ۱، شناخت خدا، از محمدی ری‌شهری، بخش تأثیر عبادات و بلا در رشد و تکامل انسان.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۷۰

۴. تفاوت بین بندگان خدا، چرا؟

۴. پرسش:

۴. تفاوت بین بندگان خدا، چرا؟

چرا خداوند متعال بین بندگان خود تفاوت قائل شده است به این صورت که چرا بعضی انسان‌ها در خانواده‌هایی که از نظر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی در سطح بالا هستند متولد می‌شوند و بعضی بالعکس در خانواده‌هایی که از نظر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سطح پایین هستند متولد می‌شوند؟

پاسخ:

بـا توجه به این که پاسخ این پرسش دارای ابعاد متعـدد است و از زاویه‌های مختلف قابل بررسـی می‌باشـد، از این رو لازم است به نکات زیر توجه کنیم:

۱. آیات نورانی قرآن از سـنت‌هایی خبرمی دهد که بر نظام خلقت به اذن خداوند، حاکم هسـتند و آن سـنّت‌ها تغییرپذیر نیستند که در سوره فاطر می‌خوانیم: «فَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِیلًا وَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِیلًا؛ «۱»

یعنی هرگز در سنت خدا تبدیلی نمی‌یابی و هرگز در سنت خدا تغییری نمی‌یابی.»

یکی از سنت‌های الهی، قانون و نظام «علت و معلول» است که طبق این نظام هر موجودی براساس علل خود در زمان و مکان مناسب بوجود می‌آیـد و موقعیّت ویژه‌ی خود را دارد؛ مثل این که آتش، گرما و سوزنـدگی دارد و هیـچ گاه نبایـد از آتش، انتظار سـردی داشته باشیم و همچنین بقیه‌ی موجودات جهان بر

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۷۱

چنین اساسـی بنیـان نهاده شـده است و تغییر نمی‌پـذیرد؛ پس اگر فرزنـدی از نظر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سـطح پایین قرار داشت بخاطر اسـباب و عللی بوده که این معلول را در پی داشته است که باید آن علت‌ها را جستجو کرد و شناخت؛ و اینچنین نیست که مستقیماً خداوند انسانی را بدون علت و سبب، فقیر بیافریند.

از امام صادق علیه السـلام حکایت شده: «ابی اللَّه ان یجری الامور إلا باسـبابها فجعل لکل شـیء سـبباً»؛ «۱» «خداوند جاری نمی‌کند امور را مگر به واسطه اسباب و علل آن، پس برای هر چیزی سبب و علتی قرار داد.»

۲. آنچه در آفرینش وجود دارد «تفـاوت» است نه «تبعیض». تبعیض آن است که در شـرائط «مسـاوی» و اسـتحقاق‌های همسـان، بین چیزها فرق گذاشته شود ولی «تفاوت» آن است که در شرایط «مساوی» فرق گذاشته شود.

به عنوان مثال اگر دو ظرف را که هر کـدام ظرفیت ده لیتر آب دارنـد: در یکی ده لیتر آب و در دیگری ۵ لیتر آب بریزیم، در اینجا «تبعیض» صورت گرفته است، و از نـاحیه کسـی است که آب می‌دهـد؛ اما اگر دو ظرف داشـته باشـیم که یکی به ظرفیت ۱۰ لیتر و دیگری به ظرفیت ۵ لیتر و هر دو را پر از آب کنیم باز هم اختلاف است، اما منشأ اختلاف تفاوتی است که خود آن دو ظرف از نظر گنجـایش و اسـتعداد دارنـد نه از نـاحیه‌ی دهنـده، به همین ترتیب انسان‌هـا نیز طبق نظـام جهـان و نظـام علت و معلول اسـتعدادهایی مختلف دارند که بر طبق آن با آنها رفتار می‌شود.

۳. تفاوت‌هایی که در عالم است بر خلاف عدالت خداوند متعال نیست

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۷۲

چون عـدالت به معنای پایمال نکردن حق افراد است، و ظلم، پایمال کردن حقوق آنهاست. پس «عدل و ظلم» در جایی مطرح اسـت که «حقی» در کار باشد حالا باید ببینیم آیا کسی قبل از خلقتش از خدا طلبی داشته و آیا افراد از قبل حقی داشته‌اند تا پایمال شود و ظلمی صورت گرفته باشد؟ مگر ما از قبل چیزی داشته‌ایم تا گرفته یا پایمال شده باشد؟!

۴. بحث مهم دیگر این است که تکـالیف الهی و ثواب و عقاب براساس شـرائطی است که انسان‌ها دارنـد به عنوان مثال: تکلیفی که فرد ثروتمند دارد انسان فقیر ندارد و مسئولیتی که یک انسان فرهنگی دارد شخص عامی و بی‌سواد ندارد.

همچنین است بقیه تفاوت‌هایی که بین مردم مشاهده می‌شود.

خداوند متعال می‌فرماید: «لَا یُکَلِّفُ اللَّهُ نَفْساً إِلَّا وُسْعَهَا؛ «۱»

تکلیف نمی‌کند خدا مگر باندازه طاقت.»

در آیه دیگر می‌فرماید: «لَا یُکَلِّفُ اللَّهُ نَفْساً إِلَّا مَا آتَاهَا؛ «۲»

تکلیف نمی کند خدا مگر باندازه آنچه عطا فرموده است.»

پس چنین نیست که شرایط افراد، متفاوت باشد ولی تکلیف و ثواب و عقاب آنها یکسان باشد که به عدالت خدا اشکال وارد شود.

۵. نکته قابل توجه دیگر این است که مثلث شخصیت انسان از سه ضلع «محیط»، «وراثت» و «اراده» تشکیل می‌شود و نقش اراده در شکل گیری شخصیت انسان به مراتب از وراثت و محیط بیشتر است یعنی شخص با اراده خود می تواند

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۷۳

وراثت و محیط را به نفع خود و در راستای وضع بهتر تغییر دهد. و اگر این کار زحمت و تلاش فراوانی را می‌طلبد اجر آن قطعاً نزد پرورد گار محفوظ می‌باشد.

۶. ناگواری‌ها و مشکلات انسان و تفاوت‌ها، حکمت‌هایی را در پی دارد که ما در اینجا به سه حکمت از آنها اشاره می کنیم:

الف: آزمایش و معلوم شدن انسان‌های خوب از بد: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» «۱»

حتماً شما را با اندکی از ترس، گرسنگی و آفت در مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها می‌آزمائیم، و افراد پایدار و با استقامت را مژده بده.

ب: ناگواری‌ها و مشکلات باعث رشد و شکوفایی استعدادهای درونی و موجب تکامل جسم و جان می‌شود، افرادی که کوچک‌ترین سختی در زندگی تحمل نکرده‌اند از نظر جسمی و روحی نسبت به دیگران ضعیف هستند، و کسانی که در شرایط دشوار، زندگی ساده و پر مشقتی دارند، معمولًا نیرومند هستند. این قانون نه تنها برای انسان‌ها و حیوانات جاری است بلکه در مورد گیاهان نیز چنین است.

امام علی علیه السلام در پاسخ کسانی که خیال می کنند در شرایط سخت زندگی کردن، و تغذیه‌ی ساده موجب ضعف و ناتوانی می گردد می‌فرماید: «توجه داشته باشید که درخت صحرایی چوبش محکم‌تر و بادوام‌تر است و گیاهانی که در زمین‌های نمناک می‌رویند نازک پوست، و کم دوام‌ترند؛ و گیاهانی که در دامنه کوه رشد می کنند و تنها از آب باران تغذیه می‌شوند آتش آنها سوزان‌تر است و دیرتر خاموش می‌شوند.» «۲»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۷۴

از امام حسن عسکری علیه السلام حکایت شده: «هیچ بلایی نیست مگر این که خداوند در آن خیری نهاده که آنرا فرا می گیرد.» «۱»

پس با این نگاه جدید پاره‌ای از مشکلات نه تنها «نقمت» نیستند بلکه «نعمت» می‌باشند.

ج: نظام عالم، نظام احسن است و لازمه‌ی نظام احسن وجود استعدادها و علاقه‌های گوناگون و توانایی‌های متفاوت با کاربری‌های مختلف می‌باشد [به عنوان مثال در نظام احسن نمی‌شود همه پزشک یا همه مهندس یا همه صنعت‌گر یا کارگر باشند، بلکه باید از همه‌ی این طبقات موجود باشند.]

یادآوری: نکات فوق هر کدام پنجره‌ای برای نظاره به این پرسش و پرسش‌های مانند آن می‌باشد.

معرفی کتاب:

برای جستار بیشتر رجوع فرمایید به:

۱. عدل الهی استاد شهید مرتضی مطهری

۲. اصول عقاید استاد محسن قرائتی

۳. عدل در جهان بینی توحیدی استاد محمدی ری‌شهری

۴. آموزش عقائد آیت اللّه مصباح یزدی

۵. توحید استاد شهید مرتضی مطهری

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۷۵

۵.بلاها، لطف یا کیفر الهی؟

۵. پرسش:

بلاها، لطف یا کیفر الهی؟

همیشه شنیده‌ایم که خداوند متعال به کسانی که دوستشان دارد بلا می‌دهد تا او را بیشتر صدا کنند. اما از طرف دیگر می گویند: خداوند سزای اعمال بد انسانها را در همین دنیا به آنها می‌دهد، حالا ما از کجا بفهمیم که این بلاها لطف خدا است یا اینکه سزای اعمال ماست؟

پاسخ:

همانطور که از پرسش معلوم است ما در این زمینه با چند دسته از آیات و روایات روبرو هستیم از این رو بعد از مروری مختصر بر بخشی از این آیات و روایات به پاسخ می‌پردازیم:

دسته‌ی اول:

آیات و روایاتی است که بلا و گرفتاری‌های انسان‌ها را نتیجه اعمال بد آن‌ها نمی‌شمارد بلکه:

- گاهی بلا و گرفتاری به خاطر امتحان و آزمایش بندگان است.

چنانچه قرآن کریم می‌فرماید: «و قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، و کاهش در اموال و جانها و میوه‌ها، آزمایش می کنیم؛ و بشارت ده به استقامت کنندگان!» «۱»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۷۶

- و گاهی بلا و گرفتاری و مستجاب نشدن دعا به خاطر بیشتر شدن ارتباط و مناجات با خداست که این لطف خدا بشمار می‌آید.

به عنوان مثال از امام صادق علیه السلام حکایت شده: «گاهی بنده‌ای که دوست خدا باشد، برای مشکل خود دعا می کند، آنگاه به مَلَک مخصوص آن امر می‌شود حاجت بنده‌ی مرا بر آورده کن ولی عجله نکن، چرا که من دوست دارم صدای بنده‌ی خود را بشنوم؛ و گاهی هم بنده‌ای دعا می کند و به ملک مخصوص گفته می‌شود حاجت او را برآورده کن و عجله هم بکن، چرا که من دوست ندارم صدای او را بشنوم!

آنگاه حضرت فرمودند: در حالی که مردم می گویند: به این شخص به خاطر ارزشی که داشت عطا شد و به آن دیگری به خاطر بی‌ارزشی او عطا نشد!» «۱» [یعنی حکمت آنرا نمی‌دانند و قضاوت می کنند]

دسته‌ی دوم:

آیات و روایاتی که گرفتاری‌ها و مشکلات انسان را به خاطر اعمال خود آنها بر می‌شمارد. مانند:

۱. «و هر کس از یاد من رویگردان شود، زندگی (سخت) و تنگی خواهد داشت و روز قیامت، او را نابینا محشور می کنیم.» «۲»

۲. «فساد در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده است؛ خدا می‌خواهد نتیجه بر بعضی از اعمالشان را به آنان بچشاند شاید (بسوی حق) باز گردند.» «۳»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۷۷

۳. در روایتی از امام صادق علیه السلام حکایت شده:

«گاهی فردی گناهی انجام می‌دهد و روزی و نعمتی از او دفع و دور می‌شود و در این هنگام امام علیه السلام این آیات را «۱»

تلاوت کردند: «هنگامی که سوگند یاد کردند که میوه‌های باغ را صبحگاهان (دور از چشم مستمندان) بچینند و هیچ از آن استثنا نکنند اما (شب هنگام) عذابی فراگیر به باغ آنها فرود آمد در حالی که همه در خواب بودند، و آن باغ سرسبز همچون شب سیاه و ظلمانی شد.» «۲»

دسته‌ی سوم:

بعد از مرور این دو دسته از آیات و روایات شاید انسان با عقل و وجدان خود بیابد که علت گرفتاری و بلای او چیست؟!

ولی با این حال اگر حیران مانـد و نتوانست تشـخیص دهـد که علت این گرفتاری‌ها و یا نعمت‌ها چیست دستور داریم که در حالت «خوف» و «رجا» باشیم تا مسیر کمال را بهتر طی کنیم.

از طرفی «ترس» از ناپسند بودن عمل (و یا در مورد افرادی در حد کمال نبودن عمل.) و اینکه بلاها نتیجه گناهان ما باشد پس لازم است که توبه کنیم.

و از طرفی امید و رجاء به لطف و رحمت خداوند رحمن و رحیم، که شاید این بلاها برای امتحان و ترفیع درجه ما باشد.

چنانچه قرآن کریم می‌فرماید:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۷۸ «پروردگار خود را (آشکارا) از روی تضرع، در پنهانی، بخوانید؛ (و از تجاوز دست برداریـد که) او متجاوزان را دوست نـدارد. و در زمین بعـد از اصـلاح آن فساد نکنیـد و او را بـا بیم و امیـد بخوانیـد (بیم از مسئولیت‌ها و امید به رحمتش. و نیکی کنید زیرا) رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است.» «۱»

و در ویژگی‌های شب زنده داران که از بندگان خاص محسوب می‌شوند می‌فرماید: «آنها کسانی هستند که پروردگار خود را با بیم و امید می‌خوانند!» «۲»

و امام صادق علیه السلام «بیم» و «امید» را به منزله دو بال برای حرکت بنده به سوی رضوان خداوند می‌داند و می‌فرماید:

«خوف و ترس به هیجـان آورنـده‌ی قلب، و امیـد و رجـاء یـار و یـاور نفس و روح است؛ و کسـی که خـدا را بشـناسد از [عقـاب او می‌ترسـد، و به سوی [فضل و لطف و رحمت او امیدوار خواهد بود، و این دو [بیم و امید] دو بال ایمان هسـتند که بنده با آنها پرواز می‌کنـد تـا برسـد به درجه رضـوان خداونـد متعـال. و [خوف و رجـاء] دو چشم بینـای عقـل بنـده هسـتند که توسط آن از وعـده و وعیـدهای خدای متعال با خبر می‌شود ... و اگر فردی با «خوف» و «رجاء» [همراه هم خدا را عبادت کند نه تنها گمراه نمی‌شود بلکه به آرزوهای [مادی و معنوی خود نیز می‌رسد.» «۳»

و در روایتی از امام علی علیه السلام نقل شده که به امام حسن علیه السلام می‌فرماید:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۷۹

«ای فرزند دلبندم از خدا بترس چنان ترسی که [گویا] می‌بینی به اندازه‌ی تمام اهل زمین اعمال شایسته انجام داده‌ای ولی خداوند از تو نپـذیرفته است؛ و از طرفی به [لطف خـدا امیـدوار بـاش چنان امیـدی که اگر [به انـدازه‌ی تمام اهل زمین اعمال ناخوشاینـد کرده باشی او تو را خواهد بخشید.» «۱»

در پایان این بحث بایـد عرض کنیم: «امیـد و رجاء» عامل بازدارنـده از تبدیل شدن «خوف» به «یأس و ناامیدی» از رحمت خداست [که خود از گناهان کبیره است و «خوف» عامل بازدارنده از تبدیل شدن «امید» به «بی‌تفاوتی» و فرار از خواسته‌های الهی می‌باشد. و در برخی افراد نیز خوف مانع از «غرور» آنها نسبت به اعمالشان می‌شود.

لذا با این نگرش، جنبه‌های تربیتی «خوف و رجاء» بیشتر خود نمایی می کند.

که انسان امیدوار از رحمت خدا مأیوس نمی‌شود.

چرا که انسان با حالت خوف با «استغفار» و انجام «اعمال صالح» و «جبران کاستی‌ها» به رحمت خداوند متعال امیدوار می‌شود.

یادآوری:

۱. بسیاری از پدیده‌ها را که ما فکر می‌کنیم بلا و شر و نقمت هست در منابع دینی آمده که آنها نه تنها «شر و نقمت» نیست بلکه «خیر و نعمت» می‌باشد.

چنانچه قرآن کریم می‌فرماید: «... چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید،

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۸۰

حال آنکه خیر شما در آن است. و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شر شما در آن است، و خدا می‌داند، و شما نمی‌دانید!» «۱»

۲. بسیاری از گرفتاری‌ها و ناکامی‌ها به خاطر سستی و تنبلی و بی‌احتیاطی و ... خود افراد است و مشمول قوانین فوق نمی‌شود. (که در متن پرسش نیز آمده بود)

۳. در آیات و روایات برای بلاها وگرفتاری‌های انسان علت‌ها و حکمت‌های فراوانی ذکر شده است که برای اطلاعات بیشتر به منابع آن رجوع فرمایید. «۲»

معرفی کتاب جهت مطالعه بیشتر:

تفسیرهای قرآن مثل نمونه و المیزان، تفسیر آیات مربوط به بحث

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۸۱

۶. آیا اعمال پدر و مادر در نسل‌های بعد اثر دارد و این تأثیر با عدالت سازگار است؟

۶. پرسش:

۶. آیا اعمال پدر و مادر در نسل‌های بعد اثر دارد و این تأثیر با عدالت سازگار است؟

چرا اگر گذشتگان ما، کار خوب یا بد انجام داده باشند نتایج آن کارها در این دنیا به ذریه‌ی او می‌رسد؟ آیا این مطلب با عدالت خداوند در تناقض نیست؟

در صورت عمل بد آنها وظیفه‌ی ذریه‌ی آنها چیست تا در امان باشند؟

پاسخ:

الف: تأثیر اعمال پدر و مادر در نسل آینده:

در پاسخ، نظر شما را به نکات زیر جلب می‌کنیم:

۱. اصل اثرگذاری اعمال پدران بر فرزندان در دو بخش «جسمی» و «روحی» از جمله خبرهایی است که قرآن و روایات ما را به آن رهنمون فرموده‌اند؛ «۱» دانشمندان علوم تجربی نیز در برخی جهات به همین نتیجه رسیده‌اند.

۲. لازم است بدانیم که «آثار اخروی» اعمال انسان‌ها به هیچ وجه به شخص دیگر نمی‌رسد اما آثار دنیوی اعمال در صورت مشیت الهی و خواست خداوند با عنوان «نعمت بخشی» و یا «عذاب» و یا «امتحان» به شخص دیگر می‌رسد

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۸۲

همانگونه که علامه‌ی طباطبایی در ذیل آیه‌ی ۹ از سوره‌ی نساء فرموده‌اند. «۱»

۳. دقت در این مطلب لازم می‌نماید که تأثیرگذاری، ریشه در اختیار انسان‌ها دارد و لذا انسان‌های خوب و پرهیزکار آثار خوبی را در فرزندان و ذریه‌ی خود بر جای می‌گذارند و انسان‌های بدکردار و بی‌مبالات بر اثر سوء اختیار تأثیرات ناگواری را در نسل خود بر جای می‌گذارند، با این حال ما با دو دسته از تأثیرات روبه‌رو خواهیم بود. ۱. تأثیرات خوب ۲. تأثیرات بد.

یعنی همانطور که به افراد «تاثیرات بد» منتقل شده، «تاثیرات خوب» را نیز به ارث برده‌اند، و سرّ این نقل و انتقال‌ها نیز در نظام «عِلّی و معلولی» هست که حاکم بر پدیده‌های این جهان است. «۲»

۴. ولی آنچه مهم است این است که این تأثیرات منفی و بد، جزئی و سطحی می‌باشد و آنقدر بزرگ نیست که غیرقابل تغییر باشند. به عبارت دیگر مثلث شخصیت انسان از سه ضلع «اراده»، «محیط» و «وراثت» تشکیل شده است.

که «اراده» نقش مهم و اصلی را بازی می‌کند و می‌تواند آثار محیط و وراثت را از بین ببرد و وضعیت را به نفع انسان رقم بزند. چنانچه همسر فرعون با اراده قوی توانست در محیط فاسد بر مشکلات فائق آید و رستگار شود.

از این رو با توجه به مطالب فوق می‌بینیم: اثراتی که از گذشتگان به ما رسیده «تنها» سبب، برای «شقاوت» و «سعادت» انسان نمی‌باشد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۸۳

بلکه این آثار در وجود انسان فقط «زمینه‌ای» است برای شقاوت و سعادت که تغییر و درمان آن ممکن می‌باشد.

و زحمت‌هایی که برای تغییر یا درمان این آثار منفیِ موروثی متوجه انسان می‌شود، خداوند بدون مزد و پاداش نمی‌گذارد.

لذا انسانی که از گذشتگانش صفت بُخل به او رسیده، وقتی با خود مبارزه می‌کند و انفاق می‌کند اجر و منزلت و پاداش او نزد خدا، از دیگران بیشتر است.

و همین طور در مورد آثار دیگر.

و به همین ترتیب انسانی که از پدر و مادر فاسد و گناهکار به دنیا آمده و در محیط فاسد زندگی کرده و مرتکب گناه شده، روز قیامت عذاب او کمتر است از شخصی که از پدر و مادر صالح و در محیط سالم بدنیا آمده ولی مرتکب گناه شده است.

ولی به هر حال عذاب دارد، چون خداوند به او اراده داده بود و می‌توانست بر آثار «وراثت» و «محیط فاسد» خود غلبه کند.

از آنچه گذشت معلوم شد: شخصی که در خانواده‌ی فاسد به دنیا آمده با شخصی که در خانواده‌ی صالح به دنیا آمده هر دو در پیشگاه خدا مسئولند و مؤاخذه می‌شوند ولی این مؤاخذه به طور یکسان نمی‌باشد تا عدالت خدا زیر سوال برود.

بلکه هر کدام نسبت به امکانات و موهبت‌هایی که خدا به آنها داده (مثل پدر و مادر صالح و ...) مسئول می‌باشند و باید پاسخگو باشند و این است «عدل الهی».

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۸۴

ب: چگونه می‌توان از این آثار در امان ماند؟

اول: مرحله‌ی شناسایی آثار:

انسان باید طی یک خودشناسی دقیق به این آثار، معرفت، پیدا کند.

دوم: مرحله‌ی واکنش و جلوگیری:

بعد از شناخت این آثار شخص در دو موقعیت قرار می‌گیرد.

الف: اگر در مقابل عمل انجام شده قرار گرفته و آن آثار به او منتقل شده است، می‌تواند آثار خوب (مثل محبت به اهلبیت علیهم السلام) را در خود تقویت کند و آثار بد را به مرور زمان کمرنگ کند و درصدد از بین بردن آن برآید.

که در این راه شایسته است ضمن توسل به ائمه اطهار و درخواست کمک از آن بزرگواران، از نظرات اولیاء خدا و اساتید اخلاق نیز استفاده کند.

ب: اگر اثری هنوز به شخص نرسیده ولی با توجه به شناخت از گذشتگان و معرفت به خود احتمال وقوع آن آثار می‌رود می‌توان برای جلوگیری یا رفع آن از صدقه و دعا و توسل به اهلبیت و ... بهره جست.

که در این مورد می‌توان به کتب معتبر ادعیه مراجعه نمود.

معرفی کتاب:

برای مطالعه‌ی بیشتر در این موضوع مراجعه فرمایید به:

۱. عدل الهی استاد شهید مطهری

۲. عدل در جهان‌بینی توحیدی استاد محمدی ری‌شهری

۳. اصول عقائد استاد محسن قرائتی

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۸۵

فصل چهارم: راهنما و راهبردشناسی

۱. پیامبران الهی چه تعدادی بودند؟

۱. پیامبران الهی چه تعدادی بودند؟ و نام چند نفر آنها در قرآن آمده است؟

۲. اهداف و ویژگی‌های داستان‌های قرآن چیست؟

و چرا خداوند سرگذشت همه‌ی پیامبران را در قرآن بیان نکرده است؟

چرا بیشتر سرگذشت پیامبران خاورمیانه در قرآن آمده است؟

۳. چرا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آخرین پیامبر شد؟

۴. معنای حروف مقطعه قرآن بویژه کهیعص چیست؟

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۸۷

۱. پرسش:

پیامبران الهی چه تعدادی بودند؟

نام چند نفر آنها در قرآن آمده است؟

پاسخ:

بسیاری از مفسران به تناسب آیات ۱۶۴ سوره‌ی نساء و ۷۸ سوره‌ی غافر درباره‌ی تعداد پیامبران بحثی را مطرح کرده‌اند و روایات مختلفی در این مورد نقل شده است.

روایت مشهور در این زمینه تعداد پیامبران را ۱۲۴ معرفی می‌کند. «۱»

و در روایت دیگری تعداد پیامبران را ۱۲۴ هزار معرفی می‌کند و در ادامه رسولان آنها را ۳۱۳ نفر نام می‌برد. «۲» و در حدیث دیگری بعد از اینکه آنها را ۱۲۴ هزار نفر می‌شمارد ۵ نفر آنها را اولوالعزم معرفی می‌کند. «۳»

صاحب تفسیر نمونه می‌نویسند: از مطالب فوق بر می‌آید که این روایت خبر واحد نیست- چنانکه تفسیر «روح البیان» نقل کرده است- بلکه اخبار متعدد و مستفیض این مطلب را تأیید می‌کند که پیامبران الهی ۱۲۴ هزار نفر بودند. «۴»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۸۸

عدد پیامبران در قرآن:

پیامبرانی که نام آنها به طور صریح در قرآن آمده ۲۶ نفر است که عبارتند از:

آدم، نوح، ادریس، صالح، هود، ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یوسف، لوط، یعقوب، موسی، هارون، شعیب، زکریا، یحیی، عیسی،

داود، سلیمان، الیاس، الیسع، ذوالکفل، ایوب، یونس، عزیر و محمد علیهم السلام.

ولی پیامبران دیگری نیز هستند که در قرآن اشاراتی به آنها شده ولی نام آنها به طور صریح نیامده، مانند: «اشموئیل» که در آیه‌ی ۲۴۸ سوره‌ی بقره با تعبیر «وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ» به او اشاره شده است.

و «یوشع» که در آیه‌ی ۶۰ سوره‌ی کهف با تعبیر «وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِفَتَاهُ» به او اشاره شده است. (بنابر آنکه یوشع پیامبر باشد)

و «ارمیا» که در بقره/ ۲۵۹ با تعبیر «أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ»

و «خضر» که در کهف/ ۶۵ با تعبیر «فَوَجَدَا عَبْداً مِنْ عِبَادِنَا»

و همچنین «اسباط بنی‌اسرائیل» که بزرگان قبائل بودند و در نساء/ ۱۶۳ تصریح شده که بر آنها وحی الهی نازل می‌شده است و اگر در میان برادران یوسف نیز پیامبرانی وجود داشته در سوره یوسف به آنها اشاره شده است. «۱»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۸۹

۲. اهداف و ویژگی های داستان قرآن

اشاره

۲. پرسش:

۲. اهداف و ویژگی های داستان قرآن:

اهداف و ویژگی‌های داستان‌های قرآن چیست و چرا خداوند سرگذشت همه‌ی پیامبران را در قرآن بیان نکرده است؟

پاسخ:

برخی از اهداف داستان پیامبران عبارتند از:

۱. پند و اندرز و عبرت گیری.

«در بازگویی زندگی اقوام گذشته، مایه‌های عبرت برای خردمندان است.» (یوسف/ ۱۱۱)

۲. تفکر و درس‌آموزی.

«سرگذشت‌ها را بازگو کن تا آنان تفکر (و درس آموزی کنند.)» (اعراف/ ۱۷۶)

۳. تقویت اراده و تقویت قلب پیامبر صلی الله علیه و آله.

«ما سرگذشت پیامبران را برای تقویت قلب و روح تو بازگو می کنیم.» (هود/ ۱۲۰)

۴. امید دادن به مؤمنین برای مبارزه با مستکبران.

«ما تلاوت می کنیم بر تو بعضی از خبرهای حقیقی موسی و فرعون را، برای مردمی که ایمان آورده‌اند (تا به آینده امیدوار شوند.)» (قصص/ ۳)

۵. اصلاح کردن تحریف‌ها در داستان انبیاء. (مائده/ ۴۵)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۹۰

ویژگی‌های داستان‌های انبیاء:

۱. واقعی بودن داستان‌ها. (آل عمران/ ۶۲) إِنَّ هذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ.

۲. گزیده گویی در داستان‌ها. (قصص/ ۳)

چرا سرگذشت همه‌ی انبیاء در قرآن نیامده است؟

با توجه به اهداف و ویژگی‌های فوق:

۱. قرآن کتاب تاریخی یا کتاب نقل داستان پیامبران نیست که انتظار برود سرگذشت همه‌ی پیامبران در آن بیاید.

۲. اگر خداوند متعال می‌خواست داستان همه‌ی پیامبران را بیاورد حجم آن قرآن بسیار زیاد (چندین جلد) می‌شد.

۳. کار خداونـد سبحان داسـتان سـرایی و قصه‌گویی نیست بلکه این مقـدار هم که نقل شده برای اهداف تربیتی مشـخص نقل شده است.

۴. و چون هدف پیامبران یکسان بوده لذا بیان همین مقدار از سرگذشت پیامبران برای تربیت و هدایت انسان‌ها کافی است.

چرا بیشتر سرگذشت پیامبران خاورمیانه در قرآن آمده است؟

علاوه بر مطالبی که در پاسخ چند پرسش قبل گذشت اضافه می‌کنیم که در این مورد چند نکته وجود دارد:

۱. رعایت مخاطب اولیه:

وقتی شخصـی می‌خواهـد مردم را هدایت و تربیت کند بدیهی است که تا آنجایی که ممکن است باید مطالبی را بیان کند که مردم تا حدودی آشنایی قبلی نسبت به آن مطالب داشته باشند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۹۱

به عنوان مثال: اگر معلمی بخواهـد به قصـد هـدایت و تربیت افراد، داستان‌هایی را از کشورها یا قاره‌های دور مانند یونان بیان کند، برای اینکه به نتیجه تربیتی و هـدایتی خود برسـد لازم است اول یونان و مردم آن و قهرمان‌های داسـتان را معرفی کند سـپس به بیان داستان بپردازد آنگاه منتظر نتیجه مطلوب باشد. که در این صورت، دسترسی به نتیجه‌ی تربیتی طولانی می‌شود و خیلی از هدف دور می‌شویم.

این مثـال را اگر بر آیـات قرآن تطبیق کنیم، می‌بینیم خداونـد متعال داسـتان‌های اقوامی ماننـد عاد، ثمود و یا پیامبرانی مثل موسـی و عیسـی و ابراهیم و دشـمنان آنها مانند فرعون و نمرود را بیان می‌کند که اینها در جزیرهٔ العرب و اطرافش می‌زیسـته‌اند و مردم با این اقوام و شخصیت‌ها تـا حـدودی آشـنایی داشـتند. از این رو می‌بینیم قرآن کریم مخـاطب اولیه خود را در نظر داشـته و مخاطبین هم سریع با این داسـتان‌ها ارتباط بر قرار کرده و طی مدت زمان کوتاهی از عرب جاهلی، «تمدن عظیم اسلامی» می‌سازد. که البته نقش داستان و روش داستان سرایی قرآن در ایجاد این تمدن عظیم قابل چشم‌پوشی نیست.

۲. قابلیت دسترسی:

قرآن کریم اولویت نخسـتش، ایمـان مخاطبـان اولیه بود تا پایه‌های دین را تحکیم بخشـد و سـپس به سایر نقاط جهان ابلاغ شود، به همین خاطر لازم بود نکاتی را رعایت کند تا مورد انکار مردم واقع نشود.

یکی از نکاتی که رعایت کرده، همین نوع گزینش در بیان داستان پیامبران بوده است:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۹۲

به این ترتیب که قرآن کریم از اقوام و سـرزمین‌هایی سخن گفته که قابل دسترسی مردم باشد و علاوه بر آنکه داستان‌های آنها را تا حدودی شـنیده بودند می‌توانستند برای اطمینان بیشتر به این سرزمین‌ها سفر کنند و آن مناطق را از نزدیک ببینند [با توجه به این که سفرهای تجارتی هم در جزیرهٔ العرب فراوان بود].

حـال که امکـان دسترسـی به این مکان‌هـا وجود داشت و با چنین شخصـیت‌هایی هم کم و بیش آشـنا بودنـد، مشـرکین چنین انکار می‌کردند و چنان تهمت‌هایی به پیامبر می‌زدند!

اما اگر از انبیایی که از قاره‌های دیگر «۱» بودند داستان‌هایی نقل می‌شد، که نه اسم آنها را شنیده بودند و نه امکان سفر و دسترسی

به آنها بود انکار آنها بیشتر می‌شد و آیا در جوسازی‌ها موفق نمی‌شدند؟ و سیر رشد تمدن‌ساز اسلام را کُند نمی‌کردند؟!
لذا قرآن کریم در این راستا می‌فرماید:
«ما پیش از تو رسولانی فرستادیم، سرگذشت گروهی از آنان را در قرآن برای تو بازگو کرده‌ایم، هر چند سرگذشت گروهی دیگر را برای تو بیان ننمودیم.» «۲»
و از امیرالمومنین علی علیه السلام حکایت شده:
«خداوند پیامبری سیاه‌پوست مبعوث کرد، هر چند سرگذشت او را در قرآن بیان نکرده است.» «۳»
پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۹۳
معرفی کتاب جهت مطالعه بیشتر:
۱. تفسیرهای موضوعی مثل «پیام قرآن» از آیت‌اللّه مکارم شیرازی و منشور جاوید از آیت‌اللّه سبحانی.
۲. کتاب «القصص القرآنی» از سید محمدباقر حکیم.
۳. کتاب «علوم القرآن» از سید محمدباقر حکیم.
پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۹۴

۳. چرا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آخرین پیامبر شد؟

۳. پرسش:
۳. چرا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آخرین پیامبر شد؟
ما به این مطلب عقیده داریم که خداوند آگاه به همه‌ی امور است از ابتدا تا انتهای تولد، اما سوال این است که چرا خداوند متعال بعد از ۱۲۴۰۰۰ پیامبر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را خاتم پیامبران فرستاد. قرآن را اولین و آخرین برنامه زندگی انسانها قرار داده است. مگر خداوند همان اول نمی‌توانست حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را بیافریند و قرآن را نیز کتاب آسمانی او بفرستد؟
پاسخ:
برای پاسخ توجه به دو مطلب لازم است:
مطلب اول اینکه آیا انسان‌ها از روز اول خلقت تا امروز از نظر قوای عقلی، فکری و علمی در یک حد و اندازه بوده‌اند یا اینکه با هم فرق داشته‌اند؟
در جواب باید گفت: انسان‌ها هر چند تقریباً استعداد عقلی و فطری یکسانی دارند ولی از نظر استعداد به فعلیت رسیده و شکوفا شده یک اندازه نبوده‌اند؛ چنانکه تاریخ انسان‌های اولیه تاکنون، به این مطلب شهادت می‌دهد. انسان‌های اولیه نیازهای محدود و افق‌های فکری محدود داشته‌اند و به مرور زمان به عقل و فکر و علم آنها و نیازهای آنها اضافه شده است دقیقاً مَثَل انسان‌ها در ادوار مختلف زمان مثل افراد در حال تحصیل می‌باشند که برخی در کلاس اول دبستان
پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۹۵
و برخی در کلاس‌های دوم یا سوم دبستان و برخی نیز در دبیرستان و بالاتر در حال تحصیل هستند.
مطلب دوم اینکه رابطه ادیان مختلف با دین قبل از خود چگونه بوده است؟
آیا همه‌ی معارف آن تکرار مطالب قبل بوده یا دینی کاملًا جدید و متفاوت با دین قبل بود یا این که مسئله چیز دیگری است؟
آنچه از آیات قرآن و مقایسه اسلام با ادیان قبل به دست می‌آید این است که همه ادیان در اصولی مثل توحید و نبوت و معاد و

برخی کلیات احکام با هم مشترکند چنانچه قرآن دین اسلام را تأیید و تصدیق کننده ادیان قبل می‌داند نه امری متفاوت با آن (مُصَدِّقاً لِمَا بَیْنَ یَدَیْهِ) اما ادیان الهی هر چه جدید شده از دین قبل کامل‌تر شده و به بعد معرفتی انسان‌ها عمق بیشتر داده، و به عبارت دیگر متناسب با زمان خود بوده است. تا آنجا که دین مقدس اسلام ظهور کرد و احکام ناب و معارفی عمیق در بالاترین حد ممکن به انسان‌ها عرضه نمود.

حتی در خود دین اسلام نیز این تفاوت مراتب معارف دیده می‌شود و براساس احادیث برخی مطالب عرضه شده برای افراد فکور و ژرف‌اندیش آخرالزمان آورده شده است مثل سوره توحید (قُلْ هُوَ اللَّهُ احد) و آیات اول سوره‌ی حدید. «۱»

با توجه به دو مقدمه‌ی قبل، پاسخ روشن می‌شود که اگر خداوند دین اسلام را در همان اول خلقت، دین همگان قرار می‌داد مثل این بود که معارف و مطالب دانشگاهی را، برای افراد ابتدایی و راهنمایی قرار داده بود که این بر خلاف

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۹۶

مصلحت و حکمت الهی می‌باشد. بلکه باید به مرور زمان هر چه انسان استعدادهایش به فعلیت می‌رسید و عاقل‌تر و عمیق‌تر می‌شد دین آن زمان هم کامل‌تر و عمیق‌تر می‌شد و از جهتی هم نیازهای جدید آن عصر را پاسخ‌گوی باشد.

تا اینکه دین مقدس اسلام در بعد معرفتی عمیق‌ترین معارف را عرضه داشت و چنان ظرفیت وسیعی دارد که متناسب با مقتضیات زمان پویا می‌باشد و اصول و قواعدی را ارائه کرد که با پیشرفت زمان و علم و نیازهای جدید قابل انطباق می‌باشد و مشکلات آن زمان را حل می‌کند مثل اصل اجتهاد و ولایت و امامت و ...

معرفی کتاب:

برای جستار بیشتر در این زمینه مراجعه فرمایید به:

۱. کتاب خاتمیت شهید مطهری

۲. وحی و نبوت شهید مطهری

۳. اسلام و مقتضیات زمان شهید مطهری

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۹۷

۴. معنای حروف مقطعه قرآن بویژه کهیعص چیست؟

۴. پرسش:

۴. معنای حروف مقطعه قرآن بویژه کهیعص چیست؟

در قرآن سوره‌ی مریم «کهیعص» را اینگونه معنا کرده است (این حروف اسراری است میان خدا و پیامبرش صلی الله علیه و آله) بعد من متوجه شدم که هر کدام از حرفهای این کلمه یک معنای خاصی را می‌دهند: ک: کربلا؛ ه: هلاکت؛ ی: یزید؛ ع: عاشورا و ص: صبر زینب علیهما السلام و در مورد زکریا هم مطالبی را ذکر کرده بود آیا این موضوع دارای سند است، اصلًا چه کسی راز تک تک این حروف را پیدا کرده، چون در ترجمه قرآن نوشته بود سرّی است میان خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله.

پاسخ:

این پرسش را در دو محور مورد بررسی قرار می‌دهیم:

الف. حروف مقطعه در قرآن:

حروف مقطعه قرآن جزء کلمات اسرارآمیز، قرآن می‌باشد و مفسران برای آن تفسیرهای متعددی ذکر کرده‌اند، که جمعاً ۱۳ قول می‌شود که در اینجا می‌آوریم:

۱. این کتاب آسمانی با این همه عظمت که جهان عرب و غیرعرب را متحیر کرده و همه از آوردن مثل آن عاجز می‌باشند، از همین حروف الفبا و کلمات معمولی ترکیب یافته است که در دسترس همگان می‌باشد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۹۸

۲. نسبتِ دقیقِ ریاضی، بین حروف مقطعه هر سوره، با حروف همان سوره برقرار است. «۱»

۳. ممکن است اهداف حروف مقطعه برای جلب توجه شنوندگان، و دعوت آنها به سکوت و استماع بوده باشد، زیرا این حروف حس کنجکاوی را تحریک کرده و به دنبال آن توجه شنونده جلب می‌گردد.

۴. در ۲۴ مورد از آغاز سوره‌هائی که با این حروف شروع شده، بلافاصله سخن از قرآن و عظمت آن به میان آمده است، پس ارتباطی میان حروف مقطعه و عظمت قرآن موجود است.

۵. این حروف علائم اختصاری و اشاراتی است به نام‌های خداوند تبارك و تعالی مثل الف اشاره به اللَّه، لام اشاره به لطیف، میم اشاره به مجید (نمونه، ج ۶، ص ۷۸)

۶. این حروف نام‌هایی است برای سوره‌هائی که این حروف در ابتدای آنها آمده است.

۷. این حروف نوعی سوگند و قسم‌های الهی می‌باشد بر اینکه قرآن کلام خداست. (بحار، ج ۸۸، ص ۷)

۸. این حروف از اسرار بین خداوند و پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشد و مطابق بعضی روایات رموزی است که کسی جز خداوند نمی‌داند. (بحار، ج ۸۹، ص ۳۸۴)

۹. این حروف از متشابهات قرآن است که فقط خداوند تأویل آن را می‌داند.

(المیزان، ج ۱، ص ۶)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۹۹

۱۰. این حروف نام‌های قران هستند یعنی مجموعاً اسماء قرآن می‌باشند.

۱۱. نام‌های خداوند است که به صورت مقطعه آمده که اگر تألیف آن را می‌دانستند پی به اسم اعظم می‌بردند. (همان)

۱۲. این اسماء اشاره به نعمت‌ها و بلاهای پروردگار است، و اشاره‌ای است به مدت عمر اقوام. (همان)

۱۳. این اسماء اشاره‌ای است به بقاء این امت و تعیین مدت آن براساس حروف أبجد و اعداد و ارقام. (همان)

تذکر: البته برخی از این اقوال در همدیگر قابل ادغام هستند.

ب: حروف مقطعه ابتدای سوره مریم

در تفسیر نمونه درباره‌ی حروف مقطعه (کهیعص) اینگونه بحث شده است:

در مورد حروف مقطعه این سوره دو دسته از روایات در منابع اسلامی دیده می‌شود:

الف. روایاتی که هر کدام از این حروف را اشاره به یکی از اسماء خداوند می‌داند (کافی، هادی، ولی، عالم، صادق الوعد) و در دعائی از حضرت علی علیه السلام وارد شده: «یا کهیعص»

ب. روایاتی که این حروف مقطعه را به داستان قیام امام حسین علیه السلام در کربلا تفسیر کرده است که در سوال اشاره شده، می‌توانید اصل قضیه را به طور مفصّل در تفسیر برهان و بحارالانوار، دنبال نمائید. «۱»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۰۱

فصل پنجم: قانون‌شناسی

اشاره

۱. مقصود از فلسفه و اسرار احکام و عبادات چیست و آیا ما می‌توانیم از همه‌ی آن‌ها آگاه شویم؟

۲. تساوی و تفاوت زن و مرد در چیست؟

۳. چرا دیه‌ی زن نصف دیه‌ی مرد است؟

۴. چرا گواهی دو زن برابر گواهی یک مرد است؟

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۰۳

۱. اسرار و حکمت احکام و عبادات چیست؟

۱. پرسش:

۱. اسرار و حکمت احکام و عبادات چیست؟

مقصود از فلسفه و اسرار احکام و عبادات چیست و آیا ما می‌توانیم از همه آن‌ها آگاه شویم؟

پاسخ:

در مورد پرسش‌هایی که از فلسفه و علت برخی احکام مانند (حرمت غذاهای حرام، وضو، غسل، نماز و تعداد رکعت‌های آن و ...) می‌شود خوب است ابتدا با انواع فلسفه احکام آشنا شویم بعد به جواب مورد نظر برسیم.

فلسفه و حکمت احکام الهی چند حالت دارد:

۱. احکام و مسائلی که عقل، فلسفه و حکمت آنها را درک می‌کند که خود دو نوع است:

الف. احکامی که علت و فلسفه‌ی آنها آنقدر واضح است که هر انسانی با کمی دقت آن را می‌فهمد مثل بدی ظلم و ستم، دزدی و دروغ گفتن، و خوب بودن راستی و عدالت.

ب. احکامی که برخی از حکمت‌ها و فلسفه‌ی آنها با پیشرفت علم بشر مشخص شده، یا در آینده مشخص می‌شود، و در زمان پیامبر مردم نمی‌توانستند حکمت آن احکام را بفهمند؛ مثل حرام بودن خوردن گوشت خوک یا مردار.

توضیح اینکه در گوشت خوک دو نوع انگل خطرناک بنام «کرم ترشین»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۰۴

و «کرم کدو» وجود دارد که با پیشرفت علم، بشر امروز به این مطلب پی‌برده است. «۱»

۲. فلسفه‌ی بعضی از احکام توسط عقل و دانش بشری فهمیده نمی‌شود که خود دو گونه است:

الف: حکمت بعضی از احکام در کتاب‌های دینی ما وجود دارد البته نه به صورت کامل بلکه به اندازه‌ی فهم ما انسان‌ها، که با عنوان «اسرار عبادات» یا «فلسفه احکام» مواردی را ذکر نموده‌اند. البته پشت پرده این الفاظ و اعمال و حرکات عبادی، حقایقی است که از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که ما انبیاء موظفیم با مردم، به اندازه‌ی عقلشان سخن بگوییم. «۲»

اگر بخواهیم از اسرار عبادات با خبر شویم دو راه دارد: یکی از راه درس و بحث و تحصیل و در خدمت استاد بودن، و راه دیگر تهذیب نفس است که تطهیر درون و مبارزه با نفس می‌باشد. البته هر دو راه هم می‌توان پیمود. در این صورت است که لطف الهی مثل نسیم می‌وزد و پرده کنارمی رود و انسان پشت پرده‌ی عالم طبیعت را می‌بیند و از اسرار عبادات با خبر می‌شود و آرام می گیرد. «۳»

ب: بعضی از اسرار و فلسفه‌ی احکام با دانش و عقل بشری فهمیده نمی‌شود و در کتاب‌های دینی نیز حکمت و فلسفه‌ی آن احکام ذکر نشده است و مؤمنین از روی تعبد و ایمانی که به خداوند متعال و ائمه‌ی اطهار علیه السلام دارند به آن احکام

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۰۵

عمل می‌کنند چون می‌دانند رشد و کمال انسان در گرو اطاعت و عمل به دستورات خداوند است و چون او را حکیم می‌دانند یقین دارند که حکیم فقط از روی حکمت و مصلحت عمل می‌کند پس تمام دستورات او هم حکیمانه است ولو علت آنها را هم ندانند. و هر چه فرموده «حرام» یا «مکروه» است، می‌دانیم یک ضرری (مفسده) برای ما داشته، و هر چه «واجب» یا «مستحب» است یک نفع و مصلحتی داشته است.

مثال: کسی که مریض شده است و به پزشک مراجعه می‌کند پزشک بعد از معاینه و تشخیص بیماری، نسخه‌ای برای او تجویز می‌کند و به او تأکید می‌کند این داروها را هر ۶ ساعت یا ۸ ساعت یکبار مصرف کند و از خوردن برخی غذاها نیز پرهیز کند. شخص مریض چون به آن پزشک اعتماد دارد و او را متخصص و صاحب علم و دانش می‌داند، برای سلامت و تندرستی خود تمام دستورات او را اطاعت می‌کند، خواه علت دستورات و خاصیت داروها را بداند یا نداند!

احکام و دستورات دینی نیز نسخه‌هایی هستند که پیامبر اکرم و پیشوایان دینی از طرف خداوند برای بشر آورده‌اند تا «سعادت و خوشبختی» انسان را در «دنیا و آخرت» تأمین کنند و اگر عقل از فهم و درک علت یک حکم عاجز بود، چون انسان مؤمن می‌داند احکام الهی «بر اساس مصلحتِ» او از طرف «خداوند حکیم» صادر شده بی‌چون و چرا آن را می‌پذیرد و عمل می‌کند.

البته این نوع عبادات که از روی «تعبد» و با ندانستن حکمت و فلسفه‌ی عبادات انجام می‌شود، نوعی امتحان و آزمایش برای شناخت مؤمنین «واقعی»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۰۶

از «غیرواقعی» می‌باشد، چون مقدار اعتماد و باور انسان به خداوند را نشان می‌دهد.

معرفی کتاب:

برای اطلاعات بیشتر در مورد فلسفه‌ی احکام می‌توانید کتاب‌های زیر را مطالعه فرمایید:

۱. مقدمه آموزش احکام، حجت‌الاسلام فلاح‌زاده؛

۲. اسرار عبادات، آیت‌اللّٰه جوادی آملی؛

۳. فلسفه احکام، آیت اللّٰه احمد اهتمام؛

۴. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، دکتر پاک‌نژاد؛

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۰۷

۲. تساوی و تفاوت زن و مرد در چیست؟

۲. پرسش:

۲. تساوی و تفاوت زن و مرد در چیست؟

پاسخ:

تفاوت بین زن و مرد دو گونه است:

الف: تفاوت در ارزش، مقام و منزلت معنوی زن و مرد:

همان‌طور که از آیات قرآن به دست می‌آید نه تنها دین اسلام در این زمینه بین زنان و مردان تفاوتی قائل نیست، بلکه زن و مرد را در ارزش‌ها، و مقام و منزلت معنوی و انسانی، مساوی می‌داند. که نمونه‌هایی از آن آیات را ذکر می‌کنیم:

۱. تساوی ارزش و مقام زن و مرد، از لحاظ خلقت:

قرآن کریم در آیات متعدد زن و مرد را از یک طینت دانسته و اعلام می‌دارد که زن و مرد از «نفس واحدهٔ» خلق شده‌اند. از جمله:

«یَا أَیُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّکَمُ الَّذِی خَلَقَکَم مِن نَفْسٍ وَاحِدَهٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا کَثِیراً وَنِسَاءً» «۱» ای مردم از مخالفت پروردگارتان بپرهیزید همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۰۸

۲. تساوی ارزش و مقام زن و مرد در داشتن صفات برجسته و ارزش‌های والای انسانی و مقام معنوی:

در سوره احزاب آیه ۳۵ می‌خوانیم:

«بیقین مردان مسلمان و زنان مسلمان، و مردان با ایمان و زنان با ایمان، و مردانِ مطیع فرمان خدا و زنان مطیعِ فرمان خدا، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صابر و شکیبا و زنان صابر و شکیبا، مردان با خشوع و زنان با خشوع، مردان انفاق کننده و زنان انفاق کننده، مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می‌کنند، خداوند برای همه آنها مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است.» «۱»

در تفسیر آیه چنین آمده است: «گاه بعضی چنین تصور می‌کنند که اسلام کفه‌ی سنگین شخصیت را برای مردان قرار داده و زنان در برنامه اسلام چندان جایی ندارند، شاید منشأ اشتباه آنها پاره‌ای از «تفاوت‌های حقوقی» است که هر کدام دلیل و فلسفه‌ی خاصی دارد. ولی بدون شک با قطع نظر از این گونه تفاوت‌ها که با موقعیت اجتماعی و شرائط طبیعی آنها ارتباط دارد، هیچگونه فرقی از جنبه‌های انسانی و مقامات معنوی میان زن و مرد در برنامه‌های اسلام

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۰۹

وجود ندارد. آیه‌ی فوق دلیل روشنی بر این واقعیت است، زیرا به هنگام بیان ویژگی‌های مؤمنان و اساسی‌ترین مسائل اعتقادی و اخلاقی و عملی، زن و مرد را در کنار یکدیگر همچون دو کفه‌ی یک ترازو قرار می‌دهد و برای هر دو ارزشی یکسان بدون کمترین تفاوت قائل می‌شود ...» «۱»

۳. تساوی زن و مرد از لحاظ ثواب و عقاب اعمال:

قرآن در احکام و کیفرها و ثواب اعمال، زن و مرد را یکسان مورد خطاب قرار می‌دهد؛ و قبح گناه و اعمال حرام و ممنوع، و کیفر آن، و همچنین ثواب اعمال، در مورد زن و مرد مساوی است؛ از جمله:

«و دست مرد دزد و زن دزد را به کیفر عملی که انجام داده‌اند، بعنوان یک مجازات الهی قطع کنید و خداوند توانا و حکیم است.» «۲»

«خداوند به مردان و زنان منافق و کفار، وعده آتش دوزخ را داده، جاودانه در آن خواهند ماند، همان برای آنها کافی است و خدا آنها را از رحمت خود دور ساخته و عذاب همیشگی برای آنهاست.» «۳»

«و کسی که چیزی از اعمال صالح را انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که ایمان داشته باشد چنان کسانی داخل بهشت می‌شوند و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد.» «۴»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۱۰

«هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند خواهیم داد.» «۱»

«هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد- خواه مرد یا زن- در حالی که مؤمن باشد آنها وارد بهشت می‌شوند و در آن روزیِ بی‌حسابی به آنها داده خواهد شد.» «۲»

۴. تساوی زن و مرد در تحمل تکلیف و مسئولیت:

قرآن کریم با مطرح کردن زنـدگی آدم و حوا و رانـده شـدن آنها از بهشت هیچ کدام را مسـئول اصـلی معرفی نمی‌کند و در بیشتر مواقع هر دو را مسئول می‌داند و حتی گاهی به صـراحت می‌گوید: شـیطان آدم را وسوسه کرد و قرآن با این بیان بر روی اعتقاداتی همچون اینکه «زن را عنصر گناه و شیطان کوچک مطرح می‌کند» خط بطلان می‌کشد.

«فَقُلْنَا يَاآدَمُ إِنَّ هـذا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْـقَى «۳» «پس گفتیم: ای آدم! این (ابلیس) دشـمن تو و (دشمن) همسر توست مبادا شما را از بهشت بیرون کند که به رنج و زحمت خواهی افتاد!»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۱۱

«فَدَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ ... به این ترتیب آنها را با فریب از مقامشان فرود آورد.» «۱»

«فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ ... پس شیطان آن دو را وسوسه کرد.» «۲»

۵. تساوی زن و مرد از لحاظ تعلیم و تعلّم:

از آیات قرآن کریم به دست می‌آیـد که همه‌ی مسـلمانان اعم از زن و مرد بایـد در کسب علم و دانش اهتمام ورزنـد برای نمونه به طور مکرر قرآن متذکر می‌شود که قرآن را بخوانید، تلاوت کنید و پیرامون آیات آن بیندیشید. تفکر و تدبر در آیات خداوند و در طبیعت، و عبرت از آن نیز بارهـا در قرآن توصـیه شـده است. و قرآن در این زمینه میان زن و مرد تفاوتی قائل نیست و هرگز کسـب علم و دانش را به یک جنس خاص محدود نمی‌کند.

و از حضـرت رسول اکرم صـلی الله علیه و آله نقل شده است: «طلب العلم فریضهٔ علی کل مسلم و مسلمهٔ.» «۳» فراگیری دانش بر هر مرد و زن مسلمان واجب است.

۶. مساوات زن و مرد در پیشگاه خدا:

خداوند در قرآن می‌فرماید:

«إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ.» «۴» ملاک برتری نزد خداوند تقوا می‌باشد (چه زن چه مرد).

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۱۲

اینها نمونه‌هایی از تساوی ارزشی و مقام و منزلت معنوی زن و مرد بود که در اینجا به همین مقدار بسنده می‌کنیم.

ب: تفاوت‌های طبیعی بین زن و مرد:

با وجود مطالبی که در مورد تساوی زن و مرد گذشت، نمی‌توان تفاوت‌های موجود میان زن و مرد را منکر شد، تفاوت‌هایی که زن و مرد را از یکدیگر متمایز می‌سازد و همین تفاوت‌هاست که باعث تفاوت در حقوق و وظایف زن و مرد می‌شود.

در اینجا برخی از تفاوت‌های طبیعی زن و مرد را بر می‌شماریم:

۱. تفاوت‌های زیستی (جسمی)

الف. تفاوت‌های اساسی تعیین جنسیت

ب. تفاوت‌های ثانوی در اندام

تفاوت‌های جسمی: برای مثال بطور متوسط مردان درشت اندام‌تر، بلند قدتر، خشن‌تر و دارای صدای متفاوت با زنان می‌باشند. رشد عضـلانی مرد و نیروی بـدنی او از زن بیشتر است. مقاومت زن در مقابل بسـیاری از بیماری‌ها از مقاومت مرد بیشتر است و ... «۱» از آنجـایی که بین نقش [: روح و روان و بـدن تنـاسب و ارتبـاط متقابـل برقرار است. تفـاوت جسـمانی بـدون تفاوت روانی [و روحی ممکن نیست، و این برای بقاء و کمال جامعه و نسل بشری ضروری است.

۲. تفاوت‌های روانی:

احساسات [و عواطف زن، از مرد جوشان‌تر است. زن از مرد زودتر به

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۱۳

هیجان می‌آید. و سریع‌تر تحت تأثیر احساسات و عواطف خویش قرار می‌گیرد.

زن طبعاً به زینت و زیور و جمال و آرایش علاقه دارد. احساسات زن بی‌ثبات‌تر از مرد است. زن از مرد محتاطتر و مذهبی‌تر است [و مردها معمولًا جسورتر و شجاع‌تر می‌باشند]. احساسات زن مادرانه است و علاقه‌ی زن به خانواده بیشتر است و ... «۱»

۳. تفاوتهای اجتماعی که محصول جامعه انسانی و رفتارها و مناسبات میان آدمیان است:

با توجه به تفاوت‌هایی که در توانایی‌ها و نقش اجتماعی زن و مرد وجود دارد عقل سلیم اقتضاء می‌کند که برای انجام نقش‌ها بین زن و مرد تفاوت قائل شویم به این ترتیب که:

نقش‌ها و کارهایی که زن و مرد هر دو امکان اجرا دارند؛

نقش‌هایی که با ساختار جسمی و روحی زن متناسب است؛

نقش‌هایی که با ساختار روحی و جسمی مرد متناسب است.

منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. نظام حقوق زن شهید مطهری.

۲. زن در آینه جلال و جمال آیت اللَّه جوادی آملی.

۳. تفسیر نمونه ذیل آیات مربوط.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۱۴

۳. چرا دیه‌ی زن نصف دیه‌ی مرد است؟

۳. پرسش:

۳. چرا دیه‌ی زن نصف دیه‌ی مرد است؟

پاسخ:

«همانطور که در پاسخ قبلی بیان شد، تفاوت‌های طبیعی و فطری (جسمی و روحی)، وظائف و تکالیف خاصی را بر عهده‌ی انسان‌ها (زن و مرد) می‌گذارد و به علت همین تفاوت‌ها است که برای زنان و مردان احکام و تکالیف دینی خاصی معین شده است: از جمله این احکام خاص، حکم دیه می‌باشد:

دیه، در اسلام بر معیار ارزش معنوی انسان مقتول نیست .... چنانکه تفاوت دیه‌ی زن و مرد، نه بر منزلت مرد می‌افزاید و نه ازمقام زن می‌کاهد، همانطور که تساوی دیه‌ی عالم و جاهل نه از ارج و منزلت عالِم می‌کاهد و نه بر مقام جاهل می‌افزاید. زیرا برخی از تفاوت‌های مادی و مالی هیچگونه ارتباطی به مقام‌های معنوی ندارد و هیچ تلازم عقلی و نقلی بین دیه و کمال معنوی (و علمی) وجود ندارد. تا هر اندازه دیه بیشتر شود قداست روح مقتول و تقرب وی نزد خدا افزون‌تر باشد. «۱»

در آیه‌ی ۱۷۸ سوره‌ی بقره چنین آمده است:

«ای افرادی که ایمان آورده‌اید! حکم قصاص در مورد کشتگان بر شما

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۱۵

نوشته شده است، آزاد در برابر آزاد، و برده در برابر برده، و زن در برابر زن ...» «۱»

در این آیات چنین آمده که نباید «مرد» به خاطر قتل «زن»، مورد قصاص قرار گیرد. ممکن است بعضی ایراد بگیرند مگر خون مرد رنگین‌تر از خون زن است.

چرا مرد جنایتکار بخاطر کشتن زن و ریختن خون او قصاص نشود؟!

در پاسخ باید گفت: مفهوم آیه این نیست که مرد نباید در برابر زن قصاص شود، بلکه همان‌طور که در فقه اسلام به طور مشروح بیان شده، اولیای زن مقتول می‌توانند با پرداخت نصف مبلغ دیه مرد قاتل را قصاص کنند.

لازم به توضیح است که پرداخت مبلغ مزبور برای اجرای قصاص، نه به خاطر این است که زن ارزش کم‌تر دارد و یا خون او کمرنگ‌تر است بلکه پرداخت نصف دیه تنها به خاطر جبران خسارتی است که از قصاص کردن مرد، متوجه خانواده‌ی او می‌شود. (دقت کنید)

تذکر مهم: احکام اسلامی به صورت اجزای یک سیستم و شبکه، به همدیگر مرتبط هستند و گاهی با توجه به همدیگر حکم جدید وضع می‌شود، لذا در موقع قضاوت و داوری و اشکال گرفتن به یک حکم باید به احکام دیگر هم بی‌توجه نبود.

به عنوان مثال: یکی از احکام و تکالیفی که به عهده‌ی مرد می‌باشد این است که نفقه (: مخارج زن و فرزندان) برای مرد واجب است، یعنی از این حکم معلوم می‌شود که در اسلام مرد رکن اقتصادی خانواده است. لذا اگر گفته می‌شود که

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۱۶

دیه‌ی مرد دو برابر دیه‌ی زن است یکی از حکمت‌هایش این است که بخشی ازخسارت اقتصادی که به خانواده وارد شده را جبران کند و به نحوی بار غم عاطفی و اقتصادی که بر فرزندان و زن مقتول وارد شده، این بار غم کاهش پیدا کند و باعث بهبود و بهداشت روانی خانواده شود، و هنگامی که نبودن این حکم را در نظر بگیریم می‌بینیم باعث ایجاد فقر اقتصادی و فرهنگی و عاطفی در خانواده و اجتماع می‌شود و بار مشکلات بر دوش مادر خانواده سنگینی کرده و مشکلات جدید به بار می‌آورد.

اگر کسی اشکال بگیرد که در برخی خانواده‌ها، زن نان آور خانواده است! در پاسخ می‌گوییم: اولًا در مورد وضع احکام و قوانین، قانون به صورت کلی وضع می‌شود و ناظر به موارد جزئی و استثنائی نیست، و بر محور افراد دور نمی‌زند.

ثانیاً: همان‌طور که گفتیم اسلام مسئولیت اقتصادی خانواده را به مرد داده و بار این مشکل را به عهده‌ی مرد نهاده و بر او واجب کرده، لذا در قوانین اسلام مرد را به عنوان رکن اقتصادی و نان‌آور می‌شناسد نه زن را.

منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. زن در آیینه جلال و جمال، آیةاللَّه جوادی آملی.

۲. تفسیر نمونه، ذیل آیات مربوطه.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۱۷

۴. چرا گواهی دو زن برابر گواهی یک مرد است؟

۴. پرسش:

۴. چرا گواهی دو زن برابر گواهی یک مرد است؟

پاسخ:

قرآن به طور صریح و آشکار دلیل و فلسفه‌ی دو شاهد زن را در آیه‌ی ۲۸۲ بقره بیان می‌کند و می‌فرماید:

«... وَاسْتَشْهِدُوا شَاهِدَيْنِ مِن رِجَالِكُمْ فَإِن لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّن تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَن تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى ...»

«و دو نفر از مردان (عادل) خود را بر این حق، شاهد بگیرید، و اگر دو مرد نبودند، یک مرد و دو زن، از کسانی که مورد رضایت و اطمینان شما هستند، انتخاب کنید. دو زن، باید با هم شاهد قرار گیرند، تا اگر یکی انحرافی یافت دیگری به او یادآوری کند ...»

در برخی تفاسیر در جواب- اینکه چرا شهادت دو زن معادل یک مرد شمرده شده است؟- آمده: این بدان علت است که زن موجودی است عاطفی و احیاناً ممکن است تحت تأثیر قرار گیرد، لذا یک نفر دیگر به او ضمیمه شده تا از تحت تأثیر قرار گرفتن او جلوگیری کند. (ان تَضل احداهما فتذکّرَ احداهما الأُخری «۱» پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۱۸

در تفسیر نور نیز چنین آمده: «دو زن به جای یک مرد، یا به خاطر روحیه‌ی ظریف و عاطفی آنهاست و یا به خاطر آن است که معمولًا زنان در مسائل مالی و اقتصادی حضور فعالی ندارند، لذا به علت ارتباط کم، اطمینان کمتر [و احتمال خطا هم بیشتر] است.» «۱»

از کلام مفسران بدست می‌آید که:

با توجه به ساختار وجودی زنان که دارای عاطفه و احساسات لطیف، و مهربانیِ خاص می‌باشند. [که این ویژگی‌ها لازمه‌ی یک مربی نمونه و مدیر داخلی خانواده می‌باشد] و از طرفی چون کمتر از مردان در اجتماع وتنگناهای جامعه حضور دارند از این رو زمینه اینکه تحت تأثیر عواطف و احساسات قرار گیرند در وجود آنها بیشتر است به همین خاطر اگر شاهدان زن دو نفر باشند لغزش آنها نیز کمتر می‌شود.

یادآوری: این حکم فقهی نه تنها عیبی بر زنان به شمار نمی‌آید بلکه به نظر می‌رسد که خداوند متعال با توجه به موقعیت و روحیات حساس زنان این حکم را وضع کرده تا بار مشکلات لغزش در شهادت را از دوش او بردارد تا بهداشت روانی و امنیت خاطر او در خانواده و جامعه بیشتر تأمین شود. چرا که بار سنگین لغزش و پشیمانی بعد از شهادت غیرواقعی از دوش او برداشته می‌شود و بدیهی است که زنان هر چه کمتر در، چنین صحنه‌هایی [: درگیری‌ها و مشاجرات و ...] مداخله، و حضور پیدا کنند از تعادل روانی بیشتری برخوردارند.

و در سایه تعادل روانی و آرامش خاطر است که یک زن می‌تواند به مدیریت

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۱۹

خانواده به ویژه تربیت فرزندان برتر [: مسئولیت بسیار مهم واصلی بپردازد.

تذکر: «اسلام» یک «دین کامل» و جهانی است و باید از همه‌ی جوانب به آن نگاه کرد و نظر داد، نه فقط یک مورد و از یک زاویه، مثلًا همین شهادت که در کتاب‌ها از جنبه‌های مختلف بررسی شده که یکی از آنها از جنبه‌ی فقهی می‌باشد؛ در کتاب‌های فقهی آمده که حقوق بر دو قسم است: «حقوق الهی» و «حقوق افراد» و با تقسیماتی که این حقوق دارند برای اثبات بعضی از آنها فقط باید شاهدان مرد باشند؛ و بعضی از آنها شاهد «مرد و زن» با هم لازم است ضمیمه شوند؛ و بعضی از آنها شهادت و شاهد بودن زن فقط پذیرفته است مثل ولادت و ... «۱» پس ما باید در احکام و قوانین دینی «مجموع» را در نظر بگیریم.

و معلوم است که در موارد مذکور شهادت زن یا مرد، دلیل بر برتری هیچ کدام نیست.

جهت مطالعه بیشتر:

تفسیر نمونه ذیل آیه مطرح شده.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۲۱

فصل ششم: عشق و رشدیابی

اشاره

۱. برای کنترل شهوت و زیاد کردن تقوی چه راه‌کارهایی در قرآن و احادیث وجود دارد؟

۲. چه کنیم تا به گناه آلوده نشویم؟

۳. چه کنیم تا دعایمان مستجاب شود؟

۴. چه کنیم تا نمازمان را سبک نشماریم و بنده‌ی خداوند بشویم؟

۵. عشق چیست و راهکار آن کدام است؟

۶. ویژگی‌های همسر خوب چیست؟

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۲۳

۱. برای کنترل شهوت و زیاد کردن تقوی چه راهکارهایی در قرآن و احادیث وجود دارد؟

۱. پرسش:

۱. برای کنترل شهوت و زیاد کردن تقوی چه راهکارهایی در قرآن و احادیث وجود دارد؟

پاسخ:

پاسخ این پرسش را در دو بخش «شهوت» و «تقوا» ارائه می کنیم:

اول: واژه‌ی «شهوت» در موارد مختلفی مانند: شهوت مال، شهوت پست و مقام، شهوت کار و شهوت جنسی ... کاربرد دارد.

ولی به نظر می‌رسد این پرسش در مورد «غریزه‌ی جنسی» می‌باشد از این رو در پاسخ باید گفت: تمایل و غریزه‌ی جنسی رامانند غرایز و تمایلات دیگر، خداوند در وجود انسان به امانت گذاشته و ما در قبال آن سه راه داریم:

۱. سرکوب کردن یا از بین بردن غریزه‌ی جنسی.

۲. رها کردن افسار شهوت و غریزه‌ی جنسی.

۳. آن را تحت برنامه‌ی دین درآوریم.

راه اول: یعنی راه سرکوب که باعث نقص جسمانی می‌شود؛ و به دنبال آن بسیاری از استعدادهای درونی انسان را نابود می کند و اجازه‌ی شکوفایی و رشد نمی‌دهد و دین اسلام با این راه مخالف است.

راه دوم: رها کردن افسار شهوت، که این هم موجب هلاکت انسان، و بروز

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۲۴

بیماری‌های روحی و جسمی می‌شود که امروزه در بسیاری از کشورهای غربی شاهد آن می‌باشیم. و اسلام با این راه هم مخالف است.

راه سوم: این که نه این غریزه و نعمت الهی را سرکوب کنیم و نه اینکه آن را یله و رها کنیم، بلکه طبق دستورات شرع شهوت خود را مدیریت کنیم.

اینک برخی از این دستورات را بر می‌شماریم:

۱. ازدواج

یکی از بهترین راهکارهایی که در قرآن و روایات، بدان سفارش شده «ازدواج» می‌باشد و حتی در قرآن دستور بسیج همگانی، برای فراهم کردن اسباب ازدواج جوانان آمده است. در سوره نور آیه‌ی ۳۲ به مؤمنان دستور می‌دهد: «وَأَنكِحُوا الأَیَامَی مِنکُمْ» مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید.

و در آیه‌ی بعدی می‌فرماید: «آنهایی که توانایی مالی ندارند پاکدامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل و کرم خود آنها را بی‌نیاز کند.»

۲. کنترل چشم

پرهیز از چشم چرانی و حاضـر نشـدن در مجالس و محل‌هایی که نامحرمان حضور بیشتری دارند، و تماشا نکردن فیلم‌ها و عکس‌های مبتذل.

از این رو در آیه‌ی ۳۰ و ۳۱ سوره‌ی نور می‌فرماید: «به مردان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گیرند، و عفاف خود را حفظ کنند؛ این برای آنان پاکیزه‌تر است؛ خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است!»

«و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس آلود) فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند ...»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۲۵

۳. دوری از ناپاکان

برخی از افراد نا اهل و منحرف در لباس دوست ظاهر می‌شوند و انسان را از مسیر صحیح خارج می‌کنند از این رو قرآن خطر همنشینی با این افراد را چنین گوشزد می‌کند:

«خدا می‌خواهد شما را ببخشد (و از آلودگی پاک کند)، اما آنها که پیرو شهواتند می‌خواهند شما بکلی منحرف شوید.» «۱»

۴. روزه

گرفتن روزه در افزایش تقوا و فرو نشاندن آتش شهوت بسیار مؤثر است و اصولًا قرآن، هدف روزه گرفتن را تقوا معرفی می‌کند. «۲»

۵. دوری از تخیلات شیطانی

آری تخیلات شیطانی همچون «طوفانی» بر «تلاطم امواج شهوت» می‌افزاید لذا توصیه می‌شود:

الف: لحظات قبل از خواب، با قرائت قرآن یا دعا یا مطالعه کتاب سودمندی در بستر سپری شود.

ب: تا خسته نشده‌ایم به رختخواب نرویم. [قبل از خواب یا با کار یا ورزش یا مطالعه و .... خود را آماده‌ی خواب کنیم.]

ج: نماندن در محلی که تنها هستیم و کسی حضور ندارد.

و هر مورد دیگری را که باعث حرکت «پرنده‌ی خیال» ما می‌شود باید مواظب باشیم.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۲۶

از این رو قرآن در مورد دوری از خیالات شیطانی می‌فرماید:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از گامهای شیطان پیروی نکنید! هر کس پیرو شیطان شود (گمراهش می‌سازد، زیرا) او به فحشا و منکر فرمان می‌دهد!» «۱»

برخی صاحب‌نظران نیز برای کنترل شهوات موارد ذیل را توصیه می‌کنند: «۲»

الف: ورزش و عضویت در تیم‌های ورزشی

ب: مطالعه‌ی کتب مفید (به ویژه زندگی علما و اولیای خدا)

ج: پرهیز از غذاهای محرّک.

د: نپوشیدن لباس‌های تنگ و چسبان.

در کنترل شهوت مؤثر می‌باشد.

دوم: راهکارهای افزایش تقوا:

«تقوا» یعنی خود نگهداری و خویشتن داری «۳» و در قرآن کریم آمده است:

«گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست»؛ «۴» «و زاد و توشه تهیه کنید، که بهترین زاد و توشه، پرهیزگاری است ...» «۵»

بله در اهمیت تقوا همین آیات کافی است که خدا می‌فرماید گرامی‌ترین و بزرگوارترین بنده نزد من آن بنده‌ای است که وقتی در موقعیت گناه و ... قرار می گیرد خود نگهدرای کند و مرتکب گناه نشود.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۲۷

حال برای دستیابی به راهکارهای افزایش تقوا باز به سراغ این سفره‌ی الهی می‌رویم و از غذاهای معنوی آن نوش جان می کنیم:

۱. عبادت

قرآن می‌فرماید: «ای مردم پروردگار خود را پرستش [و عبادت کنید ... تا پرهیزگار شوید.» «۱»

از این آیه فهمیده می‌شود که عباداتی مانند روزه، نماز، تلاوت قرآن و ...

عباداتی مانند کمک به بینوایان، یتیم نوازی و خدمت به خلق و ... همه اینها به افزایش تقوا کمک می کند.

۲. مطالعه احوال اقوام گذشته و عبرت گرفتن از آنها

«ما به آنها [که روز شنبه نافرمانی و گناه کردند] گفتیم: «به صورت بوزینه‌هایی طرد شده در آیید» ما این کیفر را درس عبرتی برای مردم آن زمان و نسل‌های بعد از آنان، و پند و اندرزی برای پرهیزکاران قرار دادیم.» «۲»

۳. روزه

«ای افرادی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما نوشته [و واجب شده همان گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد؛ تا پرهیزگار شوید.» «۳»

در آیه ۲۱ بقره عبادت را برای افزایش تقوا معرفی کرد، و در این آیه به طور خاص «روزه» را معرفی می کند با این که روزه یکی از عبادات است معلوم می‌شود که نقش روزه در افزایش تقوا بسیار مهم است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۲۸

۴. پرهیز از راه‌های انحرافی

۵. سیر در مسیر الهی

«این راه مستقیم من است از آن پیروی کنید! و از راههای پراکنده (و انحرافی) پیروی نکنید، که شما را از طریق حق، دور می‌سازد! این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می کند، تا پرهیزگار شوید.» «۱»

۶. یادآوری نعمت‌های الهی و انجام وظایف. «۲» ۷. توجه و تفکر در آیات معاد، و آگاهی به عالم برزخ و قیامت و چگونگی حسابرسی انسان‌ها

آیاتی مانند: «واز آن روز بترسید که کسی مجازات، دیگری را نمی‌پذیرد و نه از او شفاعت پذیرفته می‌شود؛ ونه غرامت از او قبول خواهدشد؛ ونه یاری می‌شوند.» «۳»

۸. باور و یقین قلبی به موارد زیر نیز باعث ایجاد انگیزه در رعایت تقوا می‌شود:

اینکه انسان بداند:

الف: خدا با پرهیزکاران است. بقره/ ۱۹۴

ب: خدا پرهیزکاران را دوست دارد. آل عمران/ ۷۶

ج: پرهیزکاران از نعمت‌های الهی بهشتی برخوردارند. حجر/ ۴۵

د: تقوا عامل فلاح و رستگاری و سعادت است. بقره/ ۱۸۹

ه: تقوا عامل وسعت و زیاد شدن رزق می‌باشد.

«و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، «ایمان» می‌آوردند و «تقوا» پیشه می کردند،

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۲۹

برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم؛ ولی (آنها حق را) تکذیب کردند، ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.» «۱»

«و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند، و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد ...» «۲»

«... و هر کس تقوای الهی پیشه کند خداوند کار را بر او آسان می‌سازد.» «۳»

در پایان توصیه می‌شود ملاقات و دیدار علمای ربانی و اولیای خدا و مطالعه احوالات و زندگی‌نامه‌ی بزرگان بسیار مؤثر و راهگشا می‌باشد.

معرفی کتاب:

برای مطالعه‌ی بیشتر در این باره به کتاب‌های زیر رجوع فرمایید:

۱. تفسیر نمونه مباحث مربوط به آیات فوق

۲. گناهان کبیره آیهًاللّه شهید دستغیب قدس سره

۳. کنترل غرایز جنسی آیت اللّه مکارم شیرازی

۴. جوانان در طوفان غرایز همت سهراب پور

۵. آنچه یک جوان باید بداند [ویژه پسران رضا فرهادیان

۶. چشم چرانی به قلم دوشیزگان

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۳۰

۲. چه کنیم تا به گناه آلوده نشویم؟

۲. پرسش:

۲. چه کنیم تا به گناه آلوده نشویم؟

پاسخ:

مقدمه

اینکه انسان در صدد تهذیب نفس و کسب کمالات انسانی باشد و برای موفقیت در این راه درخواست کمک کند جای تبریک دارد! چرا که در اصطلاح این مرحله را مرحله‌ی طلب می‌نامند و تا این «خواست» و «طلب» وجود نداشته باشد در کسب فضائل انسانی توفیقی حاصل نمی‌شود.

اینک پاسخ:

آنچه از آیات و روایات «۱» بر می‌آید این است که سر منشأ گناهان «غفلت» می‌باشد.

از این رو برخی بزرگان «۲» اولین منزل و اولین گام در تهذیب نفس را «یقظه» یعنی بیداری از خواب غفلت می‌دانند.

دومین گام و منزل، تفکر می‌باشد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۳۱

آری بعد از بیداری نوبت به تفکر می‌رسد نیاز است بوسیله تفکر زنگار غفلت را از آیینه دل زدود تا حقایق در آن تجلی کند.

هشدارهای قرآن با عبارت‌های «افلا تعقلون» «۱» آیا اندیشه نمی‌کنید و «افلا تذکرون» «۲» آیا متذکر نمی‌شوید و «افلا تتفکرون» آیا تفکر نمی‌کنید و مانند آن؛ فریادهایی است که قرآن می‌زند تا از خواب سنگین غفلت بیدار شویم و آماده‌ی حرکت به سوی مقصد

شویم.

ممکن است سوال شود تفکر در مورد چی؟!

تفکر در مورد این که چی بنا بود بشویم و چی شدیم.

مگر نه این که انسان خلیفهٔ اللّٰه است و استعدادهای زیادی دارد که باید به شکوفایی برساند و انسان اشرف مخلوقات است «أَرَضِیتُمْ بِالْحَیَاةِ الدُّنْیَا» «۳»

آیا به همین لذت زودگذر دنیا راضی شدید؟!

تفکر در مورد این که خداوند شاهد اعمال و رفتار ماست.

مگر نه اینکه اگر بچه‌ی کوچکی در اطاق باشد، «دست از پا خطا نمی‌کنیم» چطور از بچه حیا می‌کنیم ولی از خدا خیر!

تفکر در مورد این که گناه با جسم و روح ما چه می‌کند!

تفکر در مورد این که گناه با دنیا و آخرت ما چه می‌کند!

مگر خداوند نفرمود که عاقبت گناهکاران جهنم و عذاب آلود است! «۴»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۳۲

و هر که گناه بکند در این دنیا زندگی او سخت می‌شود! «۱»

مگر اهلبیت به ما گوشزد نکردند که:

گناه رزق و روزی را دفع می‌کند. «۲»

گناه بلا را نازل می‌کند. «۳»

گناه نعمت‌ها را تغییر می‌دهد و می‌گیرد. «۴»

گناه مانع استجابت دعا می‌شود. «۵»

و بالاخره این که استمرار گناه باعث تکذیب خداوند می‌شود. «۶»

و از طرفی

تفکر در عظمت خداوند!

تفکر در نعمت هایی که خداوند به ما داده!

تفکر در اعمال و رفتار ما در قبال آن همه لطف خدا!

و ...

به نظر می‌رسد تفکر در این امور انسان را از خواب غفلت بیدار می‌کند، تا نوبت گام بعدی شود.

منزل سوم: منزل اراده و عزم راسخ است.

آری بعد از بیداریِ جدیدِ حاصل از تفکر، انسان از گذشته‌ی خود پشیمان می‌شود و رو به توبه و انابه می‌آورد اینجاست که به اراده‌ی محکم، بر ترک گناه و

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۳۳

جبران گذشته نیاز دارد.

که به طور طبیعی این انقلاب درونی و اراده محکم، نیاز به محرک دارد.

که محرک درونی تفکر بود و محرک بیرونی نیز می‌تواند آیات قرآن و روایات اهل بیت باشد.

چرا که از آیات قرآن بر می‌آید که: تدبر در قرآن قفل دل را باز می‌کند «۱» و روایات اهلبیت هم باعث حیات دل می‌شوند. «۲»

و شرکت در مجالس اهلبیت و شنیدن موعظه محرک خوبی برای ادامه راه می‌باشد.

چرا که گفته شده در این راه برای دل‌های آماده موعظه، معجزه می کند.

تذکرات:

اینک نظر شما را به نکات دیگری در این باره به اختصار جلب می کنیم:

۱. بدیهی است که به موازات مراحل قبلی، مواظبت بر انجام واجبات بویژه نمازهای واجب ضروری می‌باشد.

چرا که «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنكَرِ» «۳» ۲. درخواست از خدا و امید به رحمت خداوند چرا که یأس از رحمت او، خود از گناهان کبیره می‌باشد.

۳. توسل به اهلبیت و درخواست کمک و یاری از آن بزرگواران برای موفقیت در این راه. (چرا که آنها واسطه‌ی فیض و رحمت الهی بر بندگان هستند.)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۳۴

۴. ارتباط با علما و شرکت در مجالس آنها.

۵. مطالعه زندگی نامه علما و اولیای خدا.

۶. پرهیز از پرخوری و پرخوابی.

۷. لحظات خلوت خود را با مطالعه‌ی کتاب و کار و فعالیت ورزشی غنی سازی کنیم.

معرفی کتاب:

برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه رجوع فرمایید به:

۱. اخلاق در قرآن آیت اللَّه مکارم شیرازی

۲. قلب سلیم شهید دستغیب

۳. تهذیب نفس آیت اللَّه امینی

۴. گناهان کبیره شهید دستغیب

۵. گناه‌شناسی محمد محمدی اشتهاردی

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۳۵

۳. چه کنیم تا دعایمان مستجاب شود؟

۳. پرسش:

۳. چه کنیم تا دعایمان مستجاب شود؟

پاسخ:

در اهمیت پرسش فوق همین کافی است که خداوند در قرآن به پیامبر می‌فرماید: «بگو: پروردگارم، برای شما ارجی قائل نیست اگر دعای شما نباشد ...» «۱»

آری؛ محبوب‌ترین اعمال نزد خدا دعا کردن است «۲» خداوندی که ابراهیم، خلیل خود را از آن جهت به خوبی یاد می کند، و می‌ستاید که «بسیار دعا کننده» بود «۳»، و او دعا را شفای هر دردی قرار داد، و در پرتو دعا بلاهای زیادی را از ما دور می کند. «۴»

با توجه به آیات قرآن و روایات اهل بیت برای استجابت دعا می‌طلبد که: دو نوع فعالیت داشته باشیم:

اول اینکه کوشش کنیم تا دعای ما به اجابت نزدیک شود. [یعنی ببینیم چه چیزهایی زمینه استجابت دعا را فراهم می کند.]

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۳۶

دوم اینکه از اعمالی که مانع استجابت دعا می‌شود پرهیز کنیم.

باتوجه به محدودیت مجال؛ برخی از این راهکارها را ذکر می‌کنیم:

الف: اما آنچه ما را به استجابت نزدیک می‌کند:

۱. ایمان به خدا و این که باور داشته باشیم که همه امور به دست اوست و تا او نخواهد هیچ خیر و شری از ما دور یا به ما نمی‌رسد؛ از این روی خداوند می‌فرماید: «ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ»؛ «۱» مفسرین می‌گویند از آیه استفاده می‌شود که خداوند می‌فرماید: «مرا» بخوانید [و امید به دیگران نداشته باشید] تا دعایتان مستجاب شود.

و در روایت آمده: که هر گاه یکی از شما اراده کرد که از خداوند چیزی بخواهد و خواست تا دعایش مستجاب شود، باید از همه‌ی مردم «ناامید» شود و فقط به او «امیدوار» باشد پس هر گاه این حالت را خداوند در قلب او دید هر چه او بخواهد خداوند به او عطا می‌کند. «۲»

پس چنین نباشد که ما خداوند را بخوانیم در حالی که چشم به دست دیگران بدوزیم و به غیر او امیدوار باشیم.

۲. حُسن ظن و اعتماد به خداوند

در همین رابطه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده:

باب دعا به روی هیچ کس باز نمی‌شود مگر اینکه خداوند باب استجابت را هم باز خواهد کرد، پس هر گاه توفیق دعا پیدا کردید کوشش کنید و خسته

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۳۷

نشوید چرا که تا زمانی که شما از دعا کردن خسته نشوید خداوند از عطا کردن خسته نمی‌شود. «۱»

پس هر گاه دعا کردیم «حسن ظن و اعتماد» داشته باشیم که خداوند مستجاب می‌کند و امیدوارانه دعا کنیم.

۳. حضور قلب

موقع دعا حضور قلب داشته باشیم و با تمام وجود از او درخواست کنیم چرا که حکایت شده: دعایی که با بی توجهی و بدون حضور قلب باشد خداوند مستجاب نمی‌کند. «۲»

۴. توسل به اهل بیت علیهم السلام

راهی که همه اولیاء خدا و خوبان عالم از آن استفاده می‌کنند و حتی اهل بیت هم مثل امام صادق علیه السلام بهترین چیزی که در دعا بر آن اصرار داشتند، درخواست از خدا به حق «خمسه‌ی طیبه» بوده است. «۳»

به ویژه توسل به امام زمان علیه السلام بسیار مهم است چرا که در دعای ندبه می‌خوانیم: «أین باب اللّه الذی منه یؤْتی أین وجه اللّه الذی الیه یتوجه الاولیاء»؛ «کجاست آن درگاه خدایی که از آنجا به سوی خدا روند؟ کجاست آن آئینه خدایی که به سویش توجه کنند اولیاء؟

۵. تکرار و پافشاری در دعا

از امام باقر علیه السلام نقل شده: هیچ بنده‌ای در حاجت خود اسرار و پافشاری نمی‌کند مگر اینکه خداوند دعای او را مستجاب می‌کند. «۴»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۳۸

۶. صلوات

یکی دیگر از امور مؤثر صلوات بر پیامبر و اهلبیت او، قبل، وسط، و بعد از دعاهاست چرا که فرمودند: خداوند کریم‌تر است از آن

که قبل و بعد دعا را مستجاب کند ولی خود آن را مستجاب نکند. «۱»

۷. دل شکستگی و منقلب شدن و گریه در موقع دعا

از امام صادق علیه السلام حکایت شده: هر گاه، اشک چشمت جاری شد و بدنت لرزید پس آگاه باش که در آن موقع حاجتت برآورده شده است. «۲»

۸. توجه به زمان استجابت دعا

دعا در زمان‌هایی که وعده داده شده به اجابت نزدیک‌تر است مانند:

الف. موقع اذان ظهر ب. بعد از هر نماز

ج. قبل از غروب د. سحرگاه

ه. شب جمعه و. موقع نزول باران

ز. در نماز وتر (نافله شب) ح. به هنگام قرائت قرآن

ت. وقت اذان ی. موقع ریخته شدن خون شهید

- شب قدر و شب‌های مانند آن مثل شب عید فطر و قربان و روز عرفه

۹. توجه به مکان‌های استجابت دعا

دعا کردن در مکان‌های شریف به اجابت نزدیک‌تر است مثل دعا در مسجد یا حرم‌های اهل بیت مخصوصاً زیر بقعه‌ی سید الشهداء علیه السلام.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۳۹

۱۰. صدقه

صدقه دادن قبل از دعا نیز در فراهم شدن مقدماتِ استجابت مؤثر است؛ چنانچه از امام صادق علیه السلام حکایت شده: پدرم هر گاه حاجتی داشت موقع زوال خورشید (ظهر)، اول صدقه می‌داد، بعد عطر استعمال می‌کرد وبه مسجد می‌رفت و حاجت خود را طلب می‌کرد.

۱۱. بلند کردن دست‌ها به هنگام دعا

چنانچه سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله هم بوده است و حکایت شده خداوند متعال به حضرت موسی چنین سفارش می‌کند: ای موسی ذلیلانه دست‌هایت را به سوی من بلند کن همان طور که بنده‌ها در برابر مولای خود انجام می‌دهند که هر کس چنین کرد حتماً مورد رحم من قرار می‌گیرد. «۱»

۱۲. حضور در جمع مؤمنین و دعا کردن

از امام صادق علیه السلام نقل شده: هیچ جماعت چهل نفری نیستند که دعا کنند مگر اینکه خداوند دعایشان را مستجاب می‌کند و ... «۲» و خود ایشان هم به هنگام مشکلات زن و فرزندان را جمع می‌کرد و دعا می‌کرد و آنها آمین می‌گفتند. «۳»

۱۳. به صورت جمع دعا کردن و نه فقط برای خود دعا کردن [بلکه به فکر دیگران هم باشیم.]

و از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حکایت شده: «اذا دَعَا أَحَدَکم فَلیُعمّ فإِنّه أوجب

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۴۰

للدعاء.» «۱»

هر گاه شخصی از شما دعا کرد پس به صورت جمع دعا کند، چرا که برای همه خواستن دعا را به استجابت نزدیک‌تر می‌کند.

۱۴. دعای به دیگران

در این زمینه روایات و تأکیدات فراوانی رسیده است چنانچه حضرت زهرا علیها السلام نیز شب تا به صبح را به عبادت و در حال دعای به دیگران می گذراند و می‌فرمود: «الجار ثم الدار» «۲»

«اول همسایه بعد خودمان.» و در روایات فراوانی نقل شده که دعای به دیگران از جمله دعاهایی است که خداوند وعده استجابت آن را داده «۳» و چندین برابر آن دعا را در حق خود دعا کننده مستجاب می کند. «۴»

۱۵. دعای پدر و مادر

یکی از دعاهایی که به استجابت نزدیک است دعای والدین به فرزندان می‌باشد. «۵» ان شاء اللَّه با نیکی به پدر و مادر و درخواست خاضعانه از آنها خود را از دعای آنها بهره‌مند کنیم.

۱۶. استغفار و اقرار به گناه

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۴۱

یکی از مسائلی که در استجابت دعا مؤثر است طلب بخشش از خداوند و اقرار به گناهان می‌باشد. «۱»

۱۷. ستایش خداوند

در روایات و دعاهایی «۲» که از اهلبیت علیهم السلام رسیده این مطلب را به طور عملی به ما آموزش می‌دهند که قبل از دعا و طلب حاجت، شکر نعمت‌های الهی را به جا آوریم و به خاطر نعمت‌هایی که خداوند به ما داده از او تشکر کنیم و خداوند را با اسماء و صفاتش ستایش کنیم و بعد طلب حاجت کنیم.

و در روایتی از امام صادق علیه السلام به این ترتیب سفارش شده است:

«اول مدح خداوند متعال، سپس اقرار به گناهان [و طلب بخشش ، و آنگاه خواستن حاجت.» «۳»

۱۸. خواندن اسماء خداوند با آن معانی بلند و دلنشین قبل از دعا

چنانچه از امام صادق علیه السلام حکایت شده: هر کس ده مرتبه «یا اللَّه» و «یا رب» بگوید به او لبیک گفته می‌شود و از حاجت او می پرسند. «۴»- «۵»

و همچنین: هر کس هفت مرتبه بگوید: «یا ارحم الراحمین» خداوند به او می گوید: آری من «ارحم الراحمین» هستم حاجت خود را درخواست کن. «۶»

۱۹. بندگی و اطاعت خدا

هر چه خدا را بیشتر بندگی کنیم، خدا هم بیشتر به ما لطف می کند. «من کان للَّهِ کان اللَّه له»؛ «هر که برای خدا بود خدا هم برای اوست.» لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیان شیرین و پر معنایی در همین رابطه به ابوذر دارند: ابوذر! وقتی انسان مطیع و

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۴۲

بنده باشد، به اندازه نمکی که به غذا می‌زنند، دعا کافی است تا به مرادت برسی. «۱»

و همچنین از امام صادق علیه السلام حکایت شده: «هر کس مستجاب شدن دعایش خوشحالش می کند پس کسب و کارش را حلال کند.» «۲»

ب: موانع استجاب دعا:

۱. گناه مهم‌ترین مانع استجابت دعا

چنانچه از امام باقر علیه السلام روایت شده: «گاهی بنده‌ای به درجه‌ای می‌رسد که بناست دعایش به زودی یا آینده‌ی نزدیک مستجاب شود ولی گناهی از او سر می‌زند، آنگاه خداوند به ملائکه خطاب می کند: حاجت او را برآورده نکنید چرا که او متعرض سخط من شد و مستحق محرومیت. «۳»

و امام سجاد علیه السلام برخی گناهانی که مانع استجابت دعاست را چنین بر می‌شمارند: «۴»

۱. نیت بد داشتن ۲. بد طینتی

۳. نفاق ۴. عقب انداختن نمازهای واجب تا بعد از وقت

۲. شک داشتن به ولایت اهل بیت، مانع دیگر استجابت دعا: «۵»

۳. ظلم به دیگران:

حکایت شده: خداوند به حضرت عیسی فرمود: به مردم بگو دعای کسی که به دیگران ظلم کرده را مستجاب نخواهم کرد. «۶»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۴۳

یادآوری‌ها:

در پایان برای تکمیل بحث توجه به چند نکته لازم است:

۱. دعایی که با حکمت خدا یا مصلحت ما منافات دارد مستجاب نمی‌شود:

از خداوند حکیم در حدیث زیبای قدسی حکایت شده: ای بندگان من در آنچه به شما امر کرده‌ام عبادت و بندگی مرا انجام دهید و مصالح خود را به من یاد ندهید، چرا که من عالم‌ترین به مصالح شما هستم و نسبت به مصالح شما بخل نمی‌ورزم. «۱»

۲. آنچه از روایات به دست می‌آید این است که ممکن است دعا کننده به همان حاجت مورد نظر خود نرسد ولی به هر حال دعای او اثرات دیگری خواهد داشت.

از این رو از رسول خدا صلی الله علیه و آله حکایت شده: هیچ دعایی نمی‌شود (در صورتی که گناه و قطع رحم درخواست نکند) مگر اینکه خدا یا همان درخواست را در دنیا به او می‌دهد یا در آخرت برای او مستجاب می‌کند یا گناهان او را به اندازه‌ی همان دعا می‌آمرزد. «۲»

و از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده: چه بسا چیزی را از خدا درخواست می‌کنی ولی همان را به تو نمی‌دهد بلکه بهتر از آن را به تو می‌دهد. «۳»

یا در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌خوانیم: وقتی شما دعا می‌کنید یا همان

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۴۴

زمان به شما می‌دهند یا موکول به آینده می‌کنند و یا به ازای دعایتان بلا و مشکلی را از شما دور می‌کنند. «۱»

۳. از امام صادق علیه السلام حکایت شده: «گاهی بنده‌ای که دوست خدا باشد برای مشکل خود دعا می‌کند پس به مَلَک مخصوص آن امر میشود حاجت بنده‌ی من را برآورده کن ولی عجله نکن چرا که من دوست دارم صدا و صوت بنده‌ی خود را بشنوم؛ و گاهی هم بنده‌ای که دشمن خداست دعا می‌کند و به ملک مخصوص گفته می‌شود حاجت او را برآورده کن و عجله هم بکن چرا که من کراهت دارم صدای او را بشنوم.

آنگاه حضرت فرمودند: در حالی که مردم می‌گویند: به این دشمن خدا به خاطر ارزشی که داشت عطا شد و به آن دیگری به خاطر بی‌ارزشی او عطا نشد.» «۲» [یعنی حکمت آنرا نمی‌دانند و قضاوت بیجا می‌کنند.]

۴. انسان باید در راستای همان دعایی که کرده تلاش و کوشش کند وگرنه دعای اومستجاب نخواهد شد.

چنانچه از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام حکایت شده:

«الداعی بلا عمل کالقوس بلاوتر»؛ «۳» «دعا کننده‌ای که بدون عمل است مثل کمان بدون چلّه [: زه می‌باشد.

و همچنین در روایات آمده: شخصی که در خانه نشسته و از خدا درخواست رزق می‌کند خدا دعای او را مستجاب نمی‌کند. «۴»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۴۵

۵. انسان سعی کند چه در موقعی که مشکل و ناراحتی دارد و چه موقعی که مشکل ندارد، همیشه در درگاه خدا ندای نیاز سر دهد و دعا کند، تا دعایش در موقع گرفتاری زودتر مستجاب شود.

از امام صادق علیه السلام حکایت شده: ان الدعاء فی الرخاء یستخرج الحوائج فی البلاء. «۱» دعا کردن در موقع راحتی و خوشی باعث می‌شود در موقع گرفتاری حاجت‌ها زودتر برآورده شود.

معرفی کتاب:

برای آگاهی بیشتر رجوع فرمایید به:

۱. کتاب میزان الحکمۀ- از آیۀاللّه ری شهری- بحث دعا

۲. کتاب «دعا»- از شهید دستغیب رحمهم الله

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۴۶

۴. چه کنیم تا نمازمان را سبک نشماریم و بنده‌ی خداوند بشویم؟

۴. پرسش:

۴. چه کنیم تا نمازمان را سبک نشماریم و بنده‌ی خداوند بشویم؟

پاسخ:

هر شخص عملی را که می‌خواهد انجام دهد، اگر نسبت به آن عمل معرفت و شناخت کافی داشته باشد سعی می‌کند تا جائی که ممکن است و توان دارد، آن عمل را خوب و به نحو احسن انجام دهد.

از این رو اگر بخواهیم نمازمان را سبک نشماریم باید معرفت و شناخت کامل به مسائل زیر پیدا کنیم:

۱. حکمت و فلسفه‌ی نماز (چرا باید نماز بخوانیم؟)

۲. در نماز مقابل چه کسی می‌ایستیم؟

۳. اهمیت و ویژگی‌های نماز

۴. آثار نماز

۵. آثار سبک شمردن نماز

۶. برخورد ائمه علیهم السلام با «نماز» و «اوقات نماز»، چون آنها الگوی ما هستند.

اینک به توضیح مختصری درباره‌ی هریک از موارد بالا می‌پردازیم که در آیات و روایات آمده است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۴۷

الف) حکمت و فلسفه‌ی نماز:

در مورد عبادات که نماز هم یکی از آنها می‌باشد اگر حکمت و فلسفه‌ای هم برای آنها ذکر نشده باشد، چون خدا دستور به انجام آن داده انجام می‌دهیم چرا که «تسلیم» امر خداوند بزرگ‌ترین فلسفه است.

اما در مورد نماز در بعضی از آیات و روایات به فلسفه‌ی آن اشاره شده است از جمله:

«أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِکْرِی» «۱»

نماز را برای یاد من به پا دار.

و در حدیثی از حضرت فاطمه زهرا علیهما السلام نقل شده است که خداوند نماز را به منظور دور کردن ا ز «کبر» و اجب نمود. «۲»

ب) اهمیت و ویژگی‌های نماز:

در میان همه‌ی عبادات، نماز از اهمیت و ویژگی خاصی برخوردار است که به بعضی از آنها اشاره می کنیم:

۱. نخستین واجب الهی:

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حکایت شده: نخستین چیز از دین، که خدا بر مردم واجب کرد و آخرین چیزی که باقی می‌ماند «نماز» است. «۳»

۲. نخستین مورد بازخواست در قیامت:

پیامبر صلی الله علیه و آله: نخستین عمل انسان که در روز قیامت محاسبه می‌شود نماز

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۴۸

است، پس اگر نیکو بود رستگار و کامیاب می گردد، و اگر باطل بود محروم و زیانکار می‌شود. «۱»

۳. بهترین سفارش و دستور دین:

امام صادق علیه السلام: محبوب‌ترین کارها نزد خدا نماز است و آن آخرین سفارش همه‌ی پیامبران است. «۲»

۴. ستون دین و قوام اسلام:

حضرت علی علیه السلام: سفارش می کنم شمارا به نماز که ستون دین و قوام اسلام است پس از نماز غافل نشوید. «۳»

۵. نگهبان الهی:

امام صادق علیه السلام: همانا نماز نگهبان الهی در زمین است. «۴»

ج) آثار نماز:

۱. نماز بازدارنده از کار زشت و ناپسند:

«وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَی عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنکَرِ» «۵»

نماز را به پادار، زیرا نماز انسان را از کارهای زشت و ناپسند باز می‌دارد.

۲. یاد و ذکر خدا مایه‌ی آرامش دل‌ها:

نماز یاد خدا است «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِکْرِی»

و با یاد خدا دل ها آرامش پیدا می کند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۴۹

«أَلَا بِذِکْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» «۱» ۳. کمک گرفتن از نماز (در مشکلات و غم‌ها):

از امام صادق علیه السلام حکایت شده: چه چیز مانع می‌شود هر گاه بریکی از شما اندوهی از اندوه‌های دنیا رسید، وضو بگیرد سپس به مسجد رود و دو رکعت نماز بخواند و خدا را در آن بخواند؟ آیا نشنیده‌ای که خداوند می گوید: «و از شکیبایی و نماز یاری جویید؟» «و اسْتَعِینُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» «۲» ۴. نماز وسیله‌ی راندن شیطان:

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حکایت شده: نماز چهره‌ی شیطان را سیاه می کند. «۳»

از حضرت علی علیه السلام حکایت شده: نماز پناهگاه رحمان و وسیله‌ی راندن شیطان است. «۴»

۵. فرود آمدن رحمت:

«از امام علی علیه السلام حکایت شده: نماز رحمت را فرود می‌آورد. «۵»

۶. پاکی جان و زدودن گناه:

از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده: همانا مسلمانان هنگامی که وضو می گیرند و نماز پنجگانه را می‌خوانند گناهشان می‌ریزد مثل اینکه برگ از شاخه‌ی درخت می‌ریزد. «۶»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۵۰

۷. نماز وسیله‌ی نزدیک شدن به خدا:

پیامبر صلی الله علیه و آله: همانا نماز وسیله‌ی نزدیک‌شدن شخص با ایمان (به‌خدا) می‌باشد. «۱»

۸. ورود به بهشت:

از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده: کلید بهشت نماز است. «۲»

د) آثار کوچک شمردن نماز:

۱. شفاعت پیامبر و ائمه به او نخواهد رسید.

۲. در حدیثی که از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده آمده است که به حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند: «هر کس از مردان و زنان نمازش را سبک بشمارد خداوند او را به پانزده بلا مبتلا می‌سازد شش مورد در دنیا، سه مورد در وقت مرگ، و سه مورد آنها در قبر و سه مورد در قیامت زمانی که از قبر خارج شود.» (ما به ذکر شش مورد اول اکتفا می‌کنیم)

امّا آن شش بلایی که در دنیا دامنگیرش می‌شود:

۱. خداوند برکت را از عمرش می‌برد.

۲. خداوند برکت را از رزقش می‌برد.

۳. دعایش به آسمان نمی‌رود (مستجاب نمی‌شود).

۴. هر عملی که انجام می‌دهد پاداش داده نمی‌شود.

۵. خداوند متعال سیمای صالحین را از چهره‌اش محو می‌کند.

۶. بهره‌ای از صالحین برای او نیست. «۳»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۵۱

ه) الگو گرفتن از ائمه علیهم السلام:

برخورد ائمه علیهم السلام با نماز و اوقات نماز به عنوان الگو و اسوه، برای پیروان آن معصومین آموزنده و الهام بخش است که به نمونه هائی از آن اشاره می‌کنیم:

۱. صدای اذان برای رسول خدا چنان جاذبه داشت ونشاط می‌آورد که هنگام اذان به بلال می‌فرمود:

«ارحنا یا بلال» ای بلال مارا از غم و اندوه و تلخی رهایی بخش. آن حضرت می‌فرمود: کسی که صدای اذان را بشنود و بی‌تفاوت بماند جفا کرده است.

۲. هنگام نماز رنگ چهره‌ی حضرت علی علیه السلام تغییر می‌کرد و می‌لرزید و می‌فرمود: وقت نماز رسیده، وقت امانتی که خدا بر آسمانها و زمین و کوه‌ها عرضه کرد اما آنها از قبول آن دوری کرده و ترسیدند.

۳. هر گاه وقت نماز فرا می‌رسید، گویا رسول خدا صلی الله علیه و آله کسی را نمی‌شناخت و حال معنوی خاصی پیدا می‌کرد و می‌فرمود: گرسنه از غذا سیر، و تشنه از آب سیراب می‌شود، ولی من از نماز سیر نمی‌شوم. «۱»

۴. از امام صادق علیه السلام نقل شده: پیروان ما را در وقت‌های نماز بیازمائید که مواظبت بر نماز شان چگونه است. «۲»

اگر کسی معرفت و شناخت کامل بوسیله این موارد نسبت به نماز پیدا کرد، دیگر نماز را سبک نمی‌شمارد و حتی آداب ظاهری نماز (مثل مسواک زدن، استفاده از بوی خوش، رعایت اول وقت، آرامش تن و ...) و آداب باطنی نماز (حضور قلب، خشوع و خضوع و ...) را رعایت می‌کند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۵۲

و آن وقت این نماز سازنده‌ی او می‌شود و او را به کمال می‌رساند انشااللَّه!

حال اگر این سؤال در ذهن شخصی بیاید که اگر بعد از معرفت و شناخت این موارد، باز نماز را سبک شمردیم دلیل چیست؟

پاسخ این است که باید سراغ موانع دیگر برود (مثل اینکه معرفت او کامل نیست یا اینکه در هنگام مواجه شدن با کار حرام و گناه چگونه برخورد می‌کند و ...)

خداوندا! ما را از نمازگزاران واقعی قرار ده!

معرفی کتاب:

برای مطالعه بیشتر در این موضوع مراجعه فرمایید به:

۱. سیمای نماز در قرآن و حدیث محمد محمدی ری‌شهری، ترجمه و تلخیص عبدالهادی مسعودی

۲. تفسیر نماز از دیدگاه معصومین م محمدی

۳. نماز ازدیدگاه قرآن و عترت محمد محمدی اشتهاردی

۴. پرتوی از اسرار نماز محسن قرائتی

۵. جامع آیات و احادیث موضوعی نماز ج ۱ عباس عزیزی

۶. میزان الحکمهٔ محمد محمدی ری‌شهری

۷. تفسیر نمونه (ذیل آیات نماز) آیهٔ اللَّه مکارم شیرازی

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۵۳

۵. عشق چیست و راهکار آن کدام است؟

۵. پرسش:

۵. عشق چیست و راهکار آن کدام است؟

پاسخ:

معنای عشق:

در لغت، «عشق» را محبت شدید و علاقه‌ی افراطی و دل بستگی زیاد نسبت به یک شئ و یا یک شخص معرفی کرده‌اند.

محقق بزرگ طوسی در شرح اشارات بوعلی می‌نویسد:

والحب اذا افرط سمی عشقاً (محبتی که از اندازه زیادتر شود و از حد خود بگذرد عشق می‌نامند).

آیهٔاللَّه جوادی آملی نیز در کتاب حماسه و عرفان به همین معنا اشاره دارند.

ریشه‌ی این واژه از «عشقه» گرفته شده است، و آن نام گیاهی است که بر تنه‌ی درخت می‌پیچد، آب آن را می‌خورد رنگ آن را زرد می‌کند و بالاخره آن را خشک می‌کند و خود با طراوت می‌ماند. «۱»

اما در اصطلاح: عشق را از کیفیات نفسانی قلمداد می‌کنند که به سبب سیطره‌ی شدید تفکر در زیبایی و نیکویی محبوب و کثرت مشاهده‌ی شئون اطوار و آثار حسن معشوق در نفس و جان آدمی تحقق می‌یابد. «۲»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۵۴

از نظر بوعلی عشق حقیقی در تمام موجودات ساری و جاری است عشق حقیقی همان ابتهاج، سرور، نشاط ناشی از تصور ذات معشوق می‌باشد. «۱»

عشق در قرآن و روایات:

واژه عشق در قرآن نیامده اما مفهوم آن که محبت شدید و دل باختن به محبوب می‌باشد وجود دارد در سوره‌ی بقره آیه‌ی ۱۶۵ آمده است: «الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» (آنها که ایمان دارند عشقشان به خدا از مشرکان نسبت به معبودهایشان) شدیدتر است.

عده‌ای از مترجمان و مفسران «أَشَدُّ حُبًّا» را به عشق ترجمه کرده‌اند.

در سوره‌ی یوسف نیز آمده:

(وقتی جریان محبت و علاقه‌ی شدید زلیخا به یوسف در شهر منعکس شد) گروهی از زنان شهر گفتند: همسر عزیز، جوانش (غلامش) را به سوی خود دعوت می‌کند عشق این جوان در اعماق قلبش نفوذ کرده است.

در روایات واژه‌ی عشق و مفهوم آن مستقیماً به کار رفته است به عنوان نمونه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حکایت شده:

«افضل الناس من عشق العبادهٔ فعانقها واحبها بقلبه و باشرها بجسده و تفرغ لها» «۲» بهترین مردم کسی است که به عبادت عشق بورزد و با عبادت هم آغوش گردد و از قلب، دوستش بدارد و آن را با بدن انجام دهد و خود را در اختیار آن بگذارد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۵۵

سخن دیگر از امیر بیان و مولای متقیان در خطبه ۱۰۸ نهج‌البلاغه می‌فرماید:

«من عشق شیئاً غشی بصره و أمرض قلبه و ...»

هر که عاشق چیزی شود چشمش را کور ساخته و دلش را بیمار گرداند (به طوری که عیب آن را ننگریسته، زشتی‌اش را نیکوبیند).

این محبت شدید در ادعیه و مناجات اهل بیت نیز بکار رفته است. «۱»

عشق در کلام بزرگان:

یکی از موهبت‌های بزرگ و ارزشمند الهی به انسان خاکی، کیمیای ناشناخته‌ی عشق می‌باشد؛ حالتی که منشأ تمام کمالات والای نفسانی و یکی از مهم‌ترین عوامل حرکت، آگاهی و رشد در انسان می‌باشد و جایگاه بالای قلب، مکان و ظرف آن می‌باشد.

حریم عشق را در گه بسی بالاتر از عقل است

کسی این آستان بوسد که سر در آستین دارد «۲» بعضی فرموده‌اند: عشق ستاره‌ای برافروخته از تجلی حسن معشوق ازلی است که آدمی و پری، طنین هستی اویند و آنقدر این عشق مقدس است که دست فرشته به آن نرسد.

عشق معجونی است که همه‌ی جهان زنده به اوست و جنبش افلاک به برکت اوست.

مولانا عشق را وصف ایزد و از اوصاف خداوند بی‌نیاز می‌داند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۵۶

عشق از اوصاف خدای بی‌نیاز

عاشقی بر غیر او باشد مجاز «۱» عشق رها شدن از پلیدی‌ها و عیب هاست، و سوختن در برق عشق نوازشگر دل و روح آدمی است.

هر که را جامه زعشقی چاک شد

او ز حرص و جمله عیبی پاک شد «۲» نکته‌ی پایانی مقدمه اینکه جناب عارف حکیم صدرالمتألهین می‌گوید:

«عشق» عین «وجود» است و وجود عین عشق است، هر دو عین حسن و جمال است و مراتب و درجات عشق به اندازه‌ی مراتب وجود است و این دو با هم ملازم هستند، و بین تمام موجودات عالم جریان دارد. «۳»

انواع عشق:

برای عشق تقسیم‌بندی‌های متعددی نقل شده اما معروف‌ترین آنها این گونه است:

۱. عشق حقیقی: که همان محبت الهی، عشق به لقاء محبوب حقیقی، که ذات احدیت می‌باشد.

۲. عشق مجازی: عشق‌های غیرحقیقی و زودگذر و ظاهری که بین موجودات است که منحصر به انسان هم نیست بلکه ممکن است

یک طرف انسان و طرف دیگر موجودات دیگر باشد.

عشق‌های وهمی و خیالی در محدوده‌ی عشق‌های مجازی می‌باشد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۵۷

راه حل‌ها:

با این مقدماتی که بیان شد و تقسیماتی که درباره‌ی عشق مطرح گردید حال ببینیم اگر جوانی به دلایلی دچار عشق‌های مجازی شد و در وجود خود احساس گناه کرد برای معتدل کردن این عشق چه باید بکند.

آنچه مهم است کنترل عقلایی و دینی این احساسات می‌باشد تا فرد دچار گرفتاری‌ها و دردهای جسمی و روحی نگردد و این علاقه و دوست داشتن در مسیر معین به اندازه‌ی مشخص جهت دهی شود. وگرنه موجب بر هم خوردن برنامه‌ی سعادت او می گردد.

آری؛ حکما گفته‌اند: «شدت و ضعف محبت» متناسب است با «میزان درک کمال محبوب»

توضیح مطلب: هر چه «معرفت و آگاهی» انسان نسبت به خوبی‌ها و کمالات محبوب بیشتر شود «محبت» به او نیز بیشتر می‌شود.

مثال: شما شخصی را به عنوان دوست انتخاب می‌کنید در هر ملاقات و ارتباط جدید هر چه از خوبی‌های او با خبر می‌شوید محبت شما به او بیشتر می‌شود. مثلًا در ملاقات اولی به خاطر ورزشکار بودن به او علاقه‌مند شدید ولی بعد متوجه می‌شوید دانش‌آموز موفقی هم هست و در کنار درس و موفقیت در ورزش، حافظ قرآن نیز هست هر چه از کمالات و خوبی‌های او بیشتر آگاه می‌شوید علاقه‌ی شما به او بیشتر می‌شود. «۱»

با توجه به مطالبی که گذشت ما می‌بینیم گاهی برخی افراد به همدیگر

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۵۸

علاقه‌مند می‌شوند در حالی که هیچ شناختی نسبت به هم ندارند و بعد هم که ملاقات‌ها بیشتر می‌شود کمال و خوبی خاصی در محبوب خود نمی‌بیند ولی علاقه‌ی او بیشتر می‌شود و این محبت آنقدر شدید می‌شود که گاهی به مرحله عشق می‌رسد.

این واقعیت چطور با آن قاعده‌ی بالا سازگار است؟!

قاعده‌ی بالا می‌گوید: «هر چه کمالات بیشتر باشد علاقه بیشتر می‌شود.» ولی اینجا می‌بینیم کمالی وجود ندارد ولی علاقه و عشق آمده. به نظر می‌رسد پاسخ این باشد که برخی افراد بویژه بعضی جوانان بعد از ملاقات اولی و علاقه‌ی ابتدایی که به محبوب خود پیدا می‌کند از محبوب خود یک شخصیت ایده آل و با کمالی، در ذهن خود می‌سازد و به آن شخصیت که در ذهن و خیال خود دارد علاقه‌مند می‌شود و هر روز کمالاتی را برای او فرض می‌کند و خوبی‌ها و حسن‌هایی را برای او توهم می‌کند، و براساس آن شخصیت و محبوب خیالی و مفروض که برای خود ساخته، محبت او بیشتر می‌شود و عشق و علاقه و دفاع از او نیز لحظه به لحظه افزایش می‌یابد.

در حالی که خود او می‌داند و همه اطرافیان هم می‌دانند که: آن محبوب این کمالات را که ندارد هیچ، ارزش این همه دفاع و وقت صرف او کردن را هم ندارد.

ولی او کمالات و ارزش‌هایی را برای او تصور کرده و دارد با آن عشق بازی می‌کند تا حدی که معایب او اصلًا دیده نمی‌شود و گاهی «معایب» را نیز «محاسن» می‌شمارد. «۱»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۵۹

راه حل اول:

برای خروج از این بن بست و رهایی از بند عشق‌های مجازی این چنینی، انسان باید قدری «تفکر» کند و شخصیت محبوب خود را

از زیر ذره‌بین «عقل» بگذراند و ببیند آیا واقعاً او، این همه کمال را دارد و اصلًا عیبی ندارد که من این مقدار برای او ارزش قائل شده‌ام؟!

به عبارت دیگر چنین افرادی اگر به «واقعیت‌گرایی» نزدیک شوند و از «خیال بافی و توهم» فاصله بگیرند بخش عمده‌ای از مشکلشان حل می‌شود. و محبت آنها به افراد، اعتدال پیدا می‌کند و بسیاری از مشکلات که بر سر عشق مجازی هست. برای او حل می‌شود.

راه حل دوم:

نیازهای «عاطفی» و «جنسی» دو عاملی هستند که انسان را به سوی دوست داشتن و عشق ورزیدن به دیگران سوق می‌دهد و این یک امر طبیعی است.

با توجه به این مقدمه باید ببینیم:

این عشقی که ایجاد شده آیا ریشه‌ی عاطفی دارد یا ریشه‌ی جنسی، اگر علاقه‌ی جنسی است آیا معشوق از جنس مخالف است یا همجنس. که هر کدام از این موارد پاسخ خاص خود را می‌طلبد. «۱» که به طور اجمال اشاره می‌کنیم.

- اگر ریشه‌ی این عشق و علاقه- که انسان را دچار این مشکل کرده- مسائل «عاطفی» است شخص باید این خلأـ را از درون خانواده پر کند. با علاقه به پدر و

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۶۰

مادر و برادر و خواهر این خلأ عاطفی را از بین ببرد تا نیاز به جایگزینی افراد دیگر نباشد تا انسانی در دام عشق‌های مهلک مجازی بیفتد. «۱»

- اگر این علاقه «جنسی» است و معشوق هم از جنس موافق است انسان باید در مورد عاقبت اخروی و دنیوی این نوع عشق و علاقه خوب فکر و مطالعه کند.

چنانچه حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «هر وقت خواستید کاری انجام دهید، اول در مورد عاقبت آن کار، تفکر عمیق بکنید.» «۲»

از این رو عاقبت اخروی این کار، که عاقبتی عذاب آلود است و عاقبت دنیوی آن هم که جدای از آبروریزی و لگدمال شدن شخصیت انسان، فرد را دچار بیماری‌های جسمی و روحی خطرناک می‌کند و استعدادهای انسان را ضایع می‌کند و از شکوفا شدن آن جلوگیری می‌کند.

و اگر این علاقه‌ی عاطفی یا جنسی، به جنس مخالف است که راه حل‌های خود را می‌طلبد از جمله:

۱. انسان مساله را با خانواده خود در میان گذارد و رسماً از معشوق خود برای ازدواج خواستگاری نماید و از این کار هراسی در دل نداشته باشد. البته باید با توکل بر خدا و همراه با شناخت و مشورت با دیگران و بدون عجله و با انجام تحقیقات کامل این امر صورت گیرد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۶۱

اما اگر جواب آنها منفی بود یا شرایط ازدواج وجود نداشت چه باید کرد؟

۲. بعد از صبر و بردباری، تصمیم بگیرد به طور قاطعانه و با اراده‌ی محکم و توکل بر خدا او را به فراموشی بسپارد، مهم‌ترین عامل در این مرحله اینست که مطمئن باشد در آینده‌ی نزدیک او را فراموش خواهد کرد و انشاء اللّٰه مورد بهتری برای او پیدا خواهد شد.

۳. ایجاد پیوند و رابطه‌ی قلبی عمیق با خالق زیبائی‌ها و کمالات یعنی خداوند متعال، با این عقیده، که هر چه زیبایی و کمال در عالم هست از اوست. «۱» و عشق به او، پایدار است و بقیه‌ی عشق‌ها فانی و زودگذر است.

۴. بـا برنـامه‌ریزی دقیق و منظم، وقت خود را بـا مطـالعه، ورزش، کـار و تلاش اقتصادی و رفاقت و مجالست با دوسـتان مـذهبی و با شرکت در مجالس اهلبیت، اوقات خود را به نحو احسن غنی سازی کند، و سعی شود از بیکاری و پرداختن به امور بیهوده و خلوت گزینی و گوشه‌گیری پرهیز شود. تا خود به خود ذهن انسان از این محبت‌ها خالی گردد.

۵. دوران جوانی پر از شور و هیجان و احساس است این نوع مسایل طبیعی است و با انـدک بهانه‌ای بوجود می‌آیـد و با اندک بهانه و تلاشی فراموش می‌شود.

به عنوان مثال: همین قدر که انسان متوجه شود محبوب او با شـخص دیگری ارتباط دارد، از او دلگیر می‌شود و کم‌کم به قطع رابطه می‌انجامد.

۶. در نظر خود بین دو عشق مجازی و حقیقی که مربوط به خدا و اولیاء

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۶۲

خـداست مقایسه‌ای بنماید به اینکه عاشـقان حقیقی در وجود خود عزت نفس- حقیر شدن مشـکلات- تأثیر نداشـتن تعریف و مدح دیگران- احساس امنیت و آرامش و ثبات قدم داشتن- و محبوب شدن پیش دیگران را دارند.

به خلاف عشق‌های غیرحقیقی که خفت و خواری و حقیر شدن را به دنبال دارد.

یادآوری: لازم به ذکر است که جوانان در این مرحله احتیاج به مشاوره‌ی حضوری با متخصصان این امر را دارند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۶۳

۶. ویژگی‌های همسر خوب چیست؟

۶. پرسش:

۶. ویژگی‌های همسر خوب چیست؟

پاسخ:

ازدواج بنیانگـذار کـانون پر مهر خـانواده است و آنقـدر مهم و بـا ارزش است که حتی در جوامع غیراسـلامی و غیردینی هم اهتمـام ویژه‌ای نسبت به آن دارند.

در قرآن کریم از آن به عنوان آیه و نشانه‌ی خدا- که باعث آرامش و سـکونت انسان می‌گردد «۱»- یاد شده است و این نیاز طبیعی همه‌ی انسان‌ها می‌باشد.

ازدواج یـک امر فطری، خـدادادی و طـبیعی اسـت کـه سـلامت «جسـم و روح» انسـان را تـأمین می‌کنـد و نقش فراوانی در پرورش استعدادهای روحی و فکری و جسمی انسان برعهده دارد و باعث تکامل انسان می‌گردد.

شهیـد مطهری در ایـن راسـتا می‌گویـد: انسـان بـدون ازدواج بـه مرحله تکامـل نمی‌رسـد اگر چه مراحـل علمی و معنـوی بالا-یی را گذرانده باشد. «۲»

هر شخصـی که بخواهـد ازدواج موفقی داشـته باشـد بایـد ویژگی‌هـای همسـر مناسب را بدانـد و طبق آن «ویژگی‌ها» همسـر خود را «انتخاب» کند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۶۴

ویژگی‌های همسر مناسب

بـا توجه به روایـات و سـخن بزرگان ویژگی‌های مختلفی برای همسـر شایسـته بیان شـده که برای رعایت اختصار برخی از آنها را بر می‌شماریم:

برای انتخاب همسر شایسته «چهار ویژگی اساسی» و «چهار شرط کمال» است.

الف: ویژگی‌های اساسی همسر

اول: دین‌داری و تعهد:

در روایت می‌خوانیم: «علیك بذوات الدین» «۱» با انسان متدین ازدواج کنید اعتقاد به خدا و دین باوری نگاه انسان را به هستی و خوشبختی تغییر می‌دهد.

ارزش‌های واقعی را می‌فهماند. در «فراوانی نعمت» روحیه‌ی «شکر و انفاق» به دیگران، در «سختی و مشکلات» زندگی، به جای کج خُلقی و بدبینی، «امید و تلاش» را سرلوحه زندگی قرار می‌دهد.

«دین»، انسان را مسئولیت‌پذیر می‌کند، و استقلال شخصیت و روی پای خود ایستادن را به انسان هدیه می‌دهد، همان چیزی که افراد از همسرشان انتظار دارند و رهایی از تنبلی، و انجام ندادن کارهای لغو، و دوری از گناه که بنیان خانواده را سست می‌کند از دیگر نتایج ایمان می‌باشد. خلاصه در «سایه‌ی دین» است که انسان «طعم خوشبختی» را می‌چشد.

دوم: اخلاق نیك:

از امام باقر علیه السلام حکایت شده که می‌فرماید: «اذ جاءکم من ترضون خُلقه و

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۶۵

دینه فزوجوها» «۱» اگر کسی که برای خواستگاری شما آمد از اخلاق و دین داری او راضی هستید، پس با او ازدواج کنید.

سوم: شرافت خانوادگی و اصالت داشتن:

نه به این معنا که شهرت، ثروت یا موقعیت اجتماعی بالا داشته باشند، بلکه با نجابت و بزرگوار باشند و به کارهای باطل و حرام شهرت نداشته باشند.

چهارم: عاقل باشد و احمق و نادان نباشد:

البته فرق است بین «عاقل» و «عالم و با سواد»، زیرا چه بسیار افرادی که سواد بالائی ندارند اما تدبیر و عقل معاش و عقل معاد خوبی دارند.

ب: شرائط کمال همسر:

اول: سلامت جسمی و روحی:

اگر هم بیماری خاصی وجود داشت از کم و کیف و چگونگی آن قبل از عقد با خبر شود و با اطلاع کافی ازدواج کند. «۲»

دوم: زیبایی:

از نظر ظاهری یک حداقل زیبایی را داشته باشد. البته کمال زیبایی یک «امتیاز» است و «شرطی» که مانع ازدواج باشد نیست. برخی افراد به هنگام انتخاب همسر فقط «زیبایی‌های معنوی» همسر خود را مد نظر دارند و نسبت به «زیبایی‌های ظاهری» بی‌توجهی می‌کنند و مهم نمی‌دانند.

و از طرفی برخی افراد نیز به خاطر انتخاب «همسر زیبا» بقیه‌ی ویژگی‌های

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۶۶

همسر مناسب را «فدای زیبایی ظاهری» می‌کنند و به صِرفِ داشتن زیبایی ظاهر کفایت می‌کنند.

این دو گروه «افراط» و «تفریط» می‌کنند، و بدیهی است که در طول زندگی به مشکل بر می‌خورند از این رو پیشنهاد می‌شود در این زمینه «اعتدال و میانه‌روی» رعایت شود.

سوم: علم:

«آگاهی»، درک انسان را نسبت به زندگی بالا می‌برد البته در حد معمول، و اصرار بر مدارج بالا برای تشکیل زندگی نیاز نیست.

چهارم: هم‌شأنی:

هم کُف بودن و همسانی در مسائل مختلف مثل ایمان، توانائی‌های فکری و فرهنگی، در مسائل جسمی و جنسی در زیبایی در امور مالی و اقتصادی و سیاسی و ... تناسب داشته باشند.

یادآوری:

درباره‌ی مسئله‌ی مهم ازدواج، انسان احتیاج دارد به مطالعه کتبی که در این زمینه وجود دارد و بعد مشاوره حضوری یا غیرحضوری با کارشناسان و روانشناسان متخصص و متعهد در این موضوع.

اگر این پاسخ کلی بود، یا سوالات جدیدی برای شما بوجود آمد، با مطرح کردن پرسش‌های خود به صورت «جزئی‌تر و دقیق‌تر» ما را در پاسخ دهی بهتر یاری فرمایید.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۶۷

معرفی چند کتاب پیرامون ازدواج در اسلام:

۱. جوانان و انتخاب همسر آیت‌اللّه حسین مظاهری

۲. ازدواج مکتب انسان سازی شهید دکتر پاک نژاد

۳. انتخاب همسر آیت‌اللّه ابراهیم امینی

۴. اسلام و ازدواج آیت‌اللّه مشکینی

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۶۹

فهرست منابع

۱. آمدی، عبدالواحد؛ غررالحکم و دررالکلم، نگارش محمد علی انصاری، تهران، بی‌نا، چاپ چهارم، بی‌تا.

۲. ابن فهد حلی؛ عدة الداعی، بی‌جا، دار الکتاب الإسلامی، سال ۱۴۰۷ ه. ق.

۳. احمدبن محمدبن خالد برقی؛ محاسن، قم، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ ش.

۴. العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعه؛ نورالثقلین، مطبعة العلمیه، چاپ دوم، قم، بی‌تا.

۵. المصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی، چاپ اول، سال ۱۴۱۶ ه. ق.

۶. امام صادق علیه السلام، جعفر بن محمد علیه السلام؛ مصباح الشریعة، موسسة الاعلمی للمطبوعات، بی‌جا، سال ۱۴۰۰ ه. ق.

۷. اهتمام، احمد؛ فلسفه احکام، اصفهان، انتشارات فلاحت ایران، چاپ دوم، سال ۷۷.

۸. پاک‌نژاد، سید رضا؛ اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگی شهید پاک‌نژاد یزد، چاپ دوم، سال ۱۳۶۵.

۹. جوادی آملی، عبداللّه؛ اسرار عبادات، تهران، انتشارات الزهرا، چاپ چهارم، سال ۱۳۷۲.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۷۰

۱۰. همان؛ زن در آیینه جلال و جمال، قم، ناشر دار الهدی، چاپ ششم، تابستان ۸۰.

۱۱. خلیلی، محمدحسین؛ مبانی فلسفی عشق از منظر ابن سینا و ملاصدرا، موسسه بوستان کتاب، انتشارات دفتر تبلیغات حوزه‌ی علمیه قم، قم، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۱۲. خمینی، روح اللّه؛ اربعین حدیث، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم، زمستان ۱۳۷۱.

۱۳. همان؛ تحریرالوسیله، قم، موسسه النشر الاسلامی (التابع)، بی‌تا.

۱۴. دستغیب، سید عبدالحسین؛ گناهان کبیره، بی‌جا، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هفتم، زمستان ۷۲.

۱۵. همان، قلب سلیم، قم، دارالکتاب، چاپ سوم، تابستان ۷۵.

۱۶. دشتی، محمد؛ نهج‌البلاغهٔ، قم، انتشارات مشهور، چاپ اول، سال ۸۰.

۱۷. راغب اصفهانی؛ مفردات الفاظ القرآن، دارالقلم دمشق و الدار الشامیه بیروت، طبع اول، سال ۱۴۱۶ ه.

۱۸. رضایی اصفهانی، محمدعلی؛ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، رشت، انتشارات کتاب مبین، چاپ اول، سال ۸۰.

۱۹. سبحانی، جعفر؛ منشور جاوید، اصفهان، مکتبهٔ الامام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، سال ۱۴۰۱ ه. ق.

۲۰. حرعاملی، محمد بن الحسن؛ وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعهٔ، قم، موسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ه. ق.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۷۱

۲۱. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن موسی بن بابویه؛ توحید، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ ه. ق.

۲۲. طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن؛ الأمالی للطوسی، قم، انتشارات دارالثقافهٔ، سال ۱۴۱۴ ه. ق.

۲۳. طباطبایی، محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، قم، موسسهٔ النشر الاسلامی، سال ۱۴۲۳ ه. ق.

۲۴. عزیزی، عباس؛ جامع آیات و احادیث موضوعی نماز، قم، انتشارات نبوغ، چاپ پنجم، سال ۷۹.

۲۵. فرهادیان، رضا؛ آنچه یک جوان باید بداند، قم، انتشارات رئوف، چاپ چهارم، اسفند ۷۰.

۲۶. فلاح زاده، محمد حسین؛ آموزش احکام، قم، دفتر نشر الهادی، چاپ سوم، سال ۷۳.

۲۷. فیض کاشانی، محسن؛ محجهٔ البیضاء فی احیاء الإحیاء، تهران، المکتبهٔ الاسلامیهٔ، بی‌تا.

۲۸. قرائتی، محسن؛ پرتویی از اسرار نماز، تدوین جواد محدثی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بی‌جا، چاپ اول، سال ۶۹.

۲۹. همان؛ تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگ درس‌هایی از قرآن، چاپ اول، بهار ۸۰.

۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق؛ کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیهٔ، طبع چهارم، سال ۷۵.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۷۲

۳۱. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، بیروت، مؤسسهٔ الوفاء، ۱۴۰۴ ه. ق.

۳۲. محمدی ری‌شهری، محمد؛ الصلوهٔ فی الکتاب والسنهٔ، مترجم عبدالهادی مسعودی، قم، دارالحدیث، سال ۷۷.

۳۳. همان، محمد؛ درس‌هایی از اصول عقاید، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ سوم، ۱۳۷۰.

۳۴. همان، محمد؛ سیمای نماز در قرآن و حدیث، ترجمه و تلخیص عبدالهادی مسعودی، قم، دارالحدیث، چاپ اول، سال ۷۷.

۳۵. همان، محمد؛ میزان الحکمهٔ، ج ۲، مکتب الاعلام الاسلامی، بی‌جا، چاپ چهارم، سال ۷۲.

۳۶. مصباح یزدی، محمدتقی؛ معارف قرآن، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ سوم، زمستان ۱۳۸۰.

۳۷. مطهری، مرتضی؛ اسلام و مقتضیات زمان، تهران، انتشارات صدرا، چاپ هفتم، سال ۷۲.

۳۸. همان؛ انسان کامل، تهران، انتشارات صدرا، چاپ ششم، سال ۷۱.

۳۹. همان؛ عدل الهی، تهران، انتشارات صدرا، چاپ ششم، سال ۷۱.

۴۰. همان؛ نظام حقوق زن، تهران، انتشارات صدرا، چاپ سیزدهم، سال ۶۸.

۴۱. همان؛ وحی ونبوت، تهران، انتشارات صدرا، چاپ هشتم، سال ۷۱.

۴۲. همان؛ تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، چاپ بیست و دوم، سال ۷۲.

۴۳. همان؛ مساله شناخت، تهران، انتشارات صدرا، چاپ ششم، سال ۷۱.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۷۳

۴۴. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیة، چاپ دهم، سال ۷۲.

۴۵. همان؛ پیام قرآن، قم، انتشارات مدرسة الامام علی بن ابی‌طالب، چاپ پنجم، سال ۱۳۷۴.

۴۶. همان؛ قم، مدرسهٔ امام علی بن ابی‌طالب، چاپ اول، سال ۷۸.

۴۷. ورام بن ابی‌فراس؛ مجموعه ورام، قم، انتشارات مکتبة الفقیه، بی‌تا.

۴۸. همایی، غلامعلی، واژه‌شناسی قرآن، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول، سال ۸۳.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۷۴

صفحه سفید

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۳، ص: ۱۷۵

انتشارات تفسیر و علوم قرآن تقدیم می‌کند:

الف: کتاب‌های منتشر شده:

۱. پرسش‌های قرآنی جوانان (۱) ترنم مهر- محمدعلی رضایی‌اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

۲. پرسش‌های قرآنی جوانان (۲) شمیم مهر- محمدعلی رضایی‌اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

۳. پرسش‌های قرآنی جوانان (۳) باران مهر- محمدعلی رضایی‌اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

۴. فلسفه احکام (۲) حکمت‌ها و اسرار نماز- احمد اهتمام

ب: کتاب‌های در دست انتشار:

۱. پرسش‌های قرآنی جوانان (۴)- محمدعلی رضایی‌اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

۲. فلسفه احکام (۳) خداشناسی از راه کیهان‌شناسی- احمد اهتمام

۳. ترجمه آموزشی قرآن- محمدعلی رضایی‌اصفهانی و جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه

۴. ترجمه تفسیری قرآن- محمدعلی رضایی‌اصفهانی و جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه

۵. اعجاز و شگفتی‌های علمی قرآن- محمدعلی رضایی‌اصفهانی و محسن ملاکاظمی

۶. قرآن و علوم پزشکی- حسن رضا رضایی

۷. قرآن و مدیریت- محسن ملاکاظمی

۸. سیمای سوره‌های قرآن- محمدعلی رضایی‌اصفهانی

یادآوری: مراکز پخش کتاب‌های فوق در صفحه شناسنامه همین کتاب آمده است.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹